



شرح مختصر منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام  
جمهوری اسلامی ایران

زهرا آیت‌اللهی

سرشناسه: آیت‌اللهی، زهرا، ۱۳۳۹-  
عنوان قرارداد: ایران، قوانین و احکام  
عنوان و نام پدیدآور: شرح مختصر منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان  
در نظام جمهوری اسلامی ایران / مؤلف زهرا آیت‌اللهی  
مشخصات نشر: تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، روابط عمومی، ۱۳۹۱  
مشخصات ظاهری: ۲۵۲ص:؛ ۵/۱۴×۲۱×۵/۵س.م.  
شابک: ۷۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۶-۸۴۳۵-۵۵-۹  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
موضوع: زنان--وضع حقوقی و قوانین--ایران  
شناسه افزوده: شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، روابط عمومی  
رده کنگره: KMH/۵/۵۱۷/۵۹۶۶ ش ۳۷ ۱۳۹۱  
رده بندی دیویی: ۳۴۶/۵۵۰۱۳۴  
شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۱۲۶۴۳  
تاریخ درخواست: ۱۳۹۱/۶/۲۱  
تاریخ پاسنگویی: ۱۳۹۱/۰۶/۲۹  
کد پیگیری: ۲۹۱۲۲۵۸

عنوان: شرح مختصر منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران  
مؤلف: زهرا آیت‌اللهی  
صاحب امتیاز: شورای فرهنگی-اجتماعی زنان و خانواده  
صفحه‌آرا: طاهره توکلی  
طراح جلد: طاهره توکلی  
ویراستاران: هاله حسینی اکبر نژاد و حوریه حسینی اکبر نژاد  
حروفچین: مصطفی رضایی  
ناشر: روابط عمومی شورای فرهنگی-اجتماعی زنان و خانواده  
سال نشر: تابستان ۱۳۹۱  
چاپ اول: تابستان ۱۳۹۱  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
تذکر: حق چاپ، تکثیر و انتشار محفوظ است.  
آدرس: تهران-خیابان شهید دکتر مفتح-روبروی ورزشگاه شهید شیرودی-خیابان  
اردلان-شماره ۶-دبیرخانه شورای فرهنگی-اجتماعی زنان و خانواده - کدپستی ۱۵۸۳۹۱۷۶۵۴  
تلفن: ۸۳۳۱۹۸۹۱-۴ دورنویس: ۸۳۳۲۰۱۰۸

www.iranwomen.org  
Email: ravabetomomi@saef.ir

چاپ زیتون : ۶۶۶۲۰۵۸  
آدرس چاپخانه: قم خیابان امام خمینی خیابان شهید زین الدین چهل و پنج متری مدرس سسینای  
جنوبی

صفحه	عنوان
۵	مقدمه.....
۷	مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی.....
۹	منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران.....
۱۳	اصول و مبانی.....
۱۵	بخش اول: حقوق و مسئولیت‌های فردی زنان.....
۱۷	بخش دوم: حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی زنان.....
۲۰	بخش سوم: حقوق مسئولیت‌های اجتماعی زنان.....
۳۳	قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان.....
۳۵	شرح منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران.....
۳۷	حقوق و مسئولیت‌های فردی.....
۵۳	حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی.....
۵۴	فصل اول: دختران در خانواده.....
۶۰	فصل دوم: تشکیل و تداوم خانواده.....
۹۲	فصل سوم: انحلال خانواده.....
۱۰۵	حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی.....
۱۰۷	فصل اول: حقوق و مسئولیت‌های راجع به سلامت جسمی و روانی.....
۱۲۳	فصل دوم: حقوق و مسئولیت‌های فرهنگی.....
۱۲۴	الف: فرهنگ عمومی.....

- ب: آموزش..... ۱۴۵
- ج: پژوهش..... ۱۵۷
- فصل سوم: حقوق و مسئولیت‌های اقتصادی..... ۱۶۳
- الف: خانوادگی..... ۱۶۵
- ب: اشتغال..... ۱۸۳
- فصل چهارم: حقوق و مسئولیت‌های سیاسی..... ۱۹۹
- الف: سیاست داخلی..... ۲۰۱
- ب: سیاست بین‌المللی..... ۲۱۳
- ج: امور دفاعی و نظامی..... ۲۲۳
- فصل پنجم: حقوق و مسئولیت‌های قضایی..... ۲۳۱

**مقدمه:**

ارائه دیدگاه نظام جمهوری اسلامی ایران به صورت سندی رسمی در زمینه حقوق زنان در ابعاد مختلف ضرورتی بود که بارها مسئولان به آن تأکید ورزیده بودند. این سند می‌توانست منشأ وفاق و وحدت نظر و عمل مسئولان نظام اسلامی در همه برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرد و نیز در سطح بین‌الملل نشانگر دیدگاه جمهوری اسلامی ایران باشد تا در پرهیز از انفعال نسبت به الحاق به اسناد بین‌المللی پیرامون حقوق زنان که بر مبنای نگرش‌های فمینیستی تهیه شده بود، دیدگاه متعالی اسلام را عرضه نماید.

از این رو شورای فرهنگی اجتماعی زنان از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ این سند را آماده نمود. در تهیه این پیش‌نویس گروه‌های متعددی از بانوان صاحب‌نظر حقوقی، فقهی و نیز متخصصان علوم مختلف پزشکی، تربیت بدنی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... همکاری داشتند.

پس از تهیه پیش‌نویس اولیه، متن آن برای مراکز و افراد مختلفی ارسال شد و بر اساس نقدها و نظرهای آنان اصلاحاتی در آن انجام پذیرفت سپس در جلسات متعدد شورای فرهنگی اجتماعی زنان، مشاوران امور بانوان وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مختلف نظرات اصلاحی خویش را ابراز نمودند. پس از اصلاحات جدید متن آماده شده یک بار دیگر توسط کارگروه تخصصی متشکل از خانم‌ها منیره نوبخت، کبری خزعلی، فاطمه بداعی، بتول محتشمی، زهرا آیت‌اللهی و نیز جناب آقای دکتر حکمت‌نیا

مورد بررسی قرار گرفت. سپس در صحن علنی شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح و به تصویب نهایی این شورا رسید و مصوبه رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران گردید. سپس برای تحکیم جایگاه این سند در مجامع بین‌المللی، مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۵ متن آن را همراه با دو ماده و یک تبصره به صورت قانون تصویب نمود.

پس از تدوین و تصویب منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، از آنجا که هر یک از بندهای منشور فوق دارای نکات ویژه‌ای بود که با نگاه سطحی و زودگذر مورد توجه قرار نمی‌گرفت. این ضرورت احساس شد تا کتابی تدوین شود تا مقصود از عبارات موجود در هر ماده را شرح مختصر دهد، از این رو مجموعه حاضر تدوین شد. به امید آنکه خداوند حکیم این گام کوچک را در راستای تحقق عینی قوانین نورانی اسلام در مورد زنان در داخل کشور و ارائه دیدگاه متعالی این دین جامع و جاودانه، در جهان بپذیرد و با یاری سایر دلسوزان با اخلاص، این نهال به درختی پر بار منتهی گردد.

## مصوبه پانصد و چهل و ششمین جلسه مورخ ۱۳۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۴۶ مورخ ۸۳/۶/۳۱ به پیشنهاد شورای فرهنگی و اجتماعی زنان منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران را به این شرح تصویب کرد:

### مقدمه

منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران با الهام از شریعت جامع اسلام و نظام حقوقی آن و با تکیه بر شناخت و ایمان به خداوند متعال و با هدف تبیین نظام‌مند حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی تدوین گردیده است. این منشور اهتمام بر تبیین حقوق و تکالیف زنان در اسلام داشته و مبتنی بر قانون اساسی، اندیشه‌های والای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظم انقلاب و با بهره‌گیری از سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و سیاست‌های کلی نظام و با لحاظ قوانین موجود و خلأها و کاستی‌های آن و به منظور تحقق عدالت و انصاف در جامعه زنان مسلمان می‌باشد. این منشور با دیدی جامع و فراگیر تنظیم گردیده لذا مشتمل بر حقوق و تکالیف امضایی، تأسیسی و حقوق حمایتی و نیز حقوق مشترک بین همه انسان‌ها است.

## ماده واحده

منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس بندهای ۱ و ۱۸ وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یک سند مرجع سیاست‌گذاری در امور فرهنگی و اجتماعی در ۳ بخش و ۵ فصل و ۱۴۸ بند در جلسه شماره ۵۴۶ مورخ ۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد و کلیه دستگاه‌های ذیربط مکلفند برحسب وظایف دستگاهی و سازمانی جهت سیاست‌گذاری، اتخاذ تدابیر قانونی، تصمیمات و برنامه‌ریزی راجع به زنان، قواعد و اصول مندرج در این منشور را رعایت نمایند. این منشور مبنای معرفی و تبیین جایگاه زن در نظام جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی نیز قرار می‌گیرد.

تبصره: شورای فرهنگی و اجتماعی زنان مکلف است هر دو سال یکبار پس از تصویب این منشور، نسبت به ارزیابی وضعیت زنان ایران اقدام نموده و گزارش ارزیابی در خصوص پیشرفت‌های موجود در راستای تحقق آن و همچنین موارد نقض حقوق زنان را به شورای عالی انقلاب فرهنگی منعکس نماید.



**منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام**

**جمهوری اسلامی ایران**

## نکاتی چند در خصوص منشور

۱- در این منشور حق به معنای توانایی، امتیاز و مصونیت است و مسئولیت به معنای تکالیفی است که زن نسبت به دیگران بر عهده دارد.

۲- در مواردی که تکالیفی متوجه افراد جامعه بوده و زنان از ثمره انجام آن تکالیف برخوردار می‌شوند، آن تکلیف به صورت حق زنان ذکر شده و از بیان مستقیم مسئولیت‌های دیگران نسبت به زنان خودداری شده است.

۳- از آنجا که در قوانین اسلامی، افراد نسبت به خدا، خود، جامعه و هستی مسئول می‌باشند، سعی شده تا مسئولیت زنان نیز نسبت به موارد مذکور ذکر گردد. پر واضح است که در صورت فقدان شرایط عام تکلیف (عقل، بلوغ، اراده، ...)، زنان نیز فاقد مسئولیت خواهند بود. در ضمن، با به کار بردن کلمه حق یا مسئولیت، نوع ارتباط زنان با مسئله مورد نظر مشخص شده است.

۴- سعی شده کلیه حقوق و مسئولیت‌های زنان اعم از مشترک بین زنان و مردان و یا ویژه زنان ذکر شود و دلایل این امر به قرار ذیل است:

الف) از آنجا که در مجامع بین‌المللی بحث و جدال فراوان در زمینه حقوق انسانی زنان وجود دارد و آنان در صدد اثبات حقوق انسانی منطبق با دیدگاه غربی برای زنان می‌باشند و از طرفی کشورهای مختلف بر اساس فرهنگ‌های متفاوت خود نظرات و عملکرد متفاوتی در زمینه حقوق

انسانی زنان دارند، لازم بود تا در منشور که نمایانگر دیدگاه نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد حقوق انسانی زنان، حقوق مشترک بین زن و مرد و نیز حقوق ویژه زنان در موضوعات مختلف ذکر شود تا مشخص گردد که نظام جمهوری اسلامی ایران اساساً چه حقوق و مسئولیت‌هایی را برای زنان قائل است؛

ب) در اندیشه اسلامی، زنان و مردان در حقوق انسانی خویش عموماً مشترک می‌باشند ولی از آنجا که در مراحل اقدام و اجرا ممکن است تبعیض‌هایی صورت گیرد، جهت تأکید، این دسته از حقوق نیز با عنوان حقوق زنان ذکر شده است؛

ج) از آنجا که این منشور فقط در صدد بیان حقوق زنان می‌باشد، حقوق سایر اقشار اجتماعی در آن ذکر نشده است هر چند در مرحله اجرا با توجه به سایر قوانین و سیاست‌ها، به حقوق سایر اقشار اجتماعی نیز توجه لازم خواهد شد؛

۵- این منشور در صدد بیان نحوه اجرای حقوق نیست، بنابراین لازم است با توجه به ساختار قوانین در جای خود ضمانت اجرا برای آن در نظر گرفته شود.

۶- از آنجا که منشور فقط در صدد بیان قوانین نبوده بلکه توجه به فرهنگ‌سازی نیز داشته است لذا برخی موارد اخلاقی لازم‌الاجرا نیز در زمره حقوق و مسئولیت‌های زنان ذکر شده است.

۷- در منشور سعی شده تا حد امکان، حقوق و مسئولیت‌های کلی و اساسی ذکر گردد و از بیان مصادیق صرف نظر شود. ولی از آنجا که طرح پاره‌ای از مصادیق حقوقی یا مسئولیت‌ها در منازعات بین‌المللی یا فرهنگ داخلی نیاز به تأکید و شفاف‌سازی داشته است به صورت مشخص بیان شده است.

۸- در ساختار منشور، حقوق و مسئولیت‌های زنان با استقراء به صورت ذیل تقسیم شده است:

حقوق فردی، حقوق خانوادگی، حقوق اجتماعی (که حقوق اجتماعی بر حسب موضوع به حق سلامت، حقوق فرهنگی، حقوق اقتصادی، حقوق سیاسی و حقوق قضایی دسته‌بندی شده است).

۹- منشور درصدد ارائه دیدگاه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران (منطبق با فقه شیعه و نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران) در زمینه مسائل زنان می‌باشد و می‌تواند محور گفتگو با دیگر کشورهای اسلامی در خصوص مسائل زنان قرار گیرد و قدمی مؤثر در مسیر تهیه و تدوین سندی دیگر با همکاری و اتفاق نظر کشورهای مختلف اسلامی در سطح بین‌الملل به حساب آید.

۱۰- هر چند موازین شرع بر اطلاق و عموم همه بندهای منشور حاکم است ولی در مواردی که در ارتباط با حق یا مسئولیتی به دلایلی، تأکید به رعایت موازین شرع لازم بود، این عبارت مجدداً ذکر شده است.

۱۱- از آنجا که منشور فقط درصدد بیان حقوق و مسئولیت‌های زنان بوده،

از ذکر نام فرد یا نهادی که مسئول اجرای این حقوق است، خودداری نموده، پر واضح است که این سند مبنای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری در امور زنان در کلیه دستگاه‌ها خواهد بود.

## اصول و مبانی

منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران با الهام از شریعت جامع و معتدل اسلام به منظور ایجاد زمینه رشد هماهنگ و متوازن ابعاد مادی و معنوی در زندگی فردی و اجتماعی و با عنایت به آزادی مسئولانه زنان و کرامت انسانی آنها، با توجه به تناسب بین حقوق و مسئولیت‌ها، شکل گرفته است.

این منشور با تکیه بر شناخت و ایمان به خداوند متعال به عنوان مبدأ هستی و خالق موجودات و اختصاص تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او با بهره‌گیری از قرآن و سنت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و عقل با اذعان به نقش بنیادی آنها در استنباط و بیان قوانین و احکام الهی و با توجه به مقتضیات زمان و مکان، با پرهیز از آمیزه‌های فکری مغایر با اسلام<sup>۱</sup> و به دور از تحجر فکری و خرافات و خودباختگی فرهنگی در مقابل بیگانه تدوین گردیده است و بیانگر جایگاه زن بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که این اصول انعکاس خواست قلبی امت اسلامی ایران می‌باشد.

مبنای اساسی منشور بر این اعتقاد بنیادین استوار است

---

۱- «ان الحکم الا لله» یوسف ۴۰، انعام ۵۷.

که در اسلام، زن و مرد در فطرت و سرشت<sup>۱</sup>، هدف خلقت<sup>۲</sup>، برخورداری از استعدادها و امکانات<sup>۳</sup>، امکان کسب ارزش‌ها<sup>۴</sup>، پیشتازی در ارزش‌ها<sup>۵</sup> و پاداش و جزای اعمال فارغ از جنسیت<sup>۶</sup>، در برابر خداوند یکسان می‌باشند و فقط به واسطه رشد همه‌جانبه انسانی در سایه دانش و علم<sup>۷</sup>، تقوای الهی<sup>۸</sup> و ایجاد جامعه‌ای شایسته<sup>۹</sup> بر یکدیگر مزیت دارند.

از سوی دیگر زن و مرد از نظر ویژگی‌های جسمی و روانی دارای تفاوت‌هایی می‌باشند که این تفاوت‌ها مبتنی بر حکمت الهی و به عنوان راز تداوم حیات بشر، کلیت منسجمی را تشکیل می‌دهد تا در نهایت، رابطه متقابل ناشی از تناسب فکری و عاطفی میان آن دو، حیات معقول و والای

۱- «فطرت الله التي فطر الناس عليها»، روم ۳۰.

۲- «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون»، ذاریات ۵۶؛ «الذی خلق الموت و الحیوة لیبولکم ایکم احسن عملاً»، ملک ۲.

۳- الف) تکوینی طبیعی: «سخر لکم ما فی السموات و الارض»، جاثیه ۱۳.

ب) تکوینی معنوی: «جعل لکم؛ السمع و الابصار و الافئدة»، نحل ۷۸؛ «و نفس و ماسویها فالهمها فجورها و تقویها»، شمس ۷-۸؛ «علم الانسان ما لم یعلم»، علق ۵.

۴- «ان المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابرین و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین فروعهم و الحافظات و الذاکرین الله کثیراً و الذاکرات اعد الله لهم مغفرة و اجرا عظیماً»، احزاب ۳۵؛ «من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیوة طیبة»، نحل ۹۷.

۵- «ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأة فرعون... و مریم بنت عمران»، تحریم ۱۲-۱۱؛ «ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرّة اعین و اجعلنا للمتقین اماماً»، فرقان ۷۴.

۶- «فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره و من یعمل مثقال ذرة شراً یره»، زلزال ۷-۸.

۷- «هل یرتوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون»، زمر ۹.

۸- «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبایل لتعارفوا ان اکرّمکم عند الله اتقیکم»، حجرات ۱۳.

۹- «فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیماً»، نساء ۹۵.

انسانی امکان و تداوم یابد. لذا این تفاوت‌های طبیعی منشأ تفاوت‌های حقوقی می‌شود که مبتنی بر عدالت خداوند متعال است، لذا منجر به کم شدن ارزش زن یا تبعیض ظالمانه بین زن و مرد<sup>۱</sup> نمی‌گردد.

به جهت اشتراک زن و مرد در حقیقت انسانی، در بیشتر موارد زن و مرد در نظام حقوقی اسلام از حقوق و مسئولیت‌های یکسان برخوردار می‌باشند. تفاوت در حقوق و مسئولیت‌ها امری است که نشان‌دهنده برتری جنسی بر جنس دیگر نمی‌باشد و عمدتاً مولود عناوی حقوقی خاصی است که هر یک از زن و مرد به تناسب نقش‌های ویژه و بدل ناپذیر در خانواده پیدا می‌کند. این تفاوت از آن جهت است که امکان وجود سلامت مادی و معنوی خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد جامعه که جایگاه حقیقی پیدایش و پرورش انسان است، تأمین گردد.

### بخش اول: حقوق و مسئولیت‌های فردی زنان

- ۱- حق برخورداری از حیات شایسته و تمامیت جسمانی و مسئولیت محافظت از آن در مقابل هرگونه بیماری، حادثه و یا تعدی؛
- ۲- حق برخورداری از تکریم و مسئولیت رعایت آن برای دیگران؛
- ۳- حق آزادی اندیشه و مصونیت از تعرض و عدم امنیت در داشتن اعتقاد؛
- ۴- حق و مسئولیت فرد در برخورداری از ایمان، تقوا و حفظ آن و تکامل

---

۱- «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»، نحل ۹۰.

معنوی در عرصه باورها و رفتارها؛

۵- مصونیت جان، مال و حیثیت زنان و زندگی خصوصی آنان از تعرض غیرقانونی؛

۶- حق برخورداری از عدالت اجتماعی در اجرای قانون بدون لحاظ جنسیت؛

۷- حق داشتن نام، حفظ یا تغییر آن، همچنین نسب و حفظ آن؛

۸- حق تابعیت کشور ایران برای هر زن ایرانی و سلب تابعیت به درخواست خود او؛

۹- آزادی زنان پیرو مذاهب اسلامی و اقلیت‌های دینی رسمی در انجام مراسم و تعلیمات دینی و احوال شخصی بر طبق آئین خود در محدوده قانون؛

۱۰- آزادی زنان ایرانی در استفاده از پوشش و گویش‌های بومی و اجرای آداب و سنت‌های محلی در صورت عدم مغایرت با اخلاق حسنه؛

۱۱- مصونیت زنان از ضررهای مادی و معنوی با توجیه اعمال حق دیگران؛

۱۲- حق و مسئولیت حفظ و ویژگی‌های خلقی متفاوت زنان با مردان؛

۱۳- حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم و مسئولیت محافظت از آن.



## بخش دوم: حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی زنان

### فصل اول: حقوق و مسئولیت‌های دختران در خانواده

- ۱۴- حق برخورداری دختران از سرپرستی شایسته توسط والدین؛
- ۱۵- حق برخورداری دختران از نفقه شامل: مسکن، پوشاک، تغذیه سالم و کافی و تسهیلات بهداشتی جهت تأمین سلامت جسمانی و روانی آنان؛
- ۱۶- حق تعلیم و تربیت دختران و ایجاد زمینه شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های آنان؛
- ۱۷- حق تأمین نیازهای عاطفی و روانی دختران و برخورداری از رفتار ملاحظت‌آمیز والدین و مصونیت آنان از خشونت‌های خانوادگی؛
- ۱۸- حق برخورداری از امکانات خانواده، بدون تبعیض میان دختر و پسر؛
- ۱۹- حق دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست در سرپرستی توسط بستگان یا داوطلبان تکفل با رعایت مصلحت آنان و برخورداری از حمایت و نظارت حکومت؛
- ۲۰- مسئولیت احترام به والدین و اطاعت از دستورات مشروع آنها و رفتار نیکو نسبت به سایر اعضای خانواده.

## فصل دوم: حقوق و مسئولیت‌های زنان در تشکیل و تداوم خانواده

۲۱- حق و مسئولیت زنان در تحکیم بنیان خانواده و برخورداری از امکانات و حمایت‌های قانونی لازم به منظور پیشگیری از بروز اختلافات و کاهش طلاق؛

۲۲- حق بهره‌مندی از امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جهت تسهیل امر ازدواج در زمان مناسب و مسئولیت خویشداری تا آستانه ازدواج؛

۲۳- حق آگاهی از حقوق و تکالیف زوجین و آیین همسررداری و برخورداری از امکانات لازم در این زمینه؛

۲۴- حق آشنایی با معیارهای مناسب همسرگزینی و شناخت و انتخاب همسر؛

۲۵- حق و مسئولیت آگاهی و رعایت ضوابط دینی و قانونی در ازدواج از جمله یکسانی زوجین در باور به مبانی اعتقادی و دینی؛

۲۶- حق تعیین شروط مورد نظر، ضمن عقد نکاح در چارچوب ضوابط شرعی و تضمین اجرای این شروط؛

۲۷- حق ثبت ازدواج، طلاق و رجوع در مراجع رسمی و قانونی؛

۲۸- حق برخورداری زن از حقوق مالی در ایام زوجیت؛

۲۹- حق و مسئولیت تأمین، تخصیص، طهارت و سلامت در ارتباط جنسی با همسر قانونی و حق اعتراض قانونی در صورت نقض آنها؛

۳۰- حق و مسئولیت سکونت مشترک و حسن معاشرت و تأمین امنیت

روانی در روابط با همسر و حق اعتراض و طرح دعوا در مراجع قانونی  
در صورت سوء معاشرت همسر؛

۳۱- حق و مسئولیت رشد علمی، معنوی و اخلاقی با همکاری و حمایت  
اعضای خانواده؛

۳۲- حق و مسئولیت جهت انجام صله رحم؛

۳۳- حق باروری، بارداری، تنظیم و کنترل آن و بهره‌مندی از آموزش‌ها و امکانات  
مناسب در این زمینه؛

۳۴- حق برخوردارگی از حمایت‌های مادی و معنوی در ایام بارداری و  
شیردهی؛

۳۵- مسئولیت رعایت حقوق جنین به ویژه محافظت از حیات و رشد آن؛

۳۶- حق و مسئولیت حضانت و تأمین امنیت روانی و عاطفی فرزندان و  
تربیت شایسته دینی و اخلاقی آنان؛

۳۷- حق برخوردارگی از حمایت و مشارکت همسر در تربیت فرزند؛

۳۸- حق برخوردارگی مادران از امنیت مادی و معنوی خصوصاً در ایام  
سالمندی و از کار افتادگی؛

۳۹- حق و مسئولیت زن نسبت به نگهداری و تأمین معاش والدین نیازمند  
در حد استطاعت او.

**فصل سوم: حقوق و مسئولیت‌های زنان در صورت انحلال خانواده**

۴۰- حق جدایی از همسر در صورت عدم امکان سازش پس از مراجعه به

دادگاه و ارائه دلایل موجه و مسئولیت رعایت قوانین طلاق؛

۴۱- حق برخورداری از فسخ نکاح در صورت تدلیس و عیوب مقرر و اخذ خسارت در تدلیس؛

۴۲- حق برخورداری زن از حقوق مادی خود هنگام انحلال خانواده و بهره‌مندی از رفتار نیکوی همسر هنگام جدایی؛

۴۳- حق و مسئولیت حضانت فرزند و لزوم برخورداری از حمایت مالی پدر و حق ملاقات با فرزند در صورت انقضاء یا اسقاط دوران حضانت؛

۴۴- حق بهره‌مندی زن از حقوق خویش در ایام عدّه و برخورداری از حق ازدواج پس از انقضای عدّه؛

۴۵- حق طرح دعوا در محاکم جهت ممانعت از ازدواج مجدد همسر در صورت عدم توانایی شوهر در تأمین نفقه و اجرای عدالت و سایر حقوق

۴۶- مسئولیت مدنی و کیفری پدر و مادر در قبال کوتاهی از محافظت کودک و مسئولیت والدین نسبت به ممانعت از بهره‌مندی فرزندان از ملاقات با آنان.

## بخش سوم: حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی زنان

فصل اول: حقوق و مسئولیت‌های سلامت جسمی و روانی زنان

۴۷- حق برخورداری از سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی با توجه به ویژگی‌های زنان در مراحل مختلف

زندگی و مسئولیت حفاظت از آن؛

۴۸- حق بهره‌مندی از بهداشت (محیط، کار و ...) و اطلاعات و آموزش‌های مورد نیاز؛

۴۹- حق مشارکت زنان در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در زمینه بهداشت و درمان، به ویژه در خصوص زنان؛

۵۰- حق بهره‌مندی از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب جهت پیشگیری از بیماری و درمان بیماری‌های جسمی و اختلالات روانی زنان؛

۵۱- حق زنان در انتخاب فرد و مرکز ارائه‌کننده خدمت در امر سلامت، بر اساس ضوابط اسلامی و استانداردهای علمی و پزشکی و بهره‌مندی از اطلاعات مناسب و کافی برای انتخاب آگاهانه و بهینه آنان؛

۵۲- حق آگاهی و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کنترل باروری و تنظیم خانواده؛

۵۳- حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی در زمینه تربیت بدنی و تفریحات سالم؛

۵۴- حق پرورش و شکوفایی استعدادهای ورزشی و حضور در میداين ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی متناسب با موازین اسلامی؛

۵۵- حق برخورداري از بهداشت باروری و بارداری، زایمان سالم، مراقبت‌های بهداشتی پس از زایمان با استفاده از زنان متخصص و پیشگیری

- و درمان بیماری‌های شایع زنان، بیماری‌های مقاربتی و نازایی آنان؛
- ۵۶- حق برخورداری از خدمات مشاوره‌ای و آزمایش‌های پزشکی به منظور اطمینان از سلامت کامل مرد در امر ازدواج و در حین ازدواج؛
- ۵۷- حق بهره‌مندی دختران بی‌سرپرست، زنان مطلقه، بیوه، سالخورده و خودسرپرست نیازمند از بیمه‌های عمومی، خدمات مددکاری و بیمه‌های خاص به‌ویژه در بخش بهداشت و درمان؛
- ۵۸- حق بهره‌مندی زنان و دختران آسیب‌دیده جسمی، ذهنی، روانی و در معرض آسیب از امداد رسانی و توان‌بخشی مناسب؛
- ۵۹- حق بهره‌مندی از تغذیه سالم خصوصاً در دوران بارداری و شیردهی و وظیفه مراقبت از کودک و تغذیه مناسب او، با اولویت استفاده از شیر مادر.

## فصل دوم: حقوق و مسئولیت‌های فرهنگی و معنوی زنان

### الف: فرهنگ عمومی

- ۶۰- حق و مسئولیت در کسب و افزایش آگاهی نسبت به شخصیت، حقوق و نقش خویش در عرصه‌های مختلف زندگی منطبق با آیین مقدس اسلام؛
- ۶۱- حق مصونیت از تعرض گفتاری و رفتاری دیگران و مسئولیت گفتار و رفتار خویش همراه با احترام نسبت به اعضای جامعه؛
- ۶۲- حق و مسئولیت برخورداری از امکان عمل به احکام اسلامی در

پوشش اسلامی و مسئولیت رعایت عفاف در جامعه؛

۶۳- حق و مسئولیت ارتقای بینش، منش و کنش دینی و انسانی و مصونیت

از ناهنجاری‌های فرهنگی و اخلاقی و رفع آنها؛

۶۴- حق شرکت در اجتماعات عبادی، فرهنگی و سیاسی؛

۶۵- حق تولید برنامه‌ها و کالاهای فرهنگی سالم و بهره‌مندی از آنها؛

۶۶- حق تشکیل و اداره مراکز و سازمان‌های فرهنگی - هنری توسط زنان

به منظور تربیت زنان متعهد و متخصص جهت توسعه فعالیت‌های فرهنگی

آنان؛

۶۷- حق تبادل اطلاعات و ارتباطات فرهنگی سازنده در ابعاد ملی و

بین‌المللی؛

۶۸- حق و مسئولیت زنان در ترویج معارف و فرهنگ اسلام و ارائه الگوی

زن مسلمان در سطح ملی و بین‌المللی؛

۶۹- حق و مسئولیت زنان در ایجاد همگرایی با رویکرد اخلاقی، دینی در

مسائل زنان در سطوح بین‌المللی؛

۷۰- حق مشارکت در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، اجراء و نظارت در

امور فرهنگی به ویژه در خصوص مسائل زنان؛

۷۱- حق و مسئولیت آگاهی و کسب مهارت‌های لازم در مدیریت

خانه و خانواده، تربیت و پرورش فرزند و مقابله با آسیب‌های

فرهنگی و اجتماعی؛

۷۲- حق بهره‌مندی از نظارت مستمر بر فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با زنان به منظور حفظ شخصیت، حرمت و کرامت انسانی زن در محصولات فرهنگی؛

۷۳- حق بهره‌مندی از مراکز فرهنگی ویژه بانوان با رعایت ضوابط اسلامی، با توجه به خصوصیات روحی و جسمی آنان و با اولویت مناطق محروم؛

۷۴- حق برخورداری زنان آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر اجتماعی از حمایت‌های مناسب به منظور بهبود وضعیت فرهنگی خود و جامعه؛

۷۵- مسئولیت زنان در محافظت از استقلال فرهنگی، هویت اسلامی- ایرانی و همبستگی ملی در فعالیت‌های فرهنگی- آموزشی.

#### ب: آموزش

۷۶- حق سوادآموزی عمومی، ارتقای آموزشی و برخورداری از امکانات آموزش و پرورش برای زنان؛

۷۷- حق تحصیل در آموزش عالی تا بالاترین سطح علمی؛

۷۸- حق کسب مهارت‌ها و آموزش‌های تخصصی به صورت کمی و کیفی تا بالاترین سطوح؛

۷۹- حق برخورداری زنان و دختران مناطق محروم از حمایت‌های خاص در امر آموزش؛

۸۰- حق و مسئولیت در تدوین برنامه‌های درسی و متون آموزشی؛



۸۱- حق و مسئولیت در برخورداری از جایگاه شایسته و متناسب با نقش، شأن و منزلت زنان در متون درسی و آموزشی؛

۸۲- حق مشارکت بانوان در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و مدیریت‌های آموزشی، علمی و حضور فعال در مجامع فرهنگی و علمی داخلی و بین‌المللی؛

۸۳- حق شناسایی، حمایت و بهره‌مندی از توانمندی‌های بانوان دارای استعدادهای درخشان و مسئولیت آنها در تأمین نیازهای کشور؛

۸۴- حق بانوان معلول جسمی و ذهنی نسبت به برخورداری از حمایت‌های لازم در زمینه آموزش و پرورش، دستیابی به آموزش عالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با استعداد و میزان معلولیت آنان.

### ج: پژوهش

۸۵- حق پژوهش، تألیف، ترجمه و انتشار کتب، مقالات در نشریات عمومی و تخصصی با رعایت صداقت، امانت و مصلحت جامعه؛

۸۶- حق برخورداری از حمایت‌های لازم نسبت به منابع و امکانات در خصوص تحقیق در مسائل زنان و تربیت نیروی انسانی محقق و حق آگاهی از اطلاعات و نتایج تحقیقات در زمینه‌های مختلف؛

۸۷- حق بهره‌مندی از حمایت در آثار علمی - پژوهشی زنان و گسترش مراکز تحقیقاتی با مدیریت زنان؛

۸۸- مسئولیت زنان پژوهشگر در ارائه دیدگاه و تبیین دستاوردهای مثبت

دینی و ملی در زمینه مسائل زنان به جهانیان.

## فصل سوم: حقوق و مسئولیت‌های اقتصادی زنان

### الف: حقوق و مسئولیت‌های مالی در خانواده

۸۹- حق بهره‌مندی از نفقه در ازدواج دائم مطابق با شأن زن، توسط شوهر

یا توسط پدر و فرزند در صورت نیاز زن و توانمندی آنان؛

۹۰- حق برخورداری از ماترک متوفی و وصایای مالی آن طبق قوانین

اسلامی؛

۹۱- حق وقف، پذیرش وقف و رسیدگی به آن؛

۹۲- حق پذیرش وکالت یا وصایت در امور اقتصادی؛

۹۳- حق تعیین مهریه و دریافت آن از همسر و هرگونه دخل و تصرف

در آن؛

۹۴- حق برخورداری از مستمری در صورت فوت پدر، همسر و فرزند

طبق قانون یا قرارداد؛

۹۵- حق برخورداری وراثت قانونی از حقوق بازنشستگی زن کارمند متوفی؛

۹۶- حق پذیرش قیمومت مالی فرزندان و مسئولیت رعایت حقوق

اقتصادی فرزند؛

۹۷- حق برخورداری زنان و دختران از حمایت‌های لازم در صورت فقر،

طلاق، معلولیت، بی‌سرپرستی، بدسرپرستی و ایجاد امکانات جهت

توان‌بخشی و خودکفائی آنها؛

۹۸- حق دریافت دستمزد از همسر در برابر انجام امور خانه‌داری در صورت تقاضا و حق حمایت از تأثیر کار زن در منزل بر اقتصاد خانواده و درآمد ملی.

### ب: حقوق و مسئولیت‌های اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان

۹۹- حق مالکیت بر اموال و دارایی شخصی و بهره‌برداری از آنها با رعایت حدود شرعی و قانونی؛

۱۰۰- حق زنان در انعقاد قراردادها و ایقاعات؛

۱۰۱- حق اشتغال بعد از رسیدن به سن قانونی کار و آزادی انتخاب شغل و به‌کارگیری سرمایه‌های فردی و مسئولیت رعایت قوانین اسلامی در کسب درآمد و نحوه مصرف آن؛

۱۰۲- حق بهره‌مندی زنان از اطلاعات، آموزش‌ها و کسب مهارت‌ها و امکانات کار جهت اشتغال مناسب و حق برخورداری از حمایت در این امور برای زنان خودسرپرست (مستقل - غیروابسته) و سرپرست خانوار؛

۱۰۳- حق برخورداری زنان از مشاوره شغلی و کاریابی توسط بانوان؛

۱۰۴- حق برخورداری از مزد و مزایای برابر، در شرایط کار مساوی با مردان و سایر زنان؛

۱۰۵- حق بهره‌مندی از امنیت شغلی، اخلاقی و ایمنی و مسئولیت رعایت عفاف در محیط کار؛

۱۰۶- حق معافیت زنان از کار اجباری، خطرناک، سخت و زیان آور در

محیط کار؛

۱۰۷- حق برخورداری از تسهیلات و ضوابط و قوانین متناسب با مسئولیت‌های خانوادگی (همسری - مادری) زنان در جذب، به‌کارگیری، ارتقاء و بازنشستگی آنان در زمان اشتغال؛

۱۰۸- حق برخورداری از تأمین اجتماعی و تسهیلات اقتصادی؛

۱۰۹- حق مشارکت زنان در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و ایجاد و اداره تشکل‌های اقتصادی و عضویت در آنها؛

۱۱۰- حق و مسئولیت دریافت و پرداخت دیه و خسارات بر اساس قوانین و مقررات؛

۱۱۱- حق برخورداری از حمایت‌های قانونی مناسب و کارآمد برای ممانعت از بهره‌کشی و تجارت و جلوگیری از به‌کارگیری زنان و دختران در مشاغل غیرقانونی و غیر مشروع.

## فصل چهارم: حقوق و مسئولیت‌های سیاسی زنان

### الف: حقوق و مسئولیت‌های زنان در سیاست داخلی

۱۱۲- حق و مسئولیت کسب آگاهی و مشارکت و نقش‌آفرینی در تعیین مقدرات اساسی کشور جهت حفظ و تحکیم نظام اسلامی؛

۱۱۳- حق و مسئولیت مشارکت در امور جامعه و نظارت بر آن جهت هدایت جامعه به‌سوی معنویت و فضایل اخلاقی و پیراستن آن از ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری؛

- ۱۱۴- حق آزادی قلم، بیان، اجتماعات با رعایت موازین؛
- ۱۱۵- حق تأسیس احزاب و دیگر تشکل‌های سیاسی و فعالیت در آنها با رعایت حفظ استقلال کشور، وحدت ملی و مصالح نظام اسلامی؛
- ۱۱۶- حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن در مجلس یا شوراهای مختلف، مشارکت در برنامه‌ریزی‌های دولتی و تصدی مدیریت‌های عالی با رعایت موازین.

### ب: حقوق و مسئولیت‌های زنان در سیاست بین‌المللی

- ۱۱۷- حق و مسئولیت آگاهی از رویدادها و مسائل سیاسی جهان، به ویژه جهان اسلام؛
- ۱۱۸- حق توسعه ارتباط و تبادل اطلاعات سیاسی سازنده بین بانوان ایران و جهان با رعایت مصالح ملی و ضوابط قانونی؛
- ۱۱۹- حق و مسئولیت حضور فعال و مؤثر در مجامع اسلامی، منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه در زمینه مسائل مربوط به زنان با رعایت ضوابط قانونی؛
- ۱۲۰- مسئولیت تلاش جهت تقویت همبستگی در میان زنان مسلمان و حمایت از حقوق زنان و کودکان محروم و مستضعف جهان؛
- ۱۲۱- حق برخورداری زنان پناهنده به جمهوری اسلامی در تأمین امنیت، سلامت و امکان بازگشت آنها به وطن خود؛
- ۱۲۲- حق برخورداری اتباع زن ایرانی از حمایت‌های دولت در برابر اتباع سایر کشورها در حدود مقررات و معاهدات؛

۱۲۳- حق بهره‌مندی زنان ایرانی از حمایت‌های قانونی در خصوص ازدواج و تشکیل خانواده با مردان غیر ایرانی با رعایت ضوابط.

### ج: حقوق و مسئولیت‌های زنان در امور دفاعی - نظامی

۱۲۴- حق و مسئولیت زنان در دفاع مشروع از دین و کشور و نیز جان، مال و ناموس خود و دیگران؛

۱۲۵- حق و مسئولیت زنان در مشارکت و تلاش برای تأمین و تحکیم صلح عادلانه جهانی؛

۱۲۶- حق برخورداری زنان از حمایت‌های لازم به منظور حفظ تمامیت جسمانی و جلوگیری از هتک حیثیت و ناموس زنان در دوران جنگ، اسارت و اشغال نظامی؛

۱۲۷- حق برخورداری از مصونیت خانه و خانواده از تهاجمات نظامی؛

۱۲۸- حق برخورداری خانواده‌شهداء، جانبازان، رزمندگان و آزادگان از حمایت‌های ویژه نظام اسلامی؛

۱۲۹- حق و مسئولیت مادران در نگهداری، تربیت و اولویت در قیمومت فرزندان در صورت شهادت، اسارت و مفقودالاث‌ر شدن همسر؛

۱۳۰- حق بهره‌مندی از آموزش و تصدی مشاغل انتظامی.

### فصل پنجم: حقوق و مسئولیت‌های قضایی زنان

۱۳۱- حق برخورداری زنان از آموزش‌های حقوقی؛

۱۳۲- حق برخورداری از تدابیر قانونی و حمایت قضایی به منظور

- پیشگیری از جرم و ستم به زنان در خانواده و جامعه و رفع آن؛
- ۱۳۳- حق برخورداری از محاکم خاص خانواده در جهت حفظ اسرار، ایجاد صلح و سازش در خانواده و تسهیل در حل و فصل اختلافات؛
- ۱۳۴- حق دسترسی زنان به نیروی انتظامی و ضابطین دادگستری زن در صورت تعرض، بزه‌دیدگی، اتهام و ارتکاب جرم؛
- ۱۳۵- حق زنان در تصدی مشاغل حقوقی و قضایی مطابق قانون؛
- ۱۳۶- حق اقامه دعوا و دفاع در نزد محاکم دادگستری و یا سایر مراجع قانونی؛
- ۱۳۷- حق استفاده از وکیل و مشاور حقوقی در دادگاه و یا سایر مراجع قانونی؛
- ۱۳۸- حق برخورداری از حمایت‌های همه جانبه دستگاه قضایی با عوامل زمینه‌ساز جرائم علیه زنان و ارتکاب جرائم توسط زنان؛
- ۱۳۹- حق مصونیت زنان متهم از هتک حرمت، اهانت و محرومیت‌های فردی و اجتماعی فراتر از مجازات قانونی؛
- ۱۴۰- حق زنان در معافیت از مجازات در صورت وجود عوامل رافع مسئولیت کیفری؛
- ۱۴۱- حق اعاده حیثیت زنان در اثر تقصیر، اشتباه قاضی در موضوع حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص و جبران خسارت مادی و معنوی از آنها؛
- ۱۴۲- حق برخورداری از تخفیف قانونی از نظر میزان مجازات و یا معافیت

از آن و یا نحوه اجرا، در صورت ندامت و اثبات توبه زنان بزهکار در زمان بارداری، شیردهی و بیماری؛

۱۴۳- حق زنان در ملاقات والدین، فرزندان و همسر در دوران حبس طبق قوانین کشور؛

۱۴۴- حق زنان در برخورداری از امکانات مناسب بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و تربیتی در زندان‌ها جهت اصلاح و بازگشت به زندگی سالم اجتماعی؛

۱۴۵- حق دختران در برخورداری از کانون‌های اصلاح و تربیت با شرایط مناسب؛

۱۴۶- حق زنان در رسیدگی به شکایات از آئین‌نامه‌های دولتی، مأمورین قضایی و یا واحدهای دولتی جهت احقاق حقوق خود؛

۱۴۷- حق و مسئولیت شهادت در دادگاه مطابق با موازین شرعی و قانونی؛

۱۴۸- حق برخورداری از حمایت‌های قضایی از سوی مدعی‌العموم علیه ولی و سرپرست قانونی فاقد صلاحیت و دیگر متجاوزان به حقوق آنان.



## قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های

### داخلی و بین‌المللی

ماده ۱- در سطر اول بند (۱) بخش اول منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی کلمه «تمامیت» حذف و به جای آن کلمه «سلامت» جایگزین گردید.

ماده ۲- دولت موظف است در راستای تحقق اصول بیستم (۲۰) و بیست و یکم (۲۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، زمینه‌های تبیین و تحقق عملی حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی را بر اساس سند مرجع (منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی) فراهم نماید.

تبصره - از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات و معاهدات مغایر با منشور فوق‌ملغی و فاقد اعتبار است.

قانون فوق‌مشمول بر دو ماده و یک تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ پانزدهم بهمن ماه یک‌هزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۸ به تأیید شورای محترم نگهبان رسید.



شرح منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در  
نظام جمهوری اسلامی ایران



**حقوق و مسؤلیت‌های  
فردی زنان**

بند ۱- حق برخورداری از حیات شایسته و تمامیت جسمانی و مسئولیت  
محافظت از آن در مقابل هرگونه بیماری، حادثه و یا تعدی.

توضیح:

### الف - اهمیت اصل حیات

عظمت حیات انسانی با تأمل در استعدادها و نیروهای شگفت‌انگیز  
انسان مانند: علم، اندیشه، تعقل، وجدان، اراده، کمال‌گرایی، عشق، اکتشاف  
و...، آشکار است.

عالی‌ترین موجود، در عرصه هستی، انسان است که می‌تواند با به فعلیت  
رساندن استعدادهای شگفت‌انگیز، عظمت خود را آشکار سازد، بنابراین،  
سلب حیات در هر مرحله حتی دوران جنینی، جایز نمی‌باشد و سقط جنین  
ولو در ماههای ابتدایی ممنوع اعلام شده است.

روشن‌ترین و قابل قبول‌ترین دلیل برای اثبات ارزش والای حیات، این  
حقیقت مسلم می‌باشد که همه آدمیان به شرط آنکه مبتلا به اختلالات  
روانی موجب انتحار نباشند از حیات خود با جدی‌ترین وضع دفاع نموده و  
در راه صیانت ذات و ادامه حیات خویش از هیچ کوششی و تلاشی مضایقه  
نمی‌کنند و همه اقوام و ملل نیز با وجود همه اختلافها و تنوعها، در اهمیت  
عظمت و ارزش حیات اتفاق نظر دارند.

منشأ اصلی این دریافت والا، آشنایی و دریافت کاملاً مستقیم و حضوری  
همه انسانها درباره حیات خویشتن و مشاهده جذابیت بسیار شدید حیات

و مختصات مثبت آن و تلخی بسیار شدید خاموشی حیات و ورود اخلال بر آن در دیگر انسانهاست و همه انسانها شدیدترین مبارزه و مقاومت را در دفع عوامل آسیب و اخلال به حیات دارند. این ویژگی (شدیدترین جاذبه حیات و شدیدترین دفاع از آن) می‌تواند مطلوبیت مطلق حیات را در عرصه طبیعت به خوبی اثبات نماید.

به جهت همین مطلوبیت حیات است که هرگز یک انسان خردمند و دارای روان معتدل جان خود را، جز در راه حیات مطلق و نامحدود که خداست فدا نمی‌کند.

### ب - حیات شایسته

در اسلام منظور از «حیات»، «حیات شایسته» است نه زندگی مطلق که از طبیعی‌ترین و اولین حقوقی است که همه انسانها - به شرط اینکه عامل اخلال حیات دیگران نباشند- از آن برخوردارند. به عبارت دیگر ارتکاب قتل عمد کشف از بیرون رفتن قاتل از چشمه‌سار حیات می‌کند. (حیاتی که از مقام ربوبی بر روی زمین در جریان است.) اگرچه اجرای حکم قصاص آنجاست که احتمال عدم تعادل مغزی یا روانی در قاتل نرود هر چند آن احتمال ضعیف باشد در غیر اینصورت مطابق قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» قصاص ساقط می‌شود.

### ج - تمامیت جسمانی

برخورداری از تمامیت جسمانی حق همه انسانهاست و کسی نمی‌تواند

متعرض جسم دیگری شود، بنابراین قطع عضو یا ایراد جراحی به دیگران و از جمله زنان ممنوع است، همچنین تعرضات ناموسی که بویژه در جنگها به خصوص به زنان و دختران وارد می‌شود، غیر انسانی و غیر قابل پذیرش می‌باشد.

حق تمامیت جسمانی با حقوقی مشروعی که جنین زن باردار و نیز شوهر در روابط جنسی با همسر دارد منافات ندارد و به این حقوق در سایر بندها اشاره شده است.

#### د - مسئولیت محافظت از حیات و تمامیت جسمانی

حق حیات تنها از سوی خداوند به انسان بخشیده شده است و از این رو، تنها خداوند می‌تواند در آن تصرف کند پس انسان علاوه بر اینکه حق حیات دارد، مسئولیت حفظ جان و سلامت خود را نیز برعهده دارد، لذا خودکشی و مرگهای انتخابی (اتانازی) حرام است و این مسئولیت تا بدانجا اهمیت دارد که ضرر جسمانی یا روانی سبب سقوط برخی تکالیف دینی می‌گردد.

#### ۱- محافظت در مقابل بیماریها:

تحت عنوان رعایت بهداشت برای جلوگیری از بیماری و نیز درمان بیماری مطرح و هنگامی که خطر جانی در بین است، واجب می‌شود.

#### ۲- محافظت در مقابل حوادث:

افراد موظفند جهت حفظ حیات، خود را در معرض حوادث و خطرات



طبیعی و غیرطبیعی قرار ندهند. مگر در مواردی که مجوز شرعی وجود دارد. مانند: جهاد

اگرچه در جهاد نیز به نوعی، افراد در جهت حفظ حیات خود گام برداشته‌اند، اما حیات معنوی و نه مادی، زیرا اصولاً برای انسان ۲ نوع حیات شمرده‌اند: حیات مادی و معنوی.

در دیدگاه قرآن اگر انسان ناچار گردد که از میان این دو قسم، یکی را انتخاب کند باید حیات معنوی را برگزیند. کسانی که با حقیقت زندگی می‌کنند همواره این ترجیح و گزینش را در نظر دارند. مانند رزمندگان و مجاهدان در راه خدا «فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالآخرة» (نساء/۷۴)

و نکته دیگر اینکه حیات معنوی بسی پایدارتر از حیات مادی است زیرا قرآن می‌فرماید: «الفتنة اشد من القتل» و فتنه عبارت است از سلب حیات معنوی و اعتقادات دینی مردم و رواج مفاسد اخلاقی و اجتماعی.

### ۳- محافظت از تعدی:

جهت حفظ حیات، دفع هرگونه تجاوز و تعدی لازم می‌باشد و به عبارت دیگر دفاع واجب است.

بند ۲ - حق برخورداری از تکریم و مسئولیت رعایت آن برای دیگران  
توضیح:

### الف - حق برخورداری از تکریم

حق زنان در برخورداری از کرامت انسانی به عنوان یکی از اصول اولیه در عرصه خانواده و اجتماع به رسمیت شناخته شده است.

«کرامت» عبارت است از پاک بودن انسان از آلودگی‌ها و بهره‌مندی از عزت و شرف و کمال مخصوص به او، که حکایت از شأن و منزلت بلند انسانی دارد. برای انسان‌ها، دو نوع کرامت ثابت شده است که عبارتند از: کرامت ذاتی و طبیعی و کرامت اکتسابی

#### \* کرامت طبیعی یا ذاتی:

انسان‌ها بالذات دارای کرامت هستند و این گوهر پاک امانتی است که حفظ آن منوط به بروز اعمال و رفتار انسانی است.  
منشأ این کرامت، نیروها و استعداد‌های بسیار بااهمیتی است که خداوند با نفخه روح الهی در انسان به او عطا کرده است.

#### \* کرامت اکتسابی یا ارزشی عالی:

هرچند که همگان دارای شئون و حیثیت برابرند، اما انسان قادر است با به کارانداختن استعدادهایی که خداوند به او عنایت فرموده مراتب کمال انسانی را طی نماید و به مدارج اعلی ارتقا یابد. به این ترتیب است که رفتار انسانی منزلت‌های متفاوتی را ایجاد می‌کند و در نتیجه افراد نسبت به

یکدیگر برتری پیدا می‌نمایند. در این خصوص خداوند می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عندالله اتقیکم...» [حجرات/۱۳]

«ای مردم ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید بزرگوارترین شما نزد خداوند باتقواترین مردمند...»

بنابر آنچه گفته شد، برخورداری از کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی از حقوق اولیه و مسلم زنان است و همه افراد اعم از اعضای خانواده و سایرین در محیط کار و محیط تحصیل و... موظف به رعایت آن می‌باشند. همگان از جمله زنان به دلیل کرامت ذاتی و اکتسابی خویش حق برخورداری از تکریم و احترام دیگران را دارند و به هر میزان که آنان دارای کرامت اکتسابی بیشتری باشند سزاوار بهره‌مندی از تکریم بیشتر می‌باشند.

### ب - مسئولیت رعایت تکریم برای دیگران

همه انسانها باید کرامت و حیثیت را برای همدیگر به عنوان یک حق بشناسند و خود را در برابر آن حق مکلف ببینند، پس زنان علاوه بر اینکه خود از تکریم برخوردارند ملزم به رعایت این حق در برابر دیگران می‌باشند و آنها نباید نسبت به افراد اجتماع و حتی اعضای خانواده خود از همسر و فرزندان و... رفتاری خلاف شرافت و شئون انسانی آنان داشته باشند.

بند ۳ - حق آزادی اندیشه و مصونیت از تعرض و عدم امنیت در داشتن

اعتقاد

توضیح:

آزادی اندیشه، امری طبیعی و بدیهی است و وادار کردن افراد به داشتن عقیده‌ای خاص، ممنوع و غیر قابل پذیرش است و افراد در جامعه آزادند که هر طور می‌خواهند بیان‌نمایند بدون اینکه از جانب فرد یا نهادی مورد تعرض قرار گیرند.

«آزادی اندیشه» که امری خصوصی و کاملاً فردی است، در زمره حقوق و مسئولیت‌های فردی مطرح می‌باشد و «آزادی قلم و بیان» که مسأله‌ای اجتماعی و مرتبط با سایر افراد است باید در حقوق و تکالیف اجتماعی آورده و محدوده آن معین شود، بنابراین آزادی اندیشه و مصونیت افراد برای آن، مربوط به زمانی است که عقیده به زبان و عمل سرایت نکرده و در محدوده روابط فرد با خودش مطرح است.

بند ۴ - حق و مسئولیت فرد در برخورداری از ایمان، تقوا و حفظ آن و

تکامل معنوی در عرصه باورها و رفتارها

برخورداری از ایمان و تقوا و تکامل معنوی و حفظ آن برای زنان اولاً، حق است، بنابراین اجبار افراد به دست کشیدن از تقید به دین چه در عرصه باور و گرایش (ایمان) و چه در عرصه عمل (تقوا) ممنوع می‌باشد. علاوه بر آن فراهم شدن تسهیلات لازم جهت رشد معنوی و

تثبیت فضایل اخلاقی از حقوق مسلمه همه از جمله زنان می‌باشد.

ثانیاً، تکلیف است، پس همه انسان‌ها که به لحاظ بهره‌مندی از روح الهی، دارای ارزش ذاتی هستند لازم است که جهت شکوفایی استعدادهای بالقوه خود، در راه برخورداری از ایمان و عمل به لوازم آن تلاش نمایند. «ایمان» عبارت است از: گرایش‌های والا و معنوی انسان که دارای پایه و زیربنای اعتقادی می‌باشد.

«تقوا» به منزله رکن عملی ایمان است و رفتار انسان را متناسب با قواعد اخلاقی می‌سازد.

«تکامل معنوی» اشاره دارد به عدم سکون در هر مرحله از ایمان و تقوا و کوشش جهت بالا رفتن و نزدیک شدن به قله انسانیت که در عرصه رفتار در قالب «سبقت» مؤمنین مطرح شده است.

**بند ۵ - مصونیت جان، مال و حیثیت زنان و زندگی خصوصی آنان از**

**تعرض غیرقانونی**

**توضیح:**

در جامعه، زندگی خصوصی زنان و سایر شئون زندگی‌شان مورد احترام می‌باشد. بنابراین هرگونه تعرض به حقوق مادی و معنوی زنان ممنوع خواهد بود. با این وجود در مواقعی محدود از جمله کشف جرم و تعقیب متهمان یا ضبط اموال مجرمان، قانون اجازه ورود به حریم خصوصی افراد و یا محروم نمودن آنها از برخی حقوق را می‌دهد، که البته در این

موارد هم مأموران قضایی و غیرقضایی ملزم به عمل در چارچوب قانون و احتراز از هرگونه افراط می‌باشند.

**بند ۶ - حق برخورداری از عدالت اجتماعی در اجرای قانون بدون لحاظ جنسیت**

**توضیح:**

زنان حق دارند مساوی با مردان تحت حمایت قانون قرار گیرند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که شامل حال آنان می‌شود بهره‌مند گردند.

**بند ۷- حق داشتن نام، حفظ یا تغییر آن، همچنین نسب و حفظ آن.**

**توضیح:**

**الف- حق داشتن نام، حفظ یا تغییر آن:**

هر دختر و زنی حق دارد دارای نام و نام خانوادگی باشد و حق هویت و شناخت آن از اولین حقوق انسانی هر فرد می‌باشد علاوه بر حق داشتن نام و نام خانوادگی، هر فردی حق تغییر نام خود را با رعایت شرایط خاص مقرر در قوانین دارد و نیز هر کسی حق دارد که نام خانوادگی خود را حفظ نماید بنابراین بواسطه ازدواج یا امور دیگر نمی‌توان زن را مجبور به تغییر نام خانوادگی اش کرد. علاوه بر آن هر کس حق دارد نسب خود را حفظ نماید بنابراین در اموری چون تلقیح مصنوعی یا پذیرش کودکان بی‌سرپرست نمی‌توان مانع از شناخت نسب کودک حاصل از تلقیح و یا

بی‌سرپرست شد.

بند ۸- حق تابعیت کشور ایران برای هر زن ایرانی و سلب تابعیت به درخواست خود او.

**توضیح:**

«تابعیت» نوعی از ارتباط سیاسی و معنوی است که هر فرد را به کشوری مربوط می‌کند و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از حقوق مسلمه افراد شمرده شده است.

بند ۹- آزادی زنان پیرو مذاهب اسلامی و اقلیت‌های دینی رسمی در انجام مراسم و تعلیمات دینی و احوال شخصی بر طبق آئین خود در محدوده قانون.

**توضیح:**

در توضیح این بند حقوق پیروان مذاهب اسلامی و اقلیت‌های دینی بطور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**الف) حقوق مسلمانان غیر شیعه جعفری**

در نظام جمهوری اسلامی ایران پیروان مذاهب اسلامی در انجام مراسم دینی خود مجاز می‌باشند.

رعایت احوال شخصی (ازدواج - طلاق - ارث - وصیت) مطابق آئین خود نیز از جمله حقوق مسلمانان غیر شیعه است زیرا در زمره حقوق فردی آنها به شمار می‌رود و در صورت عدم مغایرت قواعد مربوطه با اخلاق

حسنة و نظم عمومی مانعی برای اعمالشان وجود ندارد و پیروان مذاهب در اجرای آنها آزادند.

### ب) حقوق اقلیت‌های دینی

اقلیت‌های دینی زرتشتی، کلیمی و مسیحی طبق قانون اساسی تنها اقلیت‌های دینی شناخته شده در کشور هستند قانون‌گذار اسلامی انجام مراسم دینی را در حدود قانون برای این اقلیت‌ها مجاز می‌داند و چنانچه انجام علنی برخی از این اعمال حرام و یا خلاف قانون باشد انجام آنها در مجامع عمومی ممنوع خواهد بود. در هر حال آنها در برپائی آئین‌های عبادی خود در معابد رسمی (کلیسا، کنیسه و غیره) آزاد می‌باشند.

استقلال در احوال شخصیه و تعلیمات دینی نیز چنانچه خلاف مقررات قانونی و انتظامات عمومی نباشد از حقوق و آزادی‌های فردی آنان محسوب می‌گردد.

بند ۱۰- آزادی زنان ایرانی در استفاده از پوشش و گویش‌های بومی و اجرای آداب و سنتهای محلی در صورت عدم مغایرت با اخلاق حسنة.

### توضیح:

همه ایرانیان در استفاده از پوشش و گویش‌های بومی و اجرای آداب و سنت‌های محلی آزاد می‌باشند ولی آزادی افراد در پای بندی به آداب و سنتهای محلی تا آنجاست که سبب نقض قانون نگردد و یا حتی در تضاد با اخلاق حسنة نباشد بنابراین اگر در جایی سنت‌های محلی به گونه‌ای است



که سبب تضییع حقوق زنان می‌شود و مغایر با اخلاق حسنه است اجرای آنها مطلقاً ممنوع خواهد بود.

بطور مثال، اگر آداب و رسوم محلی این است که دختران بدون حق انتخاب و با تصمیم دیگران مجبور به ازدواج می‌شوند و یا در استفاده از پوشش بومی، رعایت حجاب اسلامی نقض شود و یا سنت محلی، جایز می‌داند دختر یا زنی را به ظن ارتباط نامشروع به قتل رسانند و یا سنت‌های بی‌اساس دیگری از این قبیل، کاملاً مردود و در صورت اجرا، قابل پیگرد قانونی می‌باشد.

**بند ۱۱- مصونیت زنان از ضررهای مادی و معنوی با توجیه اعمال حق دیگران.**

#### **توضیح:**

لازمه تحقق امنیت و عدالت در هر جامعه، منع افراد از اعمال ظلم و تجاوز به حقوق دیگران است، بگونه‌ای که همه مردم به خصوص اقشار آسیب‌پذیر از جمله زنان از هرگونه ضرر مادی و معنوی در عرصه‌های مختلف از خانواده تا محیط کار و تحصیل و سایر مجامع عمومی و بوسیله هر کس از جمله اعضای خانواده و سایرین مصون و محفوظ باشند و فرقی نمی‌کند رفتار زیان‌آور آنها ابتدائاً واقع شود یا با عنوان اعمال حق خود یا

دیگران صادر شود.

بند ۱۲- حق و مسئولیت حفظ ویژگی‌های خلقتی متفاوت زنان با مردان

توضیح:

با اندک تأملی در دو جنس زن و مرد، بی‌درنگ به وجود تفاوت‌های طبیعی محرز در بین آنها پی می‌بریم. حقوق طبیعی و فطری از آنجا پیدا شده که دستگاه خلقت با روشن‌بینی و توجه به هدف، موجودات را بسوی کمالاتی که استعداد آنها در وجود آنها نهفته است، سوق می‌دهد. هر «استعداد طبیعی» مبنای یک «حق طبیعی» است و یک «سند طبیعی» برای آن بشمار می‌آید. دستگاه خلقت هر نوعی از انواع موجودات را در مداری مخصوص به خود قرار داده است و سعادت او را هم در این قرار داده که در مدار طبیعی خودش حرکت کند.

تفاوت‌های زن و مرد «تناسب» است نه نقص و نه کمال. قانون خلقت خواسته است با این تفاوت‌ها تناسب بیشتری میان زن و مرد که برای زندگی مشترک ساخته شده‌اند، به وجود آورد و این امر، ایجاب می‌کند که زن و مرد در مواردی از حقوق و تکالیف وضع مشابهی نداشته باشند، عدالت، حقوق فطری، و سعادت زندگی خانوادگی هم، همین مسأله را اقتضا می‌کند.

به لحاظ روانی، زنان در ابراز هیجانان خود راحت‌تر از مردان هستند، نسبت به مردان میل کمتری به پرخاشگری دارند، زنان دیگرخواهی بیشتری

نسبت به مردان دارند. حال آنکه مردان استیلاطلبی بیشتری دارند. زنان دارای ویژگی عاطفی‌تر هستند و بیشتر دارای هدف موفقیت احساساتی (عشق، دوستی) می‌باشند در حالی که مردان به موفقیت اجتماعی علاقه‌مندترند. آنچه بیان شد، گوشه‌ای از تفاوت‌های طبیعی میان زنان و مردان است و قطعاً سلامت جسمانی و روانی هریک ایجاب می‌کند که در جهت حفظ و شکوفایی ویژگی‌های طبیعی خود بکوشند و در مقابل نیز به تفاوت‌های طبیعی جنس مخالف احترام بگذارند و آنها را نادیده نگیرند.

**بند ۱۳- حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم و مسئولیت محافظت از آن؛**

#### **توضیح:**

بهره‌مندی از محیط زیست از جمله جنگل‌ها، رودخانه‌ها، منابع طبیعی و ذخایر گیاهی - جانوری لازمه زندگی انسان‌هاست، پس زنان نیز می‌توانند، از محیط سالم و هوای پاک برخوردار گردند (حق بهره‌مندی از محیط زیست) بنابراین اگر کارکردن در محلی به علت سر و کار داشتن یا مواد شیمیایی و... زنان را از این حق محروم می‌کند، آنان حق اعتراض و تغییر شغل را دارا می‌باشند.

از طرف دیگر همگان و از جمله زنان باید در حفظ این نعمت‌ها بکوشند (مسئولیت محافظت از محیط زیست) تا در سایه این تکلیف، حق سایرین

در بهره‌مندی از آن تأمین گردد.

علاوه بر آن منابع طبیعی مانند جنگل‌ها، مراتع و... و سرمایه‌های ملی از اموال عمومی و متعلق به همه افراد کشور می‌باشد. لذا بهره‌مندی هرکس از آنها نباید به گونه‌ای باشد که مانع از استفاده و بهره‌مندی سایرین شود و یا منجر به خرابی و نابودی آنها گردد. در ضمن رعایت اعتدال و میانه‌روی برای جلوگیری از تضييع منابع طبیعی و سرمایه‌های ملی ضروری است و در دین مقدس اسلام اسراف و زیاده‌روی در مصرف نعمت‌های الهی به شدت مذمت شده است.

# حقوق و مسؤلیت‌های خانوادگی

## فصل اول: دختران در خانواده

بند ۱۴- حق برخورداری دختران از سرپرستی شایسته توسط والدین.

توضیح:

حق برخورداری دختران از سرپرستی شایسته توسط والدین، به معنای تکلیف والدین در حضانت و تربیت فرزند به نحو شایسته می‌باشد.

نکته مهم این است که صرف سرپرستی فرزندان توسط والدین، این حق را ایفا نمی‌کند بلکه لزوماً سرپرستی باید به نحو «شایسته» صورت بگیرد به عبارت دیگر، سرپرستی از فرزندان باید متضمن تأمین سلامت جسمانی، امنیت روانی و تربیت اخلاقی آنها باشد.

بند ۱۵- حق برخورداری دختران از نفقه شامل: مسکن، پوشاک، تغذیه سالم و کافی و تسهیلات بهداشتی جهت تأمین سلامت جسمانی و روانی آنان.

توضیح:

به‌طور کلی نفقه فرزند شامل تمام هزینه‌های لازم برای نگاهداری و مراقبت و تربیت و رشد و کمال فرزند می‌باشد. دختران نیز همچون پسران به یکسان از این حق برخوردارند.

## بند ۱۶- حق تعلیم و تربیت دختران و ایجاد زمینه شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های آنان.

### توضیح:

یکی از وظایف والدین در قبال فرزندان تعلیم و تربیت آنان می‌باشد، از نتایج مهم این تکلیف آن است که والدین مسئول خساراتی هستند که فرزند در اثر «نقص تربیت» به دیگران وارد می‌کند، ایجاد زمینه شکوفایی استعدادهای دختران، از حقوقی است که قطعاً ایفای آن در وهله اول بر عهده والدین در خانواده است. پس از آن دولت نیز نسبت به این امر مسئول بوده و موظف است تا علاوه بر ایجاد زمینه مناسب جهت ایفاء مسئولیت والدین از طریق ارائه آموزش‌ها و مشاوره‌های لازم و نیز لحاظ کردن این مسئولیت در برنامه‌ریزیهای اقتصادی و اجتماعی از طریق ارائه تسهیلات و تخفیف‌های مورد نظر در اشتغال مادران چون حمایت از کار نیمه وقت، یا پاره‌وقت زنان، به ارائه آموزش‌های عمومی و تخصصی، حمایت از رسانه‌های فرهنگی جهت تعلیم و تربیت شایسته دختران همت گمارد.

## بند ۱۷- حق تأمین نیازهای عاطفی و روانی دختران و برخورداری از رفتار ملاحظت‌آمیز والدین و مصونیت آنان از خشونت‌های خانوادگی.

### توضیح:

توجه به نیازهای عاطفی و روانی دختران یکی از نیازهای اساسی آنها

محسوب می‌شود. آنچه مسلم است اینکه صرف تأمین نیازهای مادی نظیر خوراک، پوشاک و مسکن برای سلامت فرزندان کافی نیست بلکه توجه به سلامت روانی آنان ایجاب می‌کند که نیازهای عاطفی و روانی آنها نیز تأمین شود خصوصاً در مورد دختران با توجه به ویژگی‌های طبیعی و احساسی اهمیت این مسأله بیشتر است.

توجه به این نکته نیز ضروری است که والدین نمی‌توانند در راستای تکلیف خود نسبت به تربیت فرزندان خود به اعمال رفتار خشونت‌آمیز مبادرت ورزند. بنابراین در صورتی هم که تربیت فرزند مستلزم تنبیه او باشد باید از خشونت و انتقام‌جویی پرهیز شود.

**بند ۱۸- حق بر خورداری از امکانات خانواده، بدون تبعیض میان دختر**

**و پسر؛**

**توضیح:**

وجود تبعیض میان دختران و پسران در خانواده، علاوه بر آنکه موجب محرومیت دختران از امکانات خانواده می‌شود، آثار روانی و عاطفی مخرب‌ی بر دختران بر جای می‌گذارد و چه بسا حس اعتماد به نفس و خودباوری را در آنها به تدریج از بین می‌برد، بنابراین حقوق دختران ایجاب می‌کند که آنها حق بر خورداری از امکانات خانواده را بدون وجود تبعیض میان دختر و پسر داشته باشند و این امر مهم میسر نمی‌شود مگر با رشد و اعتلای فرهنگ خانواده‌ها در نگرش به حقوق دختران.



در این راستا قوانین و مقررات موجود پیرامون حقوق کودکان، بدون اشاره به جنسیت، همه دختران و پسران را شامل می‌شود و فقط در موارد اندک به دلیل ویژگی‌های خاص دختران یا پسران، از هر جنس حمایت لازم را نموده است.

**بند ۱۹- حق دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست در سرپرستی توسط بستگان یا داوطلبان تکفل با رعایت مصلحت آنان و برخورداری از حمایت و نظارت حکومت.**

#### **توضیح:**

در بند ۱۴ حق دختران در سرپرستی توسط والدین مطرح گردید، در این بند حق دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست در سرپرستی توسط افراد دیگر (غیر از والدین) با رعایت مصلحت آنها مورد توجه قرار گرفته است. دختران بی‌سرپرست به دخترانی اطلاق می‌شود که بنا به دلایلی نظیر فوت سرپرست یا رهاشدن توسط سرپرست یا زندانی شدن والدین، فاقد سرپرست می‌باشند. دختران بدسرپرست به افرادی گفته می‌شود که دارای سرپرست قانونی هستند ولی سرپرست آنها فاقد شرایط لازم برای نگاهداری، مراقبت و سرپرستی از دختران می‌باشد و بدین ترتیب سلامت جسمانی یا امنیت روانی و تربیت اخلاقی آنها در معرض خطر است، به طور مثال زمانی که سرپرست، اعتیاد زیان‌آور به الکل یا مواد مخدر دارد و یا دارای فساد اخلاقی و فحشاء دارای شهرت است.

به‌طور معمول دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست، از اقشار آسیب‌پذیر جامعه بشمار می‌روند، بنابراین حمایت از آنان ایجاب می‌کند که دولت، نظارت و حمایت مستمری بر این دختران اعمال نماید، زیرا در مواردی ممکن است حقوق و مصالح آنها توسط سرپرست و یا افراد دیگر در معرض تضییع قرار گیرد.

در قانون به‌طور کلی دو راهکار برای حمایت از این دختران در نظر گرفته شده است: در راهکار اول که بیشتر جنبه نظارتی دارد، دولت بدون برکنارکردن سرپرست، اقدام به اعمال نظارت بر عملکرد او می‌نماید بطوری‌که ممکن است از فرد صالحی به عنوان امین و ناظر بر رعایت حقوق دختران توسط سرپرست کمک گرفته شود. در راهکار دوم که بیشتر جنبه حمایتی و دخالتی دارد، دولت با در نظر گرفتن مصالح دختران بدسرپرست و یا بی‌سرپرست، اقدام به برکنارکردن سرپرست (در صورت وجود) می‌نماید و فرد واجد شرایطی را به عنوان قیم برای اداره امور این دختران تعیین می‌نمایند. نکته قابل توجه آن است که در هر دو راهکار، ملاک و مبنای نظارت یا دخالت دولت، توجه به مصلحت دختران می‌باشد. از دیدگاه اسلام که قانون ما نیز منبعث از آن است، همه افراد جامعه باید در قبال اقشار آسیب‌پذیر جامعه- از جمله دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست- احساس مسئولیت و دلسوزی داشته باشند و همین امر ضرورت نظارت و دخالت دولت را توجیه می‌کند، همچنین از آنجائی

که معمولاً دختران بی‌سرپرست یا بدسرپرست از بسیاری از حقوق طبیعی خود که می‌بایست از طریق خانواده تأمین شود، محروم هستند، دولت موظف است که حمایت‌های ویژه‌ای در زمینه‌های مختلف بهداشت، تغذیه، تأمین سلامت روانی و عاطفی، آموزش و پرورش، حرفه‌آموزی و اشتغال از آنها به عمل آورد تا زمینه ورود سالم و سازنده آنها به عرصه اجتماع فراهم شود.

بند ۲۰- مسئولیت احترام به والدین و اطاعت از دستورات مشروع آنها و رفتار نیکو نسبت به سایر اعضای خانواده.

#### توضیح:

دختران در خانواده، علاوه بر اینکه از حقوق مادی و معنوی بهره‌مند می‌گردند، واجد تکالیفی نیز می‌باشند به این ترتیب که:

آنها ملزم به رعایت حرمت پدر و مادر می‌باشند، همچنین با توجه به خیرخواهی و مصلحت‌اندیشی والدین، باید خواسته‌های مشروع آنها را بر آورند.

از دیگر تکالیف دختران در خانواده، ابراز رفتاری شایسته و نیکو نسبت به سایر اعضای خانواده مانند خواهر و برادر و حتی اقوام مانند خاله و دایی و عمه و عمو می‌باشد.

## فصل دوم تشکیل و تداوم خانواده

بند ۲۱- حق و مسئولیت زنان در تحکیم بنیان خانواده و برخورداری از امکانات و حمایت‌های قانونی لازم به منظور پیشگیری از بروز اختلافات و کاهش طلاق.

### توضیح:

\* زن و شوهر باید برای تحکیم بنیان خانواده، به انجام تکالیف خود و رعایت حقوق دیگری متعهد بمانند همچنین باید در صدد برآوردن نیازهای اصلی یکدیگر برآیند تا خانواده از تزلزل و گسیختگی در امان باشد.

زوجین باید، برای اداره خانواده همدیگر را یاری کنند و به هنگام بیماری و درماندگی از مواظبت و پرستاری همسر خود دریغ نورزند.

حق و مسئولیت زنان در تحکیم بنیان خانواده، در حقوق تحت عنوان وظیفه مربوط به معاضدت زوجین در تشیید مبانی خانواده مطرح گردیده است که با حقوق و تکالیف ناظر به حسن معاشرت و سکونت مشترک همبستگی و ارتباط فراوان دارد.

\* از جمله حقوق و تکالیف زن در تحکیم بنیان خانواده عبارتند از:

- حق زن در برخورداری از کلیه امکانات مالی - رفاهی در خانواده و نیز حق صرف نظر کردن از برخی از آنها با میل و رضایت خویش جهت تأمین یک هدف بالاتر یعنی تحکیم بنیان خانواده.

- حق بهره‌مندی از رفتار مسالمت‌آمیز و توأم با آرامش شوهر و نیز

مسئولیت رعایت آن در قبال همسر.

- حق برخورداری از یاری و مساعدت شوهر در امور خانوادگی از جمله تربیت فرزندان و مسئولیت معاضدت شوهر در امور مذکور.

- حق و تکلیف زن در رعایت وفاداری به همسر و توجه به نیازهای عاطفی، روانی و جنسی وی.

لازم به یادآوری است که در همه موارد، حق زن، به منزله تکلیف شوهر می‌باشد که برای این تکالیف ضمانت‌هایی در حقوق وجود دارد. علاوه بر حقوق و تکالیف قانونی زن و شوهر، توصیه‌های اخلاقی زیادی نیز به زن و مرد برای تحکیم بنیان خانواده و حفظ آن از انحلال وجود دارد که رعایت آنها قطعاً در تأمین این مهم مؤثر می‌باشد.

\* از دیگر حقوق زن برخورداری از امکانات و حمایت‌های قانونی لازم به منظور پیشگیری از بروز اختلاف و ایجاد صلح و آشتی در موارد اختلاف است که برای تأمین این حق راهکارهایی پیش‌بینی شده است:

- تأسیس واحدهایی در دادگاه‌های خانواده به عنوان واحد ارشاد جهت راهنمایی زوجین هنگام بروز اختلاف و تشویق به صلح و آشتی و ارائه راه‌حل‌هایی مناسب بر مبنای تحلیل نظرات و خواسته‌های زوجین جهت جلوگیری از فروپاشی خانواده.

- توجه به نهاد حکمیت و تقویت آن در اختلافات خانوادگی.

- لزوم رعایت قوانینی هنگام طلاق که در حقیقت زمینه‌ساز ایجاد آشتی

مجدد بین زن و شوهر می‌گردد. مانند لزوم وقوع طلاق در طهر غیر مواقعه. (این فاصله زمانی بین آخرین ارتباط زناشویی با اقدام به طلاق گاه موجب نزدیکی مجدد بین زوجین می‌شود.)، لزوم حضور دو شاهد عادل در واقعه طلاق (که معمولاً به دلیل صفت عدالت، تلاش می‌کنند تا بین زن و شوهر آشتی برقرار کنند علاوه بر آنکه مدت زمان لازم برای پیدا کردن دو شاهد عادل معمولاً به میزانی است که خشم حاصل از جدال خانوادگی فرو نشسته و مجدداً آشتی برقرار می‌شود.)

- الزام زوجین به سکونت در منزل مشترک در مدت عده طلاق رجعی  
بدلیل احتمال ایجاد صلح و آشتی و جلوگیری از طلاق.

**بند ۲۲- حق بهره‌مندی از امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی  
جهت تسهیل امر ازدواج در زمان مناسب ضمن مسئولیت خویشنداری  
تا آستانه ازدواج**

**توضیح:**

از آنجائی که ازدواج یکی از حساس‌ترین مراحل زندگی جوانان است، خانواده‌ها و دولت موظفند در راستای تحقق به موقع این مهم امکاناتی را برای دختران فراهم نمایند که این امکانات شامل موارد ذیل می‌باشد:

امکانات فرهنگی: ایجاد نگرش صحیح نسبت به مسأله ازدواج و تسهیل آن، کنار نهادن آداب و رسوم و اعتقاداتی که بر سر راه ازدواج جوانان مانع ایجاد می‌کند، آموزش جوانان جهت آماده نمودن آنان برای ازدواج در زمان

مناسب، فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌ها جهت ازدواج آسان و موفق و... امکانات اجتماعی: دولت موظف است جهت اجرای امر الهی «وانکحوا الایامی» امکانات اجتماعی لازم را جهت تسهیل ازدواج جوانان فراهم نماید. در این راستا ایجاد مراکز آموزشی و مشاوره‌ای جهت تسهیل انتخاب همسر مناسب، ایجاد هماهنگی بین تحصیلات با ازدواج و مسئولیت تشکیل خانواده، ایجاد هماهنگی بین خدمت نظام وظیفه و امر ازدواج و مسئولیت‌های خانوادگی ناشی از آن و...

امکانات اقتصادی: خانواده در امور اقتصادی مربوط به ازدواج از جمله جهیزیه، مهریه، برگزاری مراسم عقد و عروسی و... به هر مقدار که از سخت‌گیری بی‌جا بپرهیزند، روند ازدواج جوانان از سرعت بیشتری برخوردار می‌گردد و نیز این نهاد نوپا از آسیب پیامدهای ناشی از زیاده‌خواهی و تجمل‌گرایی زوجین در امان خواهد ماند.

بر دولت نیز لازم است تا جهت اشتغال جوانان در سن ازدواج، فراهم نمودن مسکن ارزان قیمت جهت زوج‌های جوان، کمک اقتصادی جهت برگزاری مجالس عقد و عروسی و... که همگی امکانات اقتصادی لازم جهت تسهیل ازدواج جوانان، از جمله دختران می‌باشد، اقدامات مقتضی را انجام دهد.

همچنین برای اینکه در جامعه شاهد تشکیل خانواده‌هایی مستحکم و سالم باشیم لازم است تا قبل از ازدواج، دختران و پسران جوان از آلودگی‌های

اخلاقی و گناهان پرهیز نمایند. بنابراین مسئولیت خویش‌داری دختران تا آستانه ازدواج، برای داشتن یک زندگی موفق در آینده و مصون ماندن از آسیب‌های غیرقابل جبران لازم و ضروری است، به همین جهت، در اسلام بر لزوم رعایت حریم در روابط زن و مرد خارج از چارچوب ازدواج تأکید فراوانی وجود دارد و در صورت تخطی، مجازات‌های سنگینی برای متخلفان مقرر گردیده است.

**بند ۲۳- حق آگاهی و تکالیف زوجین و آئین همسررداری و برخورداری از امکانات لازم در این زمینه.**

#### **توضیح:**

برخورداری زنان از امکانات آموزشی و مشاوره‌ای جهت آشنائی با حقوق و تکالیف ناشی از ازدواج و آگاهی از آئین همسررداری برای برقراری خانواده‌ای متعادل و مستحکم یک حق ضروری محسوب می‌شود. بنابراین، آموزش به دختران نیز جهت شناخت مختصات زندگی مشترک خانوادگی در سطوح نوجوانی و جوانی لازم است. اگرچه طبق موازین اسلامی، باید در نظر داشت که اگر آموزش مسائل مربوطه زمینه‌ساز تهییج و تحریک جنسی می‌گردد، باید در انتخاب مطالب و نحوه ارائه آنها دقت کافی مبذول گردد.

همچنین بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای برای دختران در آستانه ازدواج نیز در افزایش آگاهی و تعمیق بینش آنان نسبت به امور حقوقی مربوط به



ازدواج (حقوق و تکالیف) و مسائل عرفی و اخلاقی آن (آئین همسررداری) بسیار مؤثر خواهد بود.

نکته قابل توجه اینکه، بهره‌مندی از امکانات مشاوره‌ای و آموزشی مذکور، هم قبل از ازدواج و هم بعد از ازدواج متناسب با شرایط هر دوران و با رعایت موازین اخلاقی و اسلامی، در تحکیم و سلامت روابط زن و شوهر در محیط خانواده، قطعاً نقش بسزایی دارد.

**بند ۲۴- حق آشنائی با معیارهای مناسب همسرگزینی و شناخت و انتخاب همسر**

#### **توضیح:**

لازم است دختران بدانند که اساساً همسر مناسب برای آنها کیست؟ و این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه از معیارهای همسرگزینی و ویژگی‌های نیک و بد مؤثر در امر ازدواج اطلاع داشته باشند.

علاوه بر آن از جمله حقوق مسلم دختران آن است که خود همسر خویش را انتخاب نمایند و مجبور به ازدواج با مردی نشوند. در ضمن دختران حق دارند تا نسبت به فردی که قصد ازدواج با او را دارند شناخت لازم را داشته باشند و با آگاهی و دقت اقدام به ازدواج نمایند. بنابراین تدلیس و فریب خواستگار و یا فرد دیگری که وساطت در ازدواج را برعهده گرفته است آثار حقوقی خاص برای فریب‌کار (تعزیر) و نیز دختر (حق فسخ نکاح) را دارد.

انتخاب همسر و داشتن شناخت نسبی از ویژگی‌های جسمی و روانی همسر و اطمینان از سلامت وی، وضعیت تحصیلی و شغلی، موقعیت خانوادگی و هر امر دیگری که در تصمیم‌گیری برای ازدواج مؤثر است، حق زنان می‌باشد.

بنابراین هر اقدامی از سوی مرد که منجر شود تمام یا بخشی از اطلاعاتی که عقد بر مبنای آن برقرار می‌گردد بصورت خلاف واقع به زن القاء شود، ممنوع و دارای پیگرد قانونی می‌باشد زیرا، سبب خواهد شد تا قصد انشاء زن در عقد نکاح مخدوش و نهایتاً در صحت تشکیل این نهاد حقوقی تردید ایجاد شود.

لازم به ذکر است که دختران به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر در ازدواج ناموفق، از حق حمایت پدر در ازدواج نیز برخوردار بوده و پدران در تصمیم‌گیری ازدواج می‌بایست دختر خویش را راهنمایی نمایند. از آنجا که رضایت پدر در ازدواج دختر لازم است این رضایت محدود به شروطی گردیده از جمله لزوم در نظر گرفتن مصلحت دختر در ازدواج و نیز عدم اجبار دختر به ازدواجی که پدر مناسب تشخیص می‌دهد. علاوه بر آن اگر پدر بدون دلیل موجه از ازدواج دختر خویش با همسر هم‌شان دخترش ممانعت به عمل آورد و یا بیم آن رود که دختر به دلیل مخالفت پدر و عدم وقوع ازدواج، مرتکب رفتار ناپسند جنسی (حرام) گردد دختر با اجازه دادگاه به ازدواجی که خود مصلحت می‌بیند اقدام خواهد کرد.

بند ۲۵- حق و مسئولیت آگاهی و رعایت ضوابط دینی در ازدواج از جمله یکسانی زوجین در باور به مبانی اعتقادی و دینی؛

توضیح:

هر زنی حق دارد که نسبت به ضوابط دینی و قانونی ازدواج آگاهی داشته باشد و آنرا رعایت کند، بنابراین حق، هیچ کس نمی‌تواند او را مجبور کند که برخلاف ضوابط مزبور اقدام نماید. علاوه بر آن دولت نیز موظف است اقدامات لازم جهت آشنایی زنان با ضوابط دینی در ازدواج را فراهم کند. از سوی دیگر هر زنی نسبت به آگاهی پیرامون ضوابط دینی و قانونی ازدواج و رعایت آن تکلیف و مسؤولیت دارد، بدین ترتیب، مجاز نمی‌باشد برخلاف مقررات مذکور اقدام نماید.

در این بند به ضوابط دینی در ازدواج اشاره شده است. یکی از ضوابط، ممنوعیت ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان است. چرا که وجه تمایز انسان نسبت به سایر موجودات به اندیشه و اعتقادات او است فلذا دختران از ازدواج با آنان که در مبانی اعتقادی هم‌شان و همتای آنها نیستند نهی شده‌اند. بنابراین، هیچ زن مسلمانی حق ازدواج با غیر مسلمان را ندارد، همچنین این حق هر زن مسلمان محسوب می‌شود که با مرد مسلمان ازدواج نماید و هیچ کس حتی پدر دختر نمی‌تواند این حق را از او سلب نماید و او را مجبور به ازدواج با غیر مسلمان کند.

یکی دیگر از ضوابط دینی و قانونی در ازدواج دختر، لزوم اذن پدر

است و این امر می‌تواند به عنوان حق دختر در برخورداری از حمایت‌های فکری و عاطفی والدین تلقی شود و بر مبنای همین حق است که والدین دختر خصوصاً پدر، نمی‌توانند نسبت به امر سرنوشت ساز زندگی دختر خود، بی‌تفاوت باشند.

و از سوی دیگر دختر نیز مکلف است تا در ازدواج خود جلب رضایت و کسب اجازه از پدر خود بنماید، ولی هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند، اجازه او ساقط می‌شود و دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند و اخذ اجازه از دادگاه نسبت به ازدواج با او اقدام نماید.

از دیگر موارد رعایت ضوابط دینی می‌توان به ممنوعیت ازدواج با محارم نسبی، سببی، رضاعی و ازدواج با شوهرخواهر و ازدواج در عده، لزوم وقوع صیغه عقد در ازدواج و... اشاره کرد.

**بند ۲۶- حق تعیین شروط مورد نظر ضمن عقد نکاح در چارچوب ضوابط شرعی و تضمین اجرای این شروط.**

**توضیح:**

از آنجا که خواست و اراده زوجین در شکل‌گیری و دوام ازدواج اساسی‌ترین نقش را دارد. دختر و پسر حق دارند تا ضمن عقد نکاح شروط خاصی را که در نظر دارند تعیین نمایند و در صورت توافق طرف مقابل، پس از عقد ازدواج همسر موظف به رعایت این شروط است. هرچند باید

توجه داشت که نکاح دائم از عقود اجتماعی است و آثار آن محدود به دو طرف عقد نمی‌شود، نه تنها سرنوشت فرزندان ناشی از این پیمان به استواری و دوام خانواده بستگی دارد، نظم در جامعه نیز ایجاب می‌کند که این کانون ثابت و ایمن باشد. بدلیل همین استثناء است که قانونگذار رابطه زن و شوهر را از قلمرو حاکمیت مطلق اراده خارج ساخته و نظم آن را به عهده گرفته است و تنها بخشی از توافقات زوجین را ضمن آن معتبر می‌داند.

توافقی که به منظور تغییر آثار عقد نکاح انجام می‌شود، در اصطلاح «شرط» نامیده می‌شود. برای مثال اگر زن و شوهر ضمن عقد نکاح قرار گذارند که محل سکونت مشترک آنان را زن معین کند، می‌گویند ضمن عقد نکاح شرط شده است که تعیین محل سکنی با زن باشد.

همچنین اگر به موجب قراردادی که تابع عقد نکاح است انجام کاری برعهده یکی از طرفین قرار گیرد یا وصفی در مهر یا یکی از زوجین شرط شود یا منظور بدست آمدن نتیجه قرارداد تبعی (مانند وکالت) ضمن نکاح باشد، این قرارداد را «شرط» می‌نامند. مانند این که شرط شود که زن دوشیزه باشد (وصف) یا شوهر املاک زن را اداره کند (انجام کار) یا زن وکیل شوهر در فروش خانه او یا طلاق دادن خود باشد (نتیجه) بنابراین، شروط ضمن عقد نکاح را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم نمود:

گروه اول- شروطی که موضوع آنها یکی از احکام قانونی یا عرفی عقد

نکاح است و طرفین بدین وسیله می‌خواهند حدود شرایط آن احکام را تغییر دهند که این شروط نیز در سه حوزه: انعقاد، آثار و انحلال نکاح قابل طرح است.

گروه دوم - شروطی که بطور مستقیم مربوط به نکاح نیست و زن و شوهر به دلایلی آن را در زمره توابع عقد آورده اند و به «شروط ناظر به امور خارجی» معروف هستند.

گاه، زن و شوهر به دلایلی لازم می‌دانند که پاره ای از التزام‌های خود را بر یکدیگر تابع نکاح قرار دهند. این امور ممکن است به شیوه زندگی زناشویی و سلوک طرفین باهم مربوط باشد و یا ناظر به کارهایی قرار گیرد که به زندگی مشترک آنان ارتباط ندارد و در هر دو صورت، شروط بطور مستقیم به انعقاد یا آثار عقد ناظر نیست.

هنگامیکه شرط مربوط به صفت خاصی در یکی از زوجین است، به مشروط له حق می‌دهد که برای جبران زیان خویش عقد نکاح را فسخ کند. اما در مورد تخلف از شرط فعل و نتیجه در عقد نکاح نمی‌توان به قیاس شرط صفت، برای کسی که شرط به سود اوست حق فسخ قائل شد اگرچه او می‌تواند با مراجعه به دادگاه الزام طرف مقابل را برای اجرای شرط بخواهد.

بند ۲۷- حق ثبت ازدواج، طلاق و رجوع در مراجع رسمی و قانونی؛

توضیح:

رعایت حقوق زنان ایجاب می‌کند که وقایع حقوقی مهمی نظیر ازدواج (اعم از دائم و موقت)، طلاق و رجوع در مراجع رسمی و قانونی به ثبت برسد. هدف از این الزام آسان‌کردن اثبات نکاح و حمایت از حقوق زنان و کودکان و کمک به استواری بنیان خانواده است. به طور کلی برخی از مهمترین فواید ثبت ازدواج، طلاق و رجوع برای زن عبارت است از:

- ثبت این وقایع می‌تواند در مواردی در جهت احقاق حقوق زنان بکار آید، بطور مثال در صورتی که زوج به منظور فرار از مسئولیت‌های ناشی از ازدواج، طلاق و رجوع در صدد انکار واقعیت و قلب حقیقت برآید، ثبت این امور در دفاتر رسمی و قانونی به عنوان مدرک و دلیلی در جهت حمایت از زنان بکار می‌رود. ثبت نکاح در دفتر اسناد رسمی، از بسیاری از مشاجرات درباره انکار زوجیت و نسب می‌کاهد.

فراهم شدن امکان ازدواج بعدی برای زنان، از دیگر فواید ثبت طلاق در دفاتر رسمی و قانونی می‌باشد. در حالی که اگر طلاق در دفاتر رسمی و قانونی به ثبت نرسد و شوهر سابق هم بنا به دلایلی قصد تاذی زن را داشته باشد می‌تواند با ادعای کذب مبنی بر تداوم رابطه زوجیت مانع ازدواج بعدی زن گردد و در این حالت زوجه ملزم به اثبات وقوع طلاق می‌باشد بدین ترتیب عدم ثبت طلاق ممکن است مشکلاتی را برای زنان

بوجود آورد.

- همانطور که ثبت طلاق در مراجع رسمی و قانونی الزامی است، حمایت از حقوق زنان ایجاب می‌کند که رجوع نیز به ثبت برسد، زیرا ممکن است مردی پس از رجوع به همسر (مطلقه) خود و عدم ثبت آن، منکر عمل رجوع شود و با استناد به طلاق قبلی در صدد فرار از تکالیف خود در قبال زوجه و عدم تأدیه حقوق وی برآید و این امر موجب تضییع حقوق زن شود.

**بند ۲۸- حق برخورداری زن از حقوق مالی در ایام زوجیت؛**

**توضیح:**

حق برخورداری زن از حقوق مالی در ایام زوجیت، عبارت است از:

**\* استقلال اقتصادی زن:**

حق زن در داشتن استقلال اقتصادی در ایام زوجیت، یکی از حقوق مسلم او تلقی می‌شود، بدین ترتیب که او می‌تواند مستقلاً بدون آنکه نیازی به دخالت یا رضایت همسرش باشد، در اموال و دارائی‌های خود هر تصرف مشروعی را که بخواهد، بکند. همچنین شرط تصنیف دارایی که در غرب پذیرفته شده است از آنجائی که این امکان را فراهم می‌آورد که زن پس از ازدواج بخشی از دارایی خود را از دست بدهد قابل قبول نمی‌باشد.

**\* مهریه:**

«مهر» به معنی مالی است که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزم به دادن



آن به زن می‌شود. الزام مربوط به تملیک مهر ناشی از حکم قانون مبتنی بر آیات و روایات است. به همین دلیل سکوت طرفین در عقد و حتی توافق بر اینکه زن مستحق مهر نباشد، نمی‌تواند تکلیف مرد را در این زمینه از بین ببرد. اگرچه انعقاد نکاح بر مبنای تراضی طرفین صورت می‌گیرد ولی آثار آن را زن و شوهر بوجود نمی‌آورند به همین دلیل آنها به محض توافق بر امر ازدواج، ناچار باید آثار و نتایج آنرا نیز بپذیرند. بنابراین مهر نوعی الزام قانونی است که بر مرد تحمیل می‌شود و زوجین فقط می‌توانند در زمان انعقاد عقد نکاح یا پس از آن، مقدار مهر را به تراضی معین کنند.

البته در مورد «مهریه» در میان نکاح دائم و موقت تفاوتی وجود دارد، بدین ترتیب که در نکاح موقت، عدم مهر موجب بطلان عقد است در حالی که در نکاح دائم اگر مهر تعیین نشده باشد، نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد، مهر را به تراضی معین کنند:

#### **\* حق مالی به صورت شرط ضمن عقد:**

بنابر قانون، زن می‌تواند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد نکاح نباشد در ضمن ازدواج یا عقد لازم دیگر بنماید. بنابراین ممکن است زن برخی از حقوق مالی را به عنوان شرط ضمن عقد مطرح نماید و مرد هم متعهد به ایفای آن است. معمولاً این شرط در عقد موقت کاربرد دارد.

#### **\* نفقه:**

زن و شوهر باید در اداره خانواده یکدیگر را یاری کنند و با توجه به

وظایف و نقش‌های متفاوت آنها در خانواده، هر یک در قبال دیگری از حقوق ویژه‌ای برخوردار است. در قانون اسلام، مرد موظف به تأمین معاش و هزینه‌های لازم برای زندگی می‌باشد، در نکاح دائم، این وظیفه مرد ناشی از حکم قانون مبتنی بر فقه اسلامی است و ریشه در تراضی طرفین ندارد ولی در ازدواج موقت، وظیفه شوهر در دادن نفقه، متکی بر تراضی زن و شوهر است، یعنی شوهر در صورتی نفقه زن را می‌پردازد که یا بصراحت شرط شده یا عقد بر مبنای آن منعقد شده باشد.

#### \* اجرت رضاع:

مطابق با قانون و شرع، زن حق دارد در قبال شیر دادن به فرزند خود، از پدر فرزند (شوهر خود) مطالبه اجرت و دستمزد نماید. این هزینه دریافتی، به تغذیه مادر در ایام شیردهی، کمک شایان می‌نماید. آثار این قانون الهی در زمان جدایی زوجین در حالتی که زوجه صاحب فرزند شیرخوار از همسر خویش است مشهودتر می‌باشد. زیرا در این وضعیت هر چند به دلیل عدم علقه زوجیت مستحق دریافت نفقه زوجه نمی‌باشد ولی به دلیل رضاع، هزینه مورد نیاز برای تغذیه مناسب او، تأمین خواهد شد.

#### \* اجرت المثل:

از آنجا که زن مکلف به انجام امور خانه همچون آشپزی، نظافت منزل و... نمی‌باشد، می‌تواند به ازای کارهایی که در خانه انجام می‌دهد از همسر خویش دستمزد دریافت نماید. مطابق قانون، دریافت این دستمزد و یا

اجرت‌المثل هنگام طلاق می‌تواند سرمایه قابل توجهی جهت ادامه زندگی مستقل و آبرومندانه زن پس از طلاق باشد.

✽ ارث:

از جمله حقوق مالی که زن به واسطه زوجیت از آن بهره‌مند می‌شود حق بهره‌مندی از ارث شوهر می‌باشد. البته قوانین مربوط به ارث برای هریک از زوجین فقط در نکاح دائم جاری است، بنابراین در ازدواج موقت، زوجین از یکدیگر ارث نمی‌برند.

بند ۲۹- حق و مسئولیت تأمین، تخصیص، طهارت و سلامت در ارتباط جنسی با همسر قانونی و حق اعتراض قانونی در صورت نقض آنها؛

توضیح:

#### الف - حق و مسئولیت تأمین ارتباط جنسی

۱- مسئولیت زنان در تأمین ارتباط جنسی: این مسئولیت در فقه تحت عنوان «تمکین» مطرح شده است.

مطابق قوانین اسلامی زن موظف است تا در صورت عدم منع شرعی یا عقلی، نیاز جنسی همسر خویش را برآورده سازد. علاوه بر آن زن حق دارد تا نیاز جنسی خود را با همسرش برآورده سازد و شوهر موظف به تأمین این نیاز جنسی خود می‌باشد. بر مبنای این حق و مسئولیت، هرگاه زن یا شوهر دارای عیبی باشند که مانع رابطه زناشویی شود، (قرن، افضا، قطع آلت تناسلی مرد، خصاء، عتق) طرف مقابل حق فسخ نکاح دارد.

علاوه بر آن اگر زن بدون عذر شرعی و عقلی از تمکین جنسی سر باز زند مستحق نفقه نخواهد بود. مرد نیز اگر به واسطه ظهار یا ایلاء از ارضای نیاز جنسی همسر خود سر باز زند قاضی او را مکلف به ایجاد ارتباط جنسی با زن و یا طلاق او می‌نماید تا شوهر در صورت عدم ایفای وظیفه خود، همسر خود را طلاق دهد و زن بتواند به ازدواج دیگری اقدام نماید علاوه بر این موارد، از جمله حقوق زنان، حق مضاجعت نامیده شده است که مطابق آن اگر مردی ارتباط جنسی با همسر خود را بدون عذر شرعی یا عقلی بیش از ۴ ماه به تأخیر اندازد، مرتکب حرام شده است. علاوه بر آن اگر مرد به دلیل عذر شرعی یا عقلی ارتباط زناشویی با همسر خود را قطع نماید، در صورتی که زن دچار عسر و حرج گردد، می‌تواند با مراجعه به دادگاه از همسر خویش طلاق گرفته، اقدام به ازدواج مجدد نماید. مرد نیز در صورت عدم تأمین نیاز جنسی خود توسط زوجه، حق ازدواج مجدد و برآوردن نیاز جنسی خویش توسط همسر دیگر را دارد.

### ب - حق و مسئولیت تخصیص ارتباط جنسی

۱- مسئولیت زنان در تخصیص ارتباط جنسی: زن شوهردار نباید با مرد دیگری ارتباط جنسی داشته باشد. در صورتی که زن این وظیفه را ایفا ننماید، مرتکب جرم «زنا» شده است که در قانون برای آن مجازاتی در نظر گرفته شده است:

۲- حق زنان در تخصیص ارتباط جنسی:

حق زنان در تخصیص ارتباط جنسی ایجاب می‌کند که شوهر آنها با زن دیگری روابط جنسی آزاد و خارج از چارچوب خانواده نداشته باشد.

\* تعدد زوجات: در قانون ما که منبعث از فقه اسلامی است، مسأله تعدد زوجات وجود دارد بدین معنا که مرد می‌تواند با احراز شرایط لازم و انجام تکالیف شرعی و قانونی مربوط به آن، بیش از یک همسر (حداکثر ۴ همسر) قانونی اختیار نماید. البته لازم به ذکر است که یکی از مهمترین شرایط تعدد زوجات، برقراری عدالت کامل میان همسران و جلوگیری از تضییع حقوق آنها می‌باشد.

سؤالی که ممکن است مطرح شود اینکه آیا تعدد زوجات با حق زنان در تخصیص ارتباط جنسی در تعارض است؟ در پاسخ باید گفت که در تعدد زوجات، همه زنان همسر قانونی و شرعی مرد هستند بنابراین حقوق همه آنها ایجاب می‌کند که مرد فقط با آنها رابطه جنسی داشته باشد و با زنان دیگر غیر از همسر قانونی اش نمی‌تواند رابطه جنسی داشته باشد.

در حقوق برخی از کشورها تعدد زوجات اساساً ممنوع و غیرقانونی است اما ممکن است مردان براحتی این حق را داشته باشند که با زنان و دختران دیگر روابط جنسی آزاد داشته باشد و این امر از حقوق و آزادی‌های فردی آنها محسوب می‌شود و هیچ کس حتی همسر قانونی حق دخالت در این امور را ندارد همانطور که خود زنان نیز ممکن است از این حقوق و آزادی‌ها برخوردار باشند. اما آنچه مسلم است اینکه زنان افرادی

هستند که بیشترین صدمه را از این لیبرالیسم جنسی متحمل می‌شوند. زیرا از یک سو، حق زنان در تخصیص ارتباط جنسی با همسر قانونی، نادیده گرفته می‌شود در نتیجه سلامت ارتباط جنسی آنها نیز مورد تردید واقع می‌شود زیرا معلوم نیست که شوهر با چه افراد و تحت چه شرایطی ممکن است روابط جنسی آزاد داشته باشد، بنابراین احتمال ابتلاء او به بیماری‌های مسری از جمله ایدز و انتقال آن به زن وجود خواهد داشت همچنین از سوی دیگر زنان و دخترانی که تن به روابط جنسی آزاد با مردان متأهل می‌دهند، اگر در اثر این روابط، باردار شوند، بدرستی وضعیت فرزند آنها و حقوق او مشخص نمی‌باشد، بدین ترتیب یا باید اقدام به سقط جنین نمایند که علاوه بر نقض حق حیات فرزند، خود زنان هم متحمل لطمات جسمانی و روانی فراوانی می‌شوند و یا به تنهایی به عنوان سرپرست به نگاهی و مراقبت از فرزندان خود پردازند و از هیچ کمک و پشتیبانی دیگری از سوی پدر فرزندانشان برخوردار نباشند.

### ج - حق و مسئولیت طهارت ارتباط جنسی

۱- مسئولیت زنان در طهارت ارتباط جنسی: به منظور حفظ طهارت و پاکی معنوی در روابط جنسی، برقراری ارتباط جنسی در برخی مواقع ممنوع است و مسئولیت زنان ایجاب می‌کند که

زنان در ایام حیض و در حالت احرام از برقراری روابط جنسی با همسران خود بپرهیزند. همچنین در ایام عده زنان از ازدواج و برقراری

روابط جنسی باید اجتناب کنند.

۲- حق زنان در طهارت ارتباط جنسی: حقوق زنان ایجاب می‌کند که مردان نیز طهارت را در ارتباط جنسی با همسر خود رعایت کنند و در ایام حیض زن یا در حالت احرام خود یا همسر از ارتباط زناشویی با همسر خود بپرهیزند و در ایام عده زنی نیز از او خواستگاری ننموده و با او ازدواج نمایند.

#### د - حق و مسئولیت سلامت ارتباط جنسی

۱- تکلیف زنان در تأمین سلامت ارتباط جنسی: از آنجائی که ارتباط جنسی یک امر کاملاً دوسویه و متقابل می‌باشد، سلامت هر دو نفر در برقراری یک رابطه سالم امری ضروری است و همین امر، زنان را مکلف می‌کند که سلامت ارتباط جنسی با همسر خود را تأمین نمایند و از اموری که ممکن است این سلامت را به خطر اندازد، اجتناب کنند.

از آنجایی که یکی از راه‌های انتقال بیماری ایدز و نیز برخی بیماری‌های دیگر چون سوزاک و سفلیس از طریق ارتباط جنسی می‌باشد. بنابراین، هر زنی مکلف است در صورت ابتلا به ویروس HIV (ایدز) و یا سایر بیماری‌های مقاربتی، شوهر خود را از این امر آگاه نموده و از برقراری ارتباط جنسی آلوده خودداری نماید.

۲- حق زنان در برخوردارگی از سلامت ارتباط جنسی: مسلماً یکی از حقوق مسلم زنان آن است که یک رابطه سالم جنسی با همسر خود

داشته باشند به گونه‌ای که این ارتباط باعث انتقال بیماری‌های مختلف و به خطر انداختن سلامتی آنها نشود. بنابراین مردان نیز در صورت ابتلا به بیماری‌های مقاربتی و یا ایدز وظیفه دارند از برقراری ارتباط جنسی آلوده با همسر خود اجتناب کنند.

بند ۳۰- حق و مسئولیت سکونت مشترک و حسن معاشرت و تأمین امنیت روانی در روابط با همسر و حق اعتراض و طرح دعوا در مراجع قانونی در صورت سوء معاشرت همسر.

توضیح:

#### الف- حق و مسئولیت سکونت مشترک

هدف اصلی نکاح این است که زن و مرد به واقع تشکیل خانواده دهند و رسیدن به این هدف با جدایی آنان امکان پذیر نیست. بنابراین سکونت در منزل مشترک، حق زن است و مرد موظف به تهیه آن می‌باشد. علاوه بر آن در صورتی که مرد مسکن مناسب برای زن فراهم کرد. زن حق امتناع از سکونت در منزل مشترک را ندارد مگر آنکه این سکونت مشترک متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد.

« بیم ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی » تنها عذر موجهی نیست که زن را از سکونت با شوهر معاف می‌کند زیرا تهیه مسکن از ارکان تشکیل دهنده نفقه است و نفقه نیز باید متناسب با شئون زن داده شود پس اگر محلی را که شوهر برای مسکن مشترک خود و همسرش انتخاب کرده است



برای اقامت زن مناسب نباشد نمی‌توان زن را بدلیل نرفتن به چنین خانهای ملامت کرد یا او را به حکم دادگاه ناگزیر به سکونت در آن ساخت.

### ب- حق و مسئولیت حسن معاشرت

لوازم حسن معاشرت را به دقت نمی‌توان معین کرد زیرا عادت و رسوم اجتماعی و فرهنگ در میان هر قوم، مفهوم خاصی از «حسن معاشرت» بوجود می‌آورد. ولی به اجمال می‌توان گفت، تمام اموری که از نظر اجتماعی توهین محسوب می‌شود (مانند ناسزاگویی، ایراد ضرب، مشاجره و تحقیر) یا اموری که با عشق به کانون خانواده و اقتضای محبت بین دو همسر منافات دارد (مانند ترک خانواده یا بی‌اعتنایی به همسر) از مصادیق «سوء معاشرت» در خانواده است بنابراین زن و شوهر از این گونه اعمال باید پرهیزند.

### ج- حق و مسئولیت تأمین امنیت روانی در روابط با همسر

تأمین امنیت روانی در واقع از مصادیق حسن معاشرت است و از جهت تأکید و اهمیت آن جداگانه تصریح شده است. زیرا گاه فشارهای روانی و تهدیدهای روحی، بسی مخرب‌تر از آسیب‌های جسمانی از جمله ضرب و شتم و ... است که البته به علت محسوس نبودن و دشواری اثبات، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، با این حال اگر اختلال امنیت روانی از مصادیق «عسرو حرج» و سوء معاشرت محسوب گردد، برای فرد آسیب‌دیده حمایت‌های حقوقی در نظر گرفته شده است.

#### د- حق اعتراض و اقامه دعوا

در صورت نقض هر یک از حقوق زنان در حسن معاشرت و تأمین امنیت جسمانی و روانی در روابط خانوادگی حق اعتراض و طرح دعوا در مراجع قانونی پیش‌بینی شده است.

در این صورت زن می‌تواند با وجود خوف ضرر جانی یا مالی تأمین مسکن علیحده و متناسب را از دادگاه مطالبه نماید و یا با ارتکاب اعمالی از قبیل توهین، فحاشی، ایراد ضرب و جرح و ... از طرف شوهر که سلامت جسمی و روانی زن را تهدید می‌کند، اقدام به اقامه دعوی کیفری یا دعوای حقوقی طلاق با استناد به عسر و حرج نماید و یا الزام به شوهر به حسن معاشرت را از دادگاه بخواهد.

**بند ۳۱- حق و مسئولیت رشد علمی، معنوی و اخلاقی با همکاری و حمایت اعضاء خانواده.**

#### توضیح:

محیط خانواده باید به گونه‌ای باشد که زمینه برای رشد علمی، معنوی و اخلاقی همه اعضاء فراهم گردد و این، میسر نیست مگر با مسئولیت‌پذیری افراد خانواده در رعایت حقوق دیگران و انجام تکالیف خود.

بنابراین، زنان در خانواده به عنوان مادر یا همسر از این حق بهره‌مند می‌باشند و قطعاً در راستای برخوردارگی سایرین از حق مذکور، مسئول نیز خواهند بود.

## بند ۳۲- حق و مسئولیت جهت انجام صله رحم.

### توضیح:

در دین مبین اسلام از آنجا که ابعاد اجتماعی زندگی افراد مورد توجه قرار گرفته، احکام و قواعدی برای تنظیم روابط انسانها با یکدیگر وضع شده است. صله رحم و ارتباط با خویشاوندان یکی از مسائلی است که تأکید فراوان بر آن شده است و ادله محکمی وجود دارد مبنی بر اینکه وظیفه و حق هر مسلمان اعم از زن و مرد می‌باشد که با خویشاوندان و اقوام خود ارتباط خانوادگی را حفظ نماید و تحت هیچ شرایطی آنرا قطع ننماید.

حفظ و تداوم ارتباط با اقوام و خویشاوندان حق هر زنی محسوب می‌شود، بنابراین هیچ کس حتی شوهر زن نمی‌تواند او را از این حق محروم نماید زیرا علاوه بر آثار اجتماعی این ارتباطات، در بسیاری موارد این ارتباطات خانوادگی برای سلامت روانی و رشد عاطفی افراد نیز لازم است و اگر قرار باشد فرد پس از ازدواج کلیه روابط خانوادگی خود را با اقوام و خویشان قطع نماید، ممکن است بتدریج و در طول زمان به انزوا، افسردگی، احساس تنهایی و بطور کلی به خطر افتادن سلامت روانی فرد منجر شود.

یکی از ویژگی‌های ازدواج سالم و موفق آن است که زن و مرد پس از ازدواج در عین یکی شدن و وحدت، استقلال و ویژگی‌های فردی خود را

در حیطة مصالح خانواده حفظ نمایند. بنابراین لازم است در امر ازدواج، علاوه بر تأکید بر یکی‌شدن و همدلی زوجین، حقوق فردی هر یک از جمله حق صله رحم توسط دیگری رعایت شود.

همانطور که بیان شد صله رحم تکلیف زن نیز محسوب می‌شود، بنابراین شوهر نمی‌تواند مانع انجام این تکلیف شرعی زوجه شود البته توجه به این نکته ضروری است که بهتر است زن هم با رعایت مصالح خانواده و با مشورت همسر خود و در مواقع مقتضی به صله رحم و دیدار از خویشان خود پردازد تا حقوق اعضای خانواده در معرض تضییع قرار نگیرد.

**بند ۳۳- حق باروری، بارداری، تنظیم و کنترل آن و بهره‌مندی از آموزش‌ها و امکانات مناسب در این زمینه.**

**توضیح:**

**الف - حق باروری:**

اساساً یکی از مهمترین احساسات و نیازهای عاطفی یک زن، نیاز به مادر شدن است و لازمه این نیاز، آن است که امکان باروری و صاحب فرزند شدن برای او وجود داشته باشد. بر مبنای این حق، اگر زوج بنا به دلایلی بطور مثال ابتلا به بیماری یا عیوب خاص نتواند این امکان را برای همسرش فراهم نماید، زن می‌تواند برای احقاق حقوق خود اقداماتی را انجام دهد.

### ب - حق بارداری:

زنی که باردار و حامله است حق دارد تا جنین خود را تا زمان زایمان در شکم خود محافظت نماید و هیچ کس حق ندارد مانع تداوم بارداری او شود. بنابراین هر کسی حتی شوهر اگر با عمل خود منجر به سقط جنین زنی شود، مطابق با قانون مجرم شناخته شده و برای او مجازات تعیین شده است.

### ج - حق تنظیم و کنترل باروری:

همانطور که باروری حق زن محسوب می‌شود، تنظیم و کنترل آن نیز از حقوق او به شمار می‌رود. گاه زنی نیازمند برنامه‌ریزی جهت فاصله زمانی مناسب برای بارداری‌های خود می‌باشد تا امر تربیت، نگاهداری و مراقبت از فرزندان را به شایستگی انجام دهد و گاه به دلیل توانمندی در فرزندآوری و تربیت فرزند، خواهان فرزندان بیشتر است.

در قانون ما که منبعث از دین مبین اسلام می‌باشد، سقط جنین به هر انگیزه‌ای مانند بارداری ناخواسته، فقر و ناتوانی والدین، جایز نمی‌باشد مگر در موارد استثنائی، بنابراین در قانون کشور ما برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر، نمی‌توان از عمل سقط جنین به عنوان یک راه در کنترل و تنظیم باروری استفاده کرد. در قانون و فقه ما تمام توجهات و تأکیدها بر لزوم پیشگیری قبل از باروری متمرکز شده است. بنابراین زنان در اعمال حق خود در زمینه تنظیم و کنترل باروری ملزم به رعایت موازین شرعی

و قانونی می‌باشند. از جمله این موازین می‌توان به لزوم رضایت همسر در پیشگیری از بارداری، منع از روش‌هایی که منجر به عقیم‌سازی می‌شود و لزوم رعایت حدود شرعی در امر استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری (مانند پرهیز از لمس و نظر نامحرم) اشاره کرد.

علاوه بر آنچه بیان شد، زنان حق بهره‌مندی از آموزش‌ها و امکانات مناسب در زمینه تنظیم و کنترل باروری را نیز دارا می‌باشند.

**بند ۳۴- حق برخورداری از حمایت‌های مادی و معنوی در ایام بارداری و شیردهی؛**

#### **توضیح:**

در ایام بارداری و شیردهی بدلیل وضعیت جسمانی و عاطفی ویژه‌ای که زنان دارند و به دلیل تأثیر گسترده وضعیت جسمی و روحی آنان بر رشد جسمانی، روانی کودک می‌بایست حمایت‌های قانونی لازم در ابعاد مادی و معنوی از آنان چه در خانواده توسط شوهر و چه در عرصه اجتماع توسط دولت بعمل آید. لازمه این حمایت‌ها، در وهله اول ارتقاء سطح آگاهی‌های عمومی نسبت به وضعیت خاص و نیازهای زنان در این ایام می‌باشد و تا زمانی که این شناخت حاصل نشود، زمینه برای اعمال حمایت‌های مذکور فراهم نخواهد شد.

در قوانین مربوط به خانواده نیز برخی از حمایت‌های لازم در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است بطور مثال، اگر زن در زمان طلاق دارای

حمل باشد، تا زمان وضع حمل، حق نفقه خواهد داشت، در قوانین اداری نیز تمهیداتی به منظور حمایت‌های مادی و معنوی لازم در ایام بارداری و شیردهی از زنان شاغل در نظر گرفته شده است.

از آنجا که شیر مادر، بهترین غذای کودک در ماههای نخستین تولد است، حمایت از کودک ایجاب می‌کند که این نعمت الهی از او دریغ نشود، قانون نیز بر همین مبنا حضانت فرزند را در سالهای اولیه پس از تولد با مادر می‌داند. با وجود این چون احتمال دارد، شیر دادن باعث زیان مادر شود، قانون آن را از وظایف الزامی مادر محسوب نمی‌کند، بدین ترتیب برخلاف حضانت که حق و مسئولیت مادر است و مادر نمی‌تواند از حضانت فرزند خود در ایامی که حضانت با مادر است، خودداری نماید. شیردادن به واقع «حق» مادر است و اگر بخواهد از این حق استفاده کند، پدر یا افراد دیگر نمی‌توانند مانع او شوند، هرگاه مایل به این امر هم نباشد، اجبار او امکان ندارد.

نکته قابل تأمل آن که اختیار مادر نسبت به شیر دادن فرزند در موردی است که تغذیه او با وسایل دیگر ممکن باشد، بنابراین هرگاه تغذیه طفل بنا به هر دلیلی، با غذای دیگر فراهم نباشد یا موجب ضرر بر طفل شود، شیردادن از تکالیف مادر است و او حق امتناع از آن را ندارد.

**بند ۳۵- مسئولیت رعایت حقوق جنین به ویژه محافظت از حیات و رشد آن.**

**توضیح:**

در حقوق اسلام، برای جنین از همان مراحل اولیه رشد، حقوقی به رسمیت شناخته شده است که از جمله مهمترین آنها، حق حیات می‌باشد. بنابراین هیچ کس حتی پدر و مادر جنین مجاز به سلب حیات از جنین و اقدام به سقط وی نمی‌باشند

با وجود اینکه ممنوعیت سقط جنین به عنوان یک اصل کلی، مورد پذیرش است اما در شرایطی خاص استثنائاتی نیز بر آن در قانون و فقه به چشم می‌خورد.

**بند ۳۶- حق و مسئولیت حضانت و تأمین امنیت روانی و عاطفی فرزندان و تربیت شایسته دینی و اخلاقی آنان.**

**توضیح:**

«حضانت» عبارت است از اقتداری که قانون به منظور نگاهداری و تربیت اطفال به پدر و مادر آنان اعطا کرده است و در این اقتدار حق و تکلیف به هم آمیخته است. نگاهداری شامل همه کارهایی است که برای سرپرستی و مواظبت از کودک لازم است. آنچه مسلم است اینکه قانون نمی‌تواند تمام لوازم نگاهداری را تعیین کند ولی پذیرفتن طفل در کانون خانواده و تهیه محل سکونای مناسب از جمله اقداماتی است که می‌تواند تا



حدّی نشانه انجام سایر مواظبت‌ها نیز باشد.

نکته مهم دیگر در حق حضانت مادر آن است که این اختیار به منظور تأمین مصلحت فرزند مورد استفاده قرار گیرد، پس در هر جا که از این حق سوءاستفاده شود، قانون می‌تواند از تجاوز مادر یا پدر جلوگیری کند. بطور مثال در هر جا که ثابت شود اقدام پدر یا مادر، آزار کودک به جهت انتقام‌جویی از همسر خویش است، دادگاه باید از سوءاستفاده جلوگیری کند و یا هرگاه ثابت شود که در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر است، محکمه می‌تواند والدین را از اعمال حق حضانت محروم کند.

علاوه بر نگاهداری و مراقبت از فرزند، تربیت او نیز از وظایف والدین است. والدین در عین اینکه حق انتخاب شیوه تربیت فرزند خود را دارند، مکلفند او را چنان تربیت کنند که استعدادهایش به هدر نرود و متخلّق به اخلاق نیکو باشد و بطور کلی از سلامت روانی و عاطفی برخوردار باشد و از تربیت شایسته دینی نیز بهره‌مند گردد. در امر تربیت فرزند نیز حق ابوبین مرتبط با تکلیف آنان است و اطاعت از والدین نباید مغایر با مصلحت فرزند باشد.»

مطابق با قانون والدین می‌بایست در نگاهداری، مراقبت و تربیت فرزندان با یکدیگر همکاری و معاضدت نمایند.

طبق این حق و مسئولیت که در این بند به آن اشاره شده است مادران نباید از حضانت و تأمین امنیت روانی، عاطفی کودک و تربیت شایسته دینی و اخلاقی او سر باز زنند و دیگران نیز نمی‌توانند مانع ایفای وظیفه زن در امر حضانت و تربیت دینی و اخلاقی فرزند او گردند.

**بند ۳۷ - حق برخورداری از حمایت و مشارکت همسر در تربیت فرزند؛**

**توضیح:**

تربیت فرزند وظیفه پدر و مادر است و هر دو نسبت به آموزش و پرورش فرزندان خود مسئول می‌باشند بنابراین زنان حق دارند در امور مرتبط به تربیت فرزندان توسط همسر خود که پدر او می‌باشد حمایت شوند و پدران نیز وظیفه دارند در این امور با همسر خویش مشارکت داشته باشند.

**بند ۳۸ - حق برخورداری مادران از امنیت مادی و معنوی خصوصاً در ایام سالمندی و از کارافتادگی؛**

**توضیح:**

برای مادران در ایام پیری و از کارافتادگی که روزگار ناتوانی و نیازمندی آنها از نظر جسمی و روانی است در قوانین و احکام شرع، حقوقی معین شده است، تا در سایه بهره‌مندی از این حقوق، آنها بتوانند زندگی‌ای در آرامش و امنیت داشته و از هر جهت تأمین باشند.

بند ۳۹- حق و مسئولیت زن نسبت به نگهداری و تأمین معاش والدین  
نیازمند در حد استطاعت او؛

توضیح:

مطابق با قانون، نفقه اقارب فقط منحصر به پسر نیست بلکه وظیفه دختر هم هست. هدف از الزام به انفاق والدین تضمین همبستگی خانواده می‌باشد.

در تعریف الزام به انفاق خویشان از جمله والدین گفته شده است: «تعهدی است قانونی که خویشان نزدیک در برابر هم دارند و به موجب آن هر توانگر وظیفه دارد معاش خویشاوند مستمند خود را تأمین کند.» برای آنکه والدین بتوانند از دختر خود مطالبه نفقه نمایند، سه شرط لازم است اول اینکه دارایی آنها کافی نباشد و دوم، آنان بوسیله کار کردن هم نتوانند امرار معاش نمایند.

دو مفهوم «نداری» و «ناتوانی» با توجه به عرف و اوضاع و احوال موجود سنجیده می‌شود. علاوه بر آنچه بیان شد، شرط سوم در الزام به انفاق والدین، تمکن و استطاعت مالی دختر می‌باشد، یعنی او بتواند نفقه بدهد، بدون اینکه از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. تعریف نفقه اقارب مطابق با قانون عبارت است از: مسکن، البسه، غذا و اثاث البیت بقدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت مالی منفق.

(ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی)

## فصل سوم: انحلال خانواده

بند ۴۰- حق جدایی از همسر در صورت عدم امکان سازش پس از مراجعه به دادگاه و ارائه دلایل موجه و مسئولیت رعایت قوانین طلاق؛ توضیح:

«در قانون مدنی زن می‌تواند به دلایل زیر از دادگاه درخواست طلاق کند:

- ۱- هرگاه شوهر از پرداختن نفقه استنکاف نماید.
  - ۲- در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج باشد.
  - ۳- هرگاه زن از سوی شوهر وکالت در طلاق دادن داشته باشد.
- بنابر آنچه بیان شد، موجبات طلاق به درخواست زن را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

اول: مواردی که در قانون بصراحت و به گونه‌ای مشخص آمده است: مانند خودداری و ناتوانی شوهر از دادن نفقه و غیبت طولانی او، در این موارد فرض این است که ماهیت این امور چندان ناگوار و مشقت بار است که به زن این حق داده شده است که برای طلاق به دادگاه رجوع کند و قاضی نیز شوهر را اجبار به طلاق می‌نماید.

دوم: مواردی که تحت عنوان «عسر و حرج» زوجه قرار می‌گیرد مستلزم ارزیابی و بررسی توسط قاضی است. به نظر حقوقدانان، اجرای طلاق با استناد به عسر و حرج زوجه دارای چند شرط می‌باشد که عبارت است از:

۱- بایستی هنگام طرح دعوی طلاق و صدور حکم، سببی که موجب تلخ و ناگوارشدن زندگی زناشویی است موجود باشد، بطوری که برای زن مشقتی ناگوار ایجاد کرده باشد. در این صورت دادگاه برای آینده این زندگی تصمیم می‌گیرد، قانون‌گذار نیز مایل است زن را از قیدی که موجب عسر و حرج و ضرر است رها سازد فی‌الواقع در این حالت، طلاق وسیله مجازات شوهر نیست بلکه به منزله ریسمان رهایی زن است.

۲- نکته دیگر اینکه عسر و حرج یا ضرری که برای جلوگیری از آن حکم به طلاق داده می‌شود، جنبه نوعی دارد، بدین معنا که باید در نظر عرف ادامه زندگی طاقت فرسا و مشقت بار باشد. منتها از آنجائی که در هر دعوی وضع خاص زن و شوهر و شرایط زندگی زناشویی آنان مطرح می‌شود، باید «عسر و حرج» انسانی متعارف در آن شرایط خاص معیار و ملاک تصمیم‌گیری قاضی قرار گیرد، بنابراین باید پذیرفت که معیار تشخیص عسر و حرج، دارای دو جنبه نوعی و شخصی می‌باشد: نوعی است از این جهت که یک انسان متعارف و طاقت او مورد نظر قرار می‌گیرد و شخصی است به این اعتبار که وضع «انسان متعارف» در شرایط ویژه زن معیار است نه بطور نوعی. در تأیید این استنباط می‌توان گفت، با توجه به اینکه حقوق، وسیله روان‌کاوی از مدعی را ندارد و نمی‌تواند به عمق ضمیر او راه یابد ناچار بایستی بر مبنای ظاهر حکم کند و داوری عرف یا انسان متعارف را معیار داوری قرار دهد، درباره اثر شرایط زندگی، شخصیت و

وضع جسمانی روانی زن نیز عرف مبنای داوری قرار می‌گیرد.

۳- زن در اثبات «عسر و حرج» خود مدعی است و باید آن را در دادگاه ثابت کند. فرض این است که هر زندگی زناشویی به انگیزه محبت و وفاداری و اجرای تکلیف شده است و هیچ شوهری زن خود را در شرائطی خارج از حدّ توان و طاقت قرار نمی‌دهد و زمینه عسر و حرج او را فراهم نمی‌آورد و ادعای خلاف این ظاهر و فرض عرفی نیاز به اثبات دارد.»

برخی از مصداق‌های عسر و حرج زوجه عبارت می‌باشد از:

۱- خودداری شوهر از ایفای حقوق واجبه زن.

۲- سوء معاشرت و بیماری شوهر.

۳- محکومیت قطعی به حبس طولانی.

۴- ترک زندگی خانوادگی.

۵- اعتیاد مضرّی که ادامه زندگی زناشویی را تحمل ناپذیر می‌سازد.

۶- ارتکاب جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شوون زن است.

۷- امروزه راه‌های عملی جهت رهایی زن از شرایط نابسامان زندگی

خانوادگی وجود دارد که مواردی از آن را می‌توان چنین برشمرد.

بند ۴۱- حق برخورداری از فسخ نکاح در صورت تدلیس و عیوب

مقرره و اخذ خسارت در تدلیس.

توضیح:

موجبات فسخ نکاح از سوی زن عبارتند از: عیوب معین در قانون و

تدلیس.

در تعریف تدلیس باید گفت: «تدلیس»، طبق قانون عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف مقابل در عقد می‌گردد و تحقق تدلیس در نکاح از سوی زوج، هنگامی است که وی با پوشاندن معایبی که دارد (مانند: مبتلا بودن به سرطان یا ایدز) و یا نمایاندن صفاتی که در او نیست (مانند: بیسواد بودن مردی که خود را استاد دانشگاه معرفی کرده زن را فریب داده و راضی به نکاح سازد).

فسخ نکاح تنها به اراده صاحب حق واقع می‌شود و نیازی به رضای طرفین ندارد، یعنی در زمره ایقاعات است نه قراردادهای، همچنین فسخ کننده باید اهلیت داشته باشد و برای فسخ نکاح انجام تشریفات خاص و رجوع به دادگاه لازم نیست و با تصمیم صاحب حق واقع می‌شود، اگرچه باید دانست که اراده باطنی، تا زمانی که بوسیله‌ای اعلام نشده است، هیچ اثری در انحلال نکاح ندارد.

مقصود از لزوم اعلام اراده این نیست که فسخ به آگاهی طرف عقد برسد و از آن تاریخ واقع شود، همین که صاحب حق بوسیله‌ای تصمیم خود را بیان کند، نکاح منحل می‌شود، خواه طرف عقد به آن عالم یا جاهل باشد. با وجود این، برای احراز انحلال نکاح، مدعی فسخ باید در دادگاه اقامه دعوی کند و حق خود را در این باب به استناد وجود یکی از موجبات فسخ، اثبات کند. ولی این حکم جنبه اعلامی دارد فقط نشان می‌دهد که

فسخ مورد گفتگو درست بوده است یا نه و از چه تاریخی واقع شده است. به این ترتیب رجوع به دادگاه اصولاً از شرایط احراز حق فسخ و اثبات انحلال نکاح است نه از ارکان وقوع آن.

لازم به ذکر است همان گونه که زنان حق دارند که با آگاهی از صفات و شرایط واقعی خواستگار خویش اقدام به ازدواج نمایند نسبت به خواستگار خود نیز مسئول می‌باشند تا صفات خود را همان گونه که هست برای او معرفی نمایند. بنابراین اگر زنی اقدام به فریب خواستگار خود نمود و با پوشاندن عیوب خود و یا نمایاندن صفاتی غیر واقعی، مرد را فریب داده و راضی به ازدواج ساخت. (مانند اختفای بیماری سرطان و یا استفاده از لنز رنگی در مراسم خواستگاری و پس از آن تا زمان ازدواج) شوهر او پس از آگاهی، حق دارد نکاح را فسخ کند و خسارات وارده را نیز اخذ نماید. بند ۴۲- حق برخورداری زن از حقوق مادی خود هنگام انحلال خانواده و بهره‌مندی از رفتار نیکوی همسر هنگام جدایی؛

#### توضیح:

زنان حق دارند هنگام جدایی از همسر، مطابق قانون، مهریه، جهیزیه، اجرت‌المثل، نحله و حقوق مادی که مطابق شروط ضمن عقد مالک آن هستند، دریافت دارند علاوه بر آن باید گفت: قانون مدنی تأمین معاش خانواده را به عهده شوهر گذارده است، بنابراین الزام مرد به پرداختن نفقه تا زمانی ادامه دارد که بتوان او را شوهر و سرپرست خانواده نامید. پس از



انحلال نکاح، زندگی مشترک زوجین از بین می‌رود. علی‌الاصول شوهر تکلیف به انفاق زن ندارد اما این امر در قانون استثنائاتی دارد، که عبارتند از: نفقه معوقه زوجه، نفقه ایام عده طلاق رجعی و نفقه تا زمان وضع حمل. علاوه بر حقوق مادی که بیان شد، زنان در هنگام جدایی حق بهره‌مندی از رفتار نیکوی همسر را دارند

مطابق با قانون زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند (ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی)، همانطور که از ماده مذکور برمی‌آید، تکلیف زوجین در خصوص رفتار نیکو با یکدیگر به طور مطلق بیان شده بنابراین، این تکلیف در زمانی هم که زوجین در شرف جدایی و طلاق می‌باشند، قطعاً پابرجا است و مرد ملزم به رفتار مناسب و نیکو با همسرش می‌باشد. هرگونه اقدامی از سوی مرد به منظور تحت فشار قرار دادن زن برای جلب منافع مادی و بذل بخشی از حقوق شرعی و قانونی زن به شوهر، غیرقانونی است و برخلاف حقوق زن در هنگام جدایی و طلاق محسوب می‌شود و قانون باید از آن جلوگیری نماید.

**بند ۴۳- حق و مسئولیت حضانت فرزند و لزوم برخورداری از حمایت مالی پدر و حق ملاقات با فرزند در صورت انقضاء یا اسقاط دوران حضانت؛**

**توضیح:**

۱- حق و مسئولیت حضانت فرزند و لزوم برخورداری از حمایت مالی

پدر:

تا زمانی که خانواده به طور طبیعی پابرجا است و زن و شوهر در کنار یکدیگر بسر می‌برند، بی تردید نگاهداری و تربیت فرزند وظیفه مشترک آنان است، زیرا والدین حضانت فرزندان را حق و تکلیف خود تلقی نموده و یکدیگر را در به انجام رساندن هرچه بهتر آن یاری می‌کنند. اما بعد از انحلال نکاح و جدایی والدین می‌بایست مسأله حضانت فرزندان دقیقاً تبیین شود. در قانون ما، مادر تا هفت سال در نگاهداری از فرزند اولویت دارد و بعد از آن حضانت با پدر است. هرچند اگر پس از هفت سال بین والدین در خصوص حضانت فرزند، اختلافی بوجود آید، دادگاه با رعایت مصلحت فرزند تصمیم مقتضی را در این زمینه اتخاذ می‌نماید. تحلیلی که از مبنای تقدم پدر یا مادر می‌شود، بیشتر ناظر بر رعایت مصلحت طفل می‌باشد، به همین دلیل مطابق با قانون، هرگاه صحت جسمانی، سلامت روانی و تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر قرار گیرد، دادگاه حضانت او را به هر کدام از والدین که مناسب تر بداند، یا به دیگران واگذار می‌کند. در خصوص محدوده حق حضانت مادر، لازم به ذکر است که حضانت راجع به نگاهداری و تربیت کودک و ولایت ناظر به اداره اموال او است. بنابراین از آنجا که پدر ولی کودک محسوب می‌شود حتی در ایامی که حضانت کودک با مادر می‌باشد پدر وظیفه دارد تمام نیازمندیهای مادی کودک را تأمین نماید.

۲- حق ملاقات با فرزند در صورت انقضاء یا اسقاط دوران حضانت: لازم‌ه حق نگاهداری از فرزند آن است که طفل نتواند بدون اجازه سرپرست از محل سکونت خود خارج شود، فی‌الواقع نظارت بر معاشرت‌ها و ملاقات‌های فرزند جنبه تربیتی دارد و این امر نیز شامل حق و تکلیف والدین نسبت به حضانت فرزند می‌شود.

مطابق با قانون، پدر یا مادری که حضانت فرزند با او نیست، این حق را دارد که با فرزند خود ملاقات نماید و هیچ کس - حتی فردی که حق حضانت فرزند را دارا می‌باشد- نمی‌تواند او را از این حق محروم نماید. این امر، علاوه بر تأمین نیاز روانی و عاطفی مادر، شاید بتواند در تأمین و بهبود سلامت روانی کودک موثر واقع شود و بدین ترتیب با بوجود آمدن امکان ملاقات فرزند با پدر یا مادری که حضانت با او نیست، این امید وجود دارد که از تألمات روحی ناشی از فروپاشی و انحلال خانواده بر فرزندان، کاسته شود. بدین جهت در قانون به این حق و ضمانت اجرای آن تصریح شده است.

بند ۴۴- حق بهره‌مندی زن از حقوق خویش در ایام عده و برخورداری از حق ازدواج پس از انقضای عده؛

**توضیح:**

بعد از سپری شدن زمان عده، زن و شوهر سابق، نسبت به هم بیگانه می‌شوند، هر کدام می‌تواند همسر تازه انتخاب نماید و خانواده دیگری

تشکیل دهد و از این حیث بین طلاق بائن و رجعی تفاوتی موجود نیست. اما در زمان عده رجعی، طرفین می‌توانند از طلاق رجوع کنند، قانون هنوز زن را به دیده همسر می‌نگرد و احکام زوجه را بر او بار می‌کند، داشتن رابطه نامشروع با چنین زنی در حکم داشتن رابطه با زن شوهردار است. نفقه زن همچنان به عده شوهر سابق است و در صورتی که یکی از طرفین در زمان عده فوت کند دیگری از او ارث می‌برد. علاوه بر آن به شوهر سابق خود وفادار بماند، خواسته‌های مشروع او را در حفظ حیثیت خانواده بپذیرد، او را در تربیت فرزندان کمک کند مرد نیز موظف است که با او در تربیت و نگاهداری فرزندان مساعدت نماید و نمی‌تواند با خواهر این زن نکاح نماید.

اقامتگاه زن اگر در خانه زوج بماند اقامتگاه شوهر است و تابعیت شوهر نیز همچنان بر او تحمیل می‌شود و در مقابل زن می‌تواند از نام خانوادگی شوهر تا پایان عده استفاده کند.

در طلاق بائن، به خلاف طلاق رجعی، زن و شوهر کاملاً از یکدیگر جدا شده و پیوند همسری کاملاً گسیخته شده است.

هر چند قاعده «جدایی کامل دو همسر در طلاق بائن» در دو مورد با استثناء روبرو شده است: نفقه زن حامل و طلاق در مرض موت که حالت اول در مورد الزام شوهر به پرداخت نفقه به زن حامل در عده طلاق بائن می‌باشد، به این ترتیب که وی تا پایان عده طلاق بائن حق گرفتن نفقه

را دارد و حالت دوم موقعی است که شوهر، در حال مرض زن خود را طلاق دهد و ظرف یکسال از تاریخ طلاق به همان مرض بمیرد که در این صورت زوجه از او ارث می‌برد.

بند ۴۵- حق طرح دعوا در محاکم جهت ممانعت از ازدواج مجدد همسر در صورت عدم توانایی شوهر در تأمین نفقه و اجرای عدالت و سایر حقوق.

#### توضیح:

مرد نمی‌تواند در یک زمان، بیش از چهار زوجه دائم داشته باشد، در این مورد زنی هم که در عده طلاق رجعی است، در حکم زوجه مرد بشمار می‌رود.

لازم به ذکر است که حق تعدد زوجات برای مردان مقید به شروطی است که در صورت تحقق آنها، مردان مجاز به استیفاء این حق خود می‌شوند. یکی از مهمترین این شروط لزوم رعایت عدالت در بین همسران توسط شوهر می‌باشد.

مسأله‌ای که در این میان مطرح شده اینکه هیچ انسانی نمی‌تواند محبت و تمایل خود به دیگران را تحت کنترل درآورد، بنابراین طبیعی است که شوهر به برخی از همسران خود محبت قلبی بیشتری داشته باشد ولی این امر درونی نباید در رفتار و عملکرد وی به گونه‌ای نفوذ کند. که مرد عدالت را بین همسران خود رعایت نکرده باشد.

از آنجا که چند همسری مردان مشروط به رعایت عدالت بین همسران است. اگر مردی توانایی تأمین نفقه همسر دوم را نداشت و یا قادر بر تأمین سایر حقوق همسر دوم همچون حق همبستری او نبود و یا توانایی رعایت عدالت بین چند همسر را نداشت و تصمیم به ازدواج مجدد داشت همسر او حق دارد تا جهت ممانعت از ازدواج مجدد شوهر، در محکمه طرح دعوا نماید.

**بند ۴۶- مسئولیت مدنی و کیفری پدر و مادر در قبال کوتاهی از محافظت کودک و مسئولیت والدین نسبت به ممانعت از بهره‌مندی فرزندان از ملاقات با آنان؛**

#### **توضیح:**

حضانة فرزند حق و تکلیف والدین می‌باشد، بنابراین همان طور که آنان حق دارند از فرزند خود مراقبت و نگاهداری نمایند. در مقابل این تکلیف را هم دارند که از فرزند به شایستگی مواظبت کنند و در تربیت وی بکوشند و تخلف از این تکلیف برای آنان ایجاد مسئولیت می‌کند و ضمان‌آور است.

مطابق با قانون، کسی که نگاهداری و مواظبت از فرزند صغیر بر عهده او است. در صورت تقصیر در نگاهداری و مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال صغیر، زیان وارده جبران خواهد

شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت بگیرد که موجب تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد، بنابراین والدین در صورت تخلف از وظایف خود در قبال نگاهداری، مراقبت و تربیت فرزند صغیر، مسئول جبران زیان‌های وارده از ناحیه او هستند و دارای مسئولیت مدنی می‌باشند. اما درخصوص مسئولیت کیفری والدین در قبال اهمال جدی در محافظت از کودک، مطابق با قانون آنان جهت تربیت کودک در موارد ضروری حق تنبیه طفل خود را دارند ولی با استناد به این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه نمایند. مطابق با قانون مجازات، اقدامات والدین که به قصد تأدیب و حفاظت از فرزندان، در حد متعارف تأدیب و محافظت صورت می‌گیرد، جرم محسوب نمی‌شود. لیکن هرگاه والدین، در محافظت از فرزند مرتکب اعمالی خارج از حد متعارف شوند، مسئولیت کیفری خواهند داشت. همچنین مطابق با قانون، جنایات و جرایمی که توسط طفل نابالغ ارتکاب می‌یابد به منزله خطای محض است و دیه بر عهده عاقله است و پدر طفل نابالغ نیز در صورت حیات، بی‌گمان در زمره عاقله به حساب می‌آید.

هرگاه والدین به علت طلاق یا به هر دلیل دیگری جدا از یکدیگر زندگی نمایند و در یک منزل سکونت نداشته باشند، هر یک از آنان که طفل تحت حضانت او نمی‌باشد حق ملاقات با طفل خود را دارد توجه به نیازهای عاطفی فرزند از یک سو و از سوی دیگر حق پدر یا مادری که به

دلایلی از حضانت طفل خود محروم شده است، ایجاب می‌کند که والدین حق ملاقات با فرزند خود را داشته باشند. مطابق با قانون، این حق دارای ضمانت اجرای کیفری نیز می‌باشد، بدین ترتیب هرگاه کسی از ملاقات طفلی که به او سپرده شده است، با پدر یا مادری که کودک تحت حضانت او نیست، امتناع کند مسئولیت کیفری دارد و به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد.

علاوه بر آن اگر پدر یا مادری که کودک نزد او می‌باشد مراقبت کافی جهت سلامت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل ننماید به گونه‌ای که در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی آن پدر یا مادر، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، حضانت از او سلب شده و به والد دیگر و یا در موارد لزوم به فرد صالح دیگری واگذار خواهد شد.



**حقوق و مسؤلیت‌های  
اجتماعی زنان**



## فصل اول

حقوق و مسؤلیت‌های

سلامت جسمی و روانی

بند ۴۷- حق بر خورداری از سلامت جسمی، روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی با توجه به ویژگی‌های زنان در مراحل مختلف زندگی و مسئولیت حفاظت از آن.

#### توضیح:

زنان در زندگی خود مراحل متعدد و متفاوتی را تجربه می‌نمایند از جمله کودکی، دوران بلوغ، بارداری، شیردهی، سالمندی و ... .

در هر مرحله بنا به شرایط و وضعیت خاص آن باید در محیط خانواده و اجتماع به حفظ سلامت جسمی و روانی آنها به عنوان یک ضرورت دقت و نظارت کافی مبذول گردد و خانواده و دولت ابزار لازم جهت تأمین این سلامت را فراهم نماید.

بنابر اهمیت این حق، اخلال به سلامت جسمانی و روانی زنان توسط هرکس ولو پدر یا مادر یا همسر و در هر محیط، چه خانواده و چه اجتماع ممنوع و قابل پیگرد قانونی است.

مسئولیت حفاظت از سلامت جسمانی و روانی نیز علاوه بر حق بر خورداری از آن، بر عهده زنان می‌باشد و آنها باید از هر چیزی که سلامت جسمانی یا روانی آنها را تهدید می‌کند، پرهیز نمایند.

حرمت خودکشی و آسیب رساندن به خود نیز از آن ناشی می‌شود این مسئولیت از چنان اهمیتی برخوردار است که احکام و تکالیف دینی نیز در موقعی که موجب ضرر جسمانی یا روانی باشد، از انسان مکلف ساقط

می‌گردد. به طور مثال لزوم ترک روزه برای انسان بیمار.

بند ۴۸- حق بهره‌مندی از بهداشت (محیط، کار، ... ) و اطلاعات و آموزش‌های مورد نیاز.

#### توضیح:

حق زنان در بهره‌مندی از بهداشت در عرصه‌های مختلف اعم از بهداشت فردی و بهداشت محیط و بهداشت کار و ... یکی از حقوق مسلم آنان بشمار می‌رود. خصوصاً با توجه به ویژگی‌های جسمانی و خصوصیات روانی زنان حق بهره‌مندی از بهداشت محیط کار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به عنوان مثال حمل بار بیش از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی یا انجام کارهای خطرناک و زیان‌آور برای کارگران زن ممنوع است. همچنین مطابق با قانون، کار با اشعه برای افرادی که تشعشعات مزبور برای سلامتی آنان زیان‌آور است، ممنوع می‌باشد، زنان باردار نیز قطعاً یکی از گروه‌هایی هستند که اشعه برای خود و جنینشان زیان‌آور است و باید از انجام کارهای مزبور معاف شوند. تا بتوانند سلامت لازم برای خویش را فراهم سازند. علاوه بر آن، زنان حق تحصیل اطلاعات و آموزش‌های مورد نیاز در زمینه بهداشت را دارند. بدین منظور رسانه‌های گروهی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و درمان و متصدیان و کارفرمایان مربوطه ملزم به ارائه آموزش‌های لازم به منظور ارتقاء سطح آگاهی‌های زنان نسبت به مسائل بهداشتی مورد نیاز آنها می‌باشند.

بند ۴۹- حق مشارکت زنان در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در زمینه بهداشت و درمان، به ویژه در خصوص زنان.

#### توضیح:

زنان حق پذیرش و ایفای نقش در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در زمینه بهداشت و درمان بویژه در مورد مسائل مربوط به زنان را دارا می‌باشند. مشارکت زنان در سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در این زمینه می‌تواند کمک موثری به انطباق مقررات موجود با نیازها و توانایی‌های زنان در مسائل مربوط به بهداشت و درمان باشد. همچنین در یک جامعه اسلامی، حقوق زنان ایجاب می‌کند که امکان مراجعه به زنان متخصص و کارآمد در مسائل بهداشتی- درمانی در جامعه برای آنها فراهم باشد و بر مبنای همین حق می‌بایست زمینه برای مدیریت، اجرا و نظارت زنان در مسائل مربوط به بهداشت و درمان، خصوصاً در امور مربوط به زنان فراهم باشد.

بند ۵۰- حق بهره‌مندی از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب جهت پیشگیری از بیماری و درمان بیماری‌های جسمی و اختلالات روانی زنان.

#### الف) پیشگیری از بیماری‌های جسمی و اختلالات روانی

کمک به پیشگیری از بروز ناتوانی‌های جسمی و ذهنی، قبل از تولد، هنگام تولد و بعد از تولد از طریق بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی

در زمینه عوامل بروز معلولیت‌ها قابل تحقق است و نیازمند مساعدت دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط از جمله وزارت بهداشت و درمان بصورت فراگیر و عمومی در جامعه می‌باشد.

### ب) درمان بیماری‌های جسمی و اختلالات روانی

حق زنان در برخورداری از تسهیلات بهداشتی - درمانی مناسب جهت درمان بیماری‌های جسمی و روانی در همه مناطق کشور از جمله شهرهای کوچک و روستاها به شرح زیر می‌باشد:

- خدمات مناسب درمان: مانند امکان بستری شدن، در دسترس بودن پزشکان متخصص و وجود کادر پرستاری مجرب و ...

- تجهیزات پزشکی پیشرفته: مانند وجود تجهیزات سونوگرافی، رادیولوژی، سی‌تی‌اسکن و تأسیس آزمایشگاه‌های تشخیص طبی مجهز و مدرن و ...

- کلینیک‌های روان‌درمانی: جهت درمان و معالجه اختلالات روانی از جمله استرس، افسردگی و سایر بیماری‌های عصبی و ارائه خدمات گفتار درمانی و تقویت حافظه.

بند ۵۱ - حق زنان در انتخاب فرد و مرکز ارائه کننده خدمت در امر سلامت، بر اساس ضوابط اسلامی و استانداردهای علمی و پزشکی و بهره‌مندی از اطلاعات مناسب و کافی برای انتخاب آگاهانه و بهینه آنان؛  
توضیح:

این حق مسلم زنان محسوب می‌شود که در صورت نیاز به خدمات بهداشتی - درمانی، فرد یا مرکز ارائه کننده خدمات مذکور را انتخاب نمایند و همچنین هر زن حق بهره‌مندی از خدمات مذکور را در چارچوب موازین اسلامی و استانداردهای علمی - پزشکی دارد. به عنوان مثال کلیه اقدامات تشخیصی، درمانی و مراقبتی در مؤسسات پزشکی باید توسط کارکنان همجنس به عمل آید، مگر در مواردی که ضرورت خلاف این امر را ایجاب نماید.

مطابق با قوانین اساسی، حفظ نفس محترمه واجب است و جان اشخاص از تعرض مصون است، همچنین تأمین نیازهای اساسی افراد ملت از جمله نیازهای مربوط به بهداشت و درمان یکی از مهمترین مسئولیت‌های نظام جمهوری اسلامی است، بنابراین حق زنان می‌باشد که اقدامات تشخیصی، درمانی و مراقبتی ارائه شده به آنان مطابق با استانداردهای علمی - پزشکی صورت گیرد و در صورت عدم رعایت استانداردهای مذکور، برخورد قانونی با پزشکان و کارکنان فنی خاطی در نظر گرفته شود.

حق زنان در انتخاب فرد یا مرکز ارائه کننده خدمات بهداشتی - درمانی



مستلزم آن است که آنان امکان بهره‌مندی از اطلاعات مناسب و کافی برای انتخاب آگاهانه و بهینه در این زمینه را دارا باشند در غیر این صورت حق انتخاب نیز معنای خود را از دست خواهد داد.

بند ۵۳- حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی در زمینه تربیت بدنی و تفریحات سالم؛

توضیح:

#### الف) دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی

وجود اماکن و باشگاه‌های ورزشی در رشته‌های مختلف، در دسترس زنان و متناسب با ضوابط اسلامی و با رعایت اصول و مقررات بهداشتی از حقوق زنان است.

حق زنان در زمینه بهره‌مندی از امکانات ورزشی در ۲ حوزه قابل طرح است: ورزش همگانی و ورزش قهرمانی، که اولویت با ورزش همگانی است زیرا:

اولاً، با تقویت ورزش همگانی، جنبه سلامت ورزش که حق عمومی است، تأمین می‌شود، یعنی ورزش همگانی زمینه‌ساز سلامت عمومی جامعه خواهد بود.

ثانیاً، حق همه افراد جامعه در بهره‌مندی از امکانات بیت‌المال ایجاب می‌کند که سرمایه کشور در جهت منافع عمومی سوق داده شود.

### ب) آموزش تربیت بدنی

زنان حق دسترسی به امکانات ورزشی را دارند تا از آموزش در زمینه تربیت بدنی نیز بهره‌مند گردند و در صورت تمایل بتوانند در رقابت‌های ورزشی شرکت کرده و یا در فضاها و ورزشی مربی شایسته‌ای گردند.

### ج) تفریحات سالم

توجه ویژه به اوقات فراغت بانوان و برنامه‌ریزی جهت پر کردن آن به نحو مطلوب در رشد

و شکوفائی آنها و تأمین نیازهای اساسی آنان، از جمله بهره‌مندی از تفریحات سالم بسیار مفید است.

مقصود از تفریحات سالم، امری است که از نظر جسمی، روحی و اخلاقی مفسده‌ای نداشته باشد.

بطور مثال، تفریحاتی که با استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی یا مصرف قرصهای شادی‌آور همراه باشد به علت ضررهای جسمی و روحی جایز نیست، همچنین است استماع غنا و موسیقی‌های حرام و شرکت در مجالس لهو و لعب که از نظر اخلاقی ممنوع است.

علاوه بر آن، باید به رعایت موازین اسلامی هم در بهره‌مندی دختران از تفریحات سالم توجه شود. از جمله این امور عبارتند از: عدم اختلاط نامشروع زنان و مردان در اماکن ورزشی - تفریحی و عدم منافات تفریحات با تکالیف مذهبی زنان و دختران مانند رعایت حجاب اسلامی و حفظ

عفت در فضاهای ورزشی که در منظر دید مردان نامحرم است.

بند ۵۴ - حق پرورش و شکوفائی استعداد های ورزشی و حضور در میادین ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی، متناسب با موازین اسلامی؛  
توضیح:

شناخت و بررسی امکانات بالقوه و موجود در ورزش بانوان، یکی از گام‌های موثر در جهت پرورش و شکوفائی استعداد های ورزشی زنان در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشد. زنان با رعایت موازین اسلامی، حق شرکت در میادین ملی و بین‌المللی دارند. حضور زنان با ظاهری شایسته و موقر که برخاسته از اعتقاد عملی آنها به مبانی دین اسلام باشد و موفقیت‌های چشمگیر آنان در سطوح بین‌المللی می‌تواند عاملی در جهت ترویج فرهنگ عفاف و تقویت حس خودباوری و اعتماد به نفس زنان باشد. رعایت موازین اسلامی از جمله رعایت حجاب و احتراز از اختلاط بی‌قید و بند، از اموری است که می‌بایست زنان به هنگام حضور در مسابقات ورزشی بین‌المللی مورد توجه قرار دهند و در صورت رعایت موازین فوق، قطعاً زنان حق حضور موثر در صحنه‌های ورزشی چه در سطوح ملی و چه در سطوح بین‌المللی را خواهند داشت.

توسعه و تقویت فعالیت‌های بین‌المللی ورزش زنان در بین کشورهای اسلامی و رعایت موازین اسلامی مربوطه، می‌تواند منجر به معرفی و گسترش فرهنگ اسلامی و ارائه الگوی جدیدی از ورزش بانوان در

عرصه‌های بین‌المللی شود.

بند ۵۵- حق برخورداری از بهداشت باروری و بارداری، زایمان سالم، مراقبت‌های بهداشتی پس از زایمان با استفاده از زنان متخصص و پیشگیری و درمان بیماری‌های شایع زنان، بیماری‌های مقاربتی و نازایی آنان.

#### توضیح:

امکانات مناسب جهت پیشگیری از ابتلاء به بیماری‌های خاص زنان، علاوه بر خدمات مشاوره‌ای فراگیر و افزایش سطح آگاهی‌های زنان، شامل دسترسی همه آنها به محصولات و تولیدات بهداشتی لازم با هزینه مناسب می‌شود.

حق بهره‌مندی بانوان از خدمات درمانی پزشکان و متخصصان زن جهت انجام مشاوره‌های پزشکی و معاینات مستمر در طول دوران بارداری و سایر موارد لازم، جهت حفظ سلامت آنها ضروری است.

همچنین استفاده از تجهیزات و شیوه‌های پزشکی مدرن برای انجام زایمان‌های بی‌خطر و اعمال جراحی دیگر و ارائه خدمات پرستاری مطلوب و مطابق با استانداردهای لازم پس از زایمان و بطور کلی در همه موارد بستری توسط کادر درمانی زن نیز از حقوق اجتماعی زنان می‌باشد. بهره‌مندی زنان از حق مذکور، چه برای درمان بیماری‌های زنان و چه برای مراقبت‌های پزشکی و پرستاری منوط به ایفای مسئولیت دولت جهت

تربیت نیروی متخصص زن می‌باشد.

**بند ۵۶ - حق برخورداری از خدمات مشاوره‌ای و آزمایش‌های پزشکی به منظور اطمینان از سلامت کامل مرد در امر ازدواج و در حین ازدواج؛ توضیح:**

قبل از ازدواج، اطمینان از سلامت جسمی و روانی مردی که به عنوان شوهر با او زندگی خواهد کرد، از حقوق زنان می‌باشد و به منظور تأمین این حق، زن می‌تواند انجام آزمایش‌های پزشکی و حضور در جلسات مشاوره‌ای را از مرد مطالبه نماید و مرد هم باید در این امور مساعدت‌های لازم را مبذول نماید.

بعد از ازدواج، نیز در روابط با همسر، چنانچه زن احتمال دهد شوهر به یکی از بیماری‌های صعب‌العلاج و مسری مانند ایدز و یا امراض مقاربتی مبتلا و یا دچار اختلالات روحی مانند جنون شده است، حق دارد تا از آزمایش‌های پزشکی مورد نیاز و خدمات مشاوره‌ای بهره‌مند شود.

در قوانین و احکام شرع، مجازات‌هایی برای کتمان و پنهان‌کاری شوهر از اینکه به بیماری‌های جسمی و روحی مبتلاست پیش بینی و وی به جبران خسارات و لطمات مادی و معنوی وارد به زن الزام شده است.

بند ۵۷ - حق بهره‌مندی دختران بی‌سرپرست، زنان مطلقه، بیوه، سالخورده و خودسرپرست نیازمند از بیمه‌های عمومی، خدمات مددکاری و بیمه‌های خاص به ویژه در بخش بهداشت و درمان.

#### توضیح:

اقتدار نیازمند زنان حق برخورداری از حمایت‌های جسمانی و روانی را دارا می‌باشند، بدین منظور می‌بایست خدمات مددکاری و بیمه‌های خاص بویژه در بخش بهداشت و درمان به آنان ارائه شود، تا زمینه خودکفائی آنان در جامعه فراهم گردد.

مطابق با قانون حق برخورداری از خدمات مددکاری و بیمه‌های خاص به ویژه در بخش بهداشت و درمان، مختص به افراد نیازمند می‌باشد به همین جهت گروه‌هایی که مشمول حمایت‌های مذکور می‌باشند مورد تصریح قرار گرفته است و حمایت‌های مذکور در صورتی «حق» زنان تلقی می‌شود که ویژگی‌های استحقاق را داشته باشند، در غیر این صورت حق افراد محسوب نمی‌شود اگرچه توسعه و تقویت آنها در جامعه باعث افزایش رفاه عمومی است.

بند ۵۸ - حق زنان و دختران آسیب‌دیده جسمی، ذهنی، روانی و در معرض آسیب از امدادسانی و توانبخشی مناسب؛

#### توضیح:

«زنان و دختران آسیب‌دیده جسمی، ذهنی و روانی» شامل معلولین

جسمی و ذهنی است که فاقد توانایی‌های کافی برای اداره امور زندگی خود می‌باشند و لازم است برای ادامه زندگی، از سوی دولت تحت پوشش خدمات مددکاری و توانبخشی قرار گیرد، تا با آگاه‌سازی افراد معلول و خانواده‌های آنان و بکارگیری روشهای توانبخشی نوین با مشارکت فرد معلول، خانواده او و سایر افراد جامعه با استفاده از منابع و امکانات موجود در جامعه و پرداخت کمک هزینه‌های آموزش و نگهداری معلولین در خانواده برای حمایت از آموزش و نگهداری معلولین توسط خانواده، در جهت سازگاری آنان با محیط، قدم‌های موثری برداشته شود.

«زنان و دختران در معرض آسیب» به زنان و دخترانی گفته می‌شود که به دلایلی چون متشنج بودن خانواده به علت زندانی بودن والدین و یا اعتیاد آنها یا اختلالات روانی، فاقد سرپرست شایسته می‌باشند و آمادگی جسمانی و روانی لازم را برای زندگی مستقل ندارند و احتمال آسیب‌پذیری آنها زیاد است.

«امدادرسانی» شامل ارائه خدمات درمانی و مشاوره‌ای مختص به زنان و دختران آسیب‌دیده یا در معرض آسیب می‌باشد.

«توانبخشی» مجموعه تدابیر و اقداماتی است که به منظور بازتوانی و بهبود وضع جسمی، روانی، اجتماعی، خانوادگی، آموزشی، حرفه‌ای و اقتصادی فرد معلول انجام می‌پذیرد تا اینکه شخص بتواند در بالاترین سطح ممکن فعالیت قرار گرفته حتی‌الامکان مستقل زندگی نماید.

بند ۵۹- حق بهره‌مندی از تغذیه سالم خصوصاً در دوران بارداری و شیردهی و وظیفه مراقبت از کودک و تغذیه مناسب او، با اولویت استفاده از شیر مادر.

#### توضیح:

نیاز هر انسان به تغذیه یک امر کاملاً طبیعی و بدیهی است و در مورد زنان بخصوص در دوران بارداری و شیردهی بنا به وضعیت خاص جسمی‌شان- که هم از نظر روحی و هم از نظر جسمی نیازمند حمایت‌های مؤثرتری هستند و نیز به دلیل نیاز ویژه جنین و فرزند شیرخوار از اهمیت بیشتری برخوردار است

برخورداری زنان از تغذیه سالم بنا به شرایط و نیازهای جسمی‌شان بستگی دارد به:

اولاً، افزایش آگاهی زنان در اینکه اساساً از نظر علمی، یک تغذیه سالم شامل چه مواد غذایی و واجد چه ویژگی‌هایی است.

ثانیاً، وجود امکان دسترسی همه زنان به مواد غذایی سالم، از هر قشر و با هر سطح درآمدی که باشند و این نیازمند تسهیلاتی است که دولت موظف به فراهم نمودن آنها است.

فرزند پس از تولد بنا به نیاز طبیعی خود، نیازمند مراقبت و محبت ویژه است و مادر نیز بنابر درون مایه‌های فطری، در مراقبت و نگهداری از او بر سایرین مقدم می‌باشد، اما علاوه بر حق نگهداری از فرزند، مادر موظف به



انجام آن نیز می‌باشد و نباید از ایفای این تکلیف خود امتناع ورزد. مادر، در ضمن مراقبت و نگهداری از طفل، مجبور نیست که به او شیر دهد مگر در صورتی که تنها منبع تغذیه طفل، شیر مادر باشد که در این حالت از جهت لزوم حفظ حیات فرزند، ملزم به دادن شیر می‌شود. با این وجود توصیه‌های مؤکدی در اسلام وجود دارد برای اینکه مادران، فرزند خود را از این موهبت و ثمرات مفید آن محروم ننمایند، همچنین امروز، از نظر علمی، پزشکان و روانشناسان، بهره‌مندی اطفال از شیر مادر را از عوامل مهم در سلامت جسمی و روحی آنها می‌دانند.



## فصل دوم

# حقوق و مسئولیت‌های فرهنگی

## الف: فرهنگ عمومی

بند ۶۰- حق و مسئولیت در کسب و افزایش آگاهی نسبت به شخصیت، حقوق و نقش خویش در عرصه‌های مختلف زندگی منطبق با آیین مقدس اسلام.

### توضیح:

زنان می‌بایست با بکارگیری امکانات، توانایی‌ها و تخصص‌های مربوطه، تلاش خود را در راستای کسب و افزایش آگاهی‌های لازم در خصوص شخصیت، حقوق و نقش خود در عرصه‌های مختلف زندگی بکار گیرند و این امر زمانی محقق می‌شود که شناخت کامل نسبت به جایگاه زن در آیین مقدس اسلام فراهم شود.

بند ۶۱- حق مصونیت از تعرض گفتاری و رفتاری دیگران و مسئولیت گفتار و رفتار خویش همراه با احترام نسبت به اعضای جامعه.

### توضیح:

## الف) حق مصونیت از تعرض گفتاری

این حق زنان شامل ممنوعیت هر نوع اذیت و آزاری است که توسط گفتار و کلام دیگران به بانوان ممکن است وارد شود مانند:

- ممنوعیت تحقیر زبانی بانوان به هر عنوان و توسط هرکس اعم از همسر یا والدین یا فرزندان.

- ممنوعیت غیبت‌کردن و تهمت‌زدن نسبت به زنان.

- لزوم رعایت احترام و ادب در سخن گفتن با آنها بخصوص نسبت به زنان سالخورده توسط اعضای خانواده: « ولا تقل لهما أفٍ »  
- ممنوعیت هر کلامی نسبت به زنان که موجب آزار و اذیت روحی آنها می‌شود ولو به قصد شوخی یا مزاح و در هر محیطی مانند محل اشتغال یا اماکن تفریحی و...  
- لزوم اجتناب از هر گفتاری که به نوعی حیثیت و آبروی زنان را خدشه دار کند.

### ب) حق مصونیت از تعرض رفتاری

تعرضات رفتاری شامل هر نوع آزار جسمانی است که به زنان وارد می‌شود مانند ورود صدمات جسمی به علت ضرب و جرح زنان و یا تعرضات جنسی، همچنین ایجاد مزاحمت در اماکن عمومی یا معابر با انجام حرکاتی که مخالف شئون آنان می‌باشد، که طبق قانون ممنوع و دارای پیگرد کیفری است.

### ج) مسئولیت گفتار و رفتار همراه با احترام

زنان علاوه بر اینکه از حق مصونیت از تعرض رفتاری و رفتاری دیگران، برخوردارند، در روابط اجتماعی خود دارای مسئولیت گفتار و رفتار همراه با احترام به سایرین می‌باشند بنابراین نه در کلام و نه عمل نباید حقی از حقوق کسی را تضییع نمایند.

بند ۶۲- حق و مسئولیت برخورداری از امکان عمل به احکام اسلامی در پوشش اسلامی و مسئولیت رعایت عفاف در جامعه.  
توضیح:

احترام به کرامت و حیثیت انسان‌ها سبب شده است که در احکام اسلامی افراد به مراعات اسلوب خاصی در معاشرت‌های اجتماعی خویش دعوت شوند که از آن جمله التزام به رعایت عفاف و پوشش مناسب می‌باشد.

اهمیت نقش زنان در تأمین مصالح اجتماعی و اخلاقی جامعه تا آنجاست که مسئولیت آنها در استفاده از پوشش مناسب و حدود آن در آیات قرآنی و نیز در روایات متعدد تأکید و عفاف و رعایت حجاب لازمه ارتقای حیات معنوی آنها شمرده شده است.

علاوه بر مسئولیت زنان در رعایت عفاف و پوشش اسلامی، برخورداری آنها از امور مذکور، حق فردی و اجتماعی بانوان است و در جامعه باید زمینه برای بهره‌مندی آنان از امور مذکور فراهم باشد، بنابراین زنان بعنوان افرادی از جامعه در رعایت عفاف و استفاده از پوشش اسلامی به منظور حفظ ارزش‌های انسانی و کرامت خویش از آزادی برخوردار می‌باشند و کسی نمی‌تواند مانع آنها شود و یا بدین علت بانوان را از حق یا حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی یا سیاسی محروم نماید.

بطور مثال ممانعت از اشتغال یا تحصیل زنان با پوشش اسلامی و یا

اجبار آنان به فعالیت در محیط‌هایی که در آنجا عفت و شئون اخلاقی زنان نادیده گرفته می‌شود ممنوع و خلاف اصل احترام به حقوق و آزادی‌های فردی، افراد جامعه می‌باشد.

بند ۶۳ - حق و مسئولیت ارتقای بینش، منش و کنش دینی و انسانی و مصونیت از ناهنجاری‌های فرهنگی و اخلاقی و رفع آن؛

### توضیح:

اساساً هر فرد در سه حوزه دارای حقوق و تکالیف دینی و انسانی است و زنان نیز مسلماً با توجه به ویژگی‌ها و نیازهای طبیعی خود از این امر مستثنی نمی‌باشند و دارای حقوق و تکالیف متناسب می‌باشند. این سه حوزه عبارت است از:

۱- حوزه اندیشه (بینش): در حقوق اسلامی بر مسأله اندیشیدن و ارتقاء سطح تفکر تأکید فراوان شده است. بنابراین زنان موظف هستند که در ارتقای اندیشه دینی و انسانی خود بکوشند و حکومت نیز وظیفه دارد انجام این عمل را تسهیل نماید. هیچ فردی نیز حق ندارد مانع استیفای این حق زن گردد.

۲- حوزه اخلاق (منش): هدف از خلقت انسان، تکامل و تعالی او است و لازمه تعالی انسان آن است که همه افراد از جمله زنان، به تخلق اخلاق پاک و فضایل انسانی و دینی و احتراز از برخی صفات اخلاقی مذموم و ناپسند ملزم شوند.

۳- حوزه رفتار (کنش): رفتار که ریشه در اندیشه و اخلاق فرد دارد، اعمالی است که از فرد بروز می‌کند. در حوزه رفتار نیز زنان وظیفه دارند بر گستره عمق رفتار دینی و انسانی خود بیفزایند و نه تنها سایر افراد حق ممانعت از این استیفاء حق زن را دارند بلکه خانواده و حکومت وظیفه دارند تا به زنان در ارتقای رفتار دینی و انسانی خود یاری نمایند.

پایبندی به اصول انسانیت توسط افراد جامعه از جمله زنان یکی از مسائلی است که در احکام دینی مورد تأکید قرار گرفته تا آنجا که در متون دینی اشاره شده به اینکه اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید و این امر مستلزم آن است که افراد غیردیندار در جامعه هم حق برخورداری و هم تکلیف رعایت اصول انسانی را دارا باشند و اما افراد دیندار هم مسلماً خود را پای بند به اصول انسانی می‌دانند، زیرا احکام دین چیزی جز توجه به اصلاح هرچه زودتر و بهتر زندگی انسانها نمی‌باشد و نتیجه آن هم پاک شدن و تطهیر جامعه از ناهنجاری‌های اخلاقی و فرهنگی است. زنان علاوه بر آنکه وظیفه دارند خویشان را از ناهنجاری‌های فرهنگی و اخلاقی مصون دارند حق دارند تا در محیطی عاری از این ناهنجاری‌ها زندگی کنند علاوه بر آن، در رویکرد دینی، افراد جامعه از زنان نسبت به سایر افراد جامعه بی‌تفاوت نمی‌باشند و بی‌خیال از کنار ناهنجاری‌های اخلاقی دیگران عبور نمی‌کنند، بلکه خود را ملزم به دستگیری از صاحبان رفتارهای نادرست می‌دانند.

اصلاح سه حوزه بینش، منش و کنش در راستای اصول دینی و انسانی،



فرد را در چارچوبی قرار می‌دهد که نه تنها از هرگونه بی‌قیدی و لاپالی‌گری مصون می‌ماند، بلکه درصدد اصلاح و رفع ناهنجاری‌های اخلاقی دیگران نیز برخواهد آمد.

### بند ۶۴- حق شرکت در اجتماعات عبادی، فرهنگی و سیاسی.

#### توضیح:

زنان حق شرکت در اجتماعات عبادی نظیر حج، نماز جمعه، نماز عید فطر را دارند، البته لازم به ذکر است که حتی در مواردی این حق به عنوان تکلیف واجب برای آنان تلقی می‌شود، به طور مثال هر فرد مسلمان اعم از زن و مرد، به محض آنکه شرایط استطاعت مالی را احراز نمود، موظف به بجا آوردن حج تمتع می‌باشد و در این میان تفاوتی میان زن و مرد نیست. علاوه بر اجتماعات عبادی، شرکت در اجتماعات فرهنگی نظیر مراسم سخنرانی، سمینارها و... نیز یکی از حقوق فرهنگی زنان محسوب می‌شود و حتی در مواردی ممکن است با حضور زنان در اجتماعات مزبور، زمینه برای استیفاء سایر حقوق فرهنگی زنان توسط آنان فراهم گردد. به عنوان نمونه زنان حق و مسئولیت دارند با کسب و افزایش آگاهی و تصحیح باورهای خود و جامعه نسبت به شخصیت، حقوق و نقش زن در عرصه‌های مختلف مطابق با موازین شرعی اقدام نمایند و این امر مستلزم آن است که زنان نسبت به جایگاه زن در اسلام، حقوق و نقش‌های او در عرصه‌های مختلف شناخت حاصل نمایند و یکی از راه‌های تحصیل این

شناخت، شرکت مستمر و موثر زنان در جلسات فرهنگی و مذهبی است که بدین منظور ترتیب داده شده است. علاوه بر آن، حق و مسئولیت زنان نسبت به کسب آگاهی و مهارت‌های لازم در ارتباط با ایفای هرچه بهتر نقش خود در خانواده و نیز حق و مسئولیت زنان در ارتقاء و تعمیق بینش، منش و کنش و توسعه رفتار دینی و انسانی و مصونیت از ناهنجاری‌های اخلاقی ایجاب می‌کند که زنان حق حضور در مجامع فرهنگی و عبادی و تلاش در جهت اعتلای سطح فرهنگی خود را دارا می‌باشند. از جمله دیگر حقوق زنان حق شرکت در اجتماعات سیاسی می‌باشد. در موارد بسیار نیز حضور چشمگیر زنان در تظاهرات و راهپیمایی‌ها و یا حضور فعال زنان در اجتماعات مربوط به حمایت و پشتیبانی از دفاع مقدس جهت آماده کردن وسایل و امکانات مورد نیاز رزمندگان، تأثیر بسزایی در ایجاد و تحکیم نظام اسلامی داشته است. نکته جالب توجه آن است که زنان در استیفاء حق مشارکت در اجتماعات فرهنگی و عبادی و سیاسی ملزم به رعایت مصالح ملی و موازین اسلامی، می‌باشند، بنابراین اگر در زمانی با توجه به اوضاع و شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی موجود، دولت تشکیل برخی از اجتماعات عبادی یا فرهنگی را مغایر مصالح ملی، امنیتی و موازین شرعی تشخیص دهد، همه افراد جامعه اعم از زن و مرد ملزم به تبعیت از آن می‌باشند. به عنوان مثال اگر برخی از اجتماعات، علی‌الظاهر فرهنگی باشند ولی فی‌الواقع باعث ترویج فساد و ناهنجاری‌های فرهنگی

و یا درصدد تضعیف نظام اسلامی و مقابله با آن باشد یا منجر به ایجاد تفرقه و اختلاف در بین مسلمانان گردد زنان می‌بایست از حضور در آنها احتراز نمایند.

**بند ۶۵ - حق تولید برنامه‌ها و کالاهای فرهنگی سالم و بهره‌مندی از آنها.**

#### **توضیح:**

برنامه‌ها و کالاهای فرهنگی سالم، کلیه فعالیت‌ها و محصولات فرهنگی است که در رشد و تکامل شخصیت انسان و شکوفائی او و اعتلای فرهنگ جامعه اسلامی و غنی ساختن آن، موثر می‌باشد و برخی از مصادیق آنها عبارتند از:

- تألیف و ترجمه کتاب در زمینه‌های مختلف علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و...

- انتشار مجلات تخصصی و غیرتخصصی و یا نشر روزنامه.

- تولید فیلم سینمایی و یا برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی

- دسترسی به کالاهای نرم افزاری از جمله سایت‌های اینترنتی و یا

CDهای مورد نیاز در زمینه علمی و فرهنگی و ...

- برگزاری سمینارها و نشست‌های عمومی یا تخصصی در زمینه‌های

علمی، فرهنگی، اجتماعی که تولید و بهره‌مندی از آنها و از سایر برنامه‌های

فرهنگی، جهت رشد و شکوفائی اجتماعی و علمی بانوان از حقوق آنها

محسوب می‌شود و جهت تسهیل استفاده زنان و شرکتشان در اینگونه فعالیت‌های فرهنگی باید توسط دولت برنامه‌ریزی شود.

زنان همان‌گونه که حق تولید برنامه‌ها و کالاهای فرهنگی سالم را دارند از تولید برنامه و کالای غیرسالم نیز منع شده‌اند. این امر از آن جهت که همواره برخی فعالیت‌های فرهنگی در جهان با سوءاستفاده ابزاری از جاذبه جنسی زنان درصدد توسعه آثار خود بوده‌اند و برخی زنان نیز نقش چشمگیر در این امر داشته‌اند حائز اهمیت است. بنابراین زنان از تولید برنامه یا کالای تلویزیونی و یا طرح مطالب شهوت‌انگیز در کتب یا نشریات پرداخته منع شده‌اند و نیز زنان حق ندارند با استفاده از برخی حقوق فرهنگی خود اقدام به تولید برنامه و کالای فرهنگی نمایند که مطالب مغایر با موازین اسلامی و یا مصالح ملی را ترویج می‌نماید.

**بند ۶۶- حق تشکیل و اداره مراکز و سازمان‌های فرهنگی - هنری توسط زنان به منظور تربیت زنان متعهد و متخصص جهت توسعه فعالیت‌های فرهنگی آنان؛**

**توضیح:**

رشد و پرورش قابلیت‌های فرهنگی و هنری زنان در عرصه‌های مختلف مستلزم آن است که برنامه‌ریزی‌های انجام شده در این زمینه متناسب با نیازها و توانایی‌های زنان صورت گیرد و این امر ایجاب می‌کند که زمینه برای تربیت زنان متخصص و متعهد به منظور تشکیل و اداره مراکز

و سازمان‌های فرهنگی و هنری فراهم گردد زیرا از یک سو بنظر می‌رسد که آنها نسبت به شناخت توانایی‌ها و نیازهای خود در مقایسه با مردان از اولویت برخوردارند، بنابراین ممکن است حضور در اداره و تشکیل سازمان‌های فرهنگی و هنری، بهبود وضعیت فرهنگی زنان جامعه را در پی داشته باشد، از سوی دیگر مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق اجتماعی، فرهنگی و ... با رعایت موازین اسلام برخوردارند، بنابراین رعایت اصل تساوی در جامعه ایجاد می‌کند که اولاً برای زنان نیز همچون مردان زمینه برای تربیت نیروهای متخصص و متعهد در امور فرهنگی فراهم شود و ثانیاً زنان نیز پس از احراز شرایط لازم حق پذیرش و ایفای نقش در تشکیل و اداره مراکز و سازمان‌های فرهنگی و هنری را داشته باشند.

**بند ۶۷- حق تبادل اطلاعات و ارتباطات فرهنگی سازنده در ابعاد ملی و بین‌المللی.**

**توضیح:**

«اطلاعات» کلیه یافته‌های نظری و علمی در زمینه‌های فرهنگی را شامل می‌شود که زنان در تبادل آنها چه به عنوان عرضه کننده و چه به عنوان دریافت کننده دارای حق هستند.

«ارتباطات فرهنگی» روابط متقابلی است که بر مبنای اندیشه و هنر

اصیل شکل می‌گیرد از جمله آن می‌توان به تدوین کتاب و نشر آن، حضور در سمینارهای علمی، فرهنگی، شرکت در مسابقات علمی، فرهنگی، اجرای تئاتر، موسیقی و تولید فیلم اشاره نمود که شرکت و فعالیت در این زمینه‌ها حق همه افراد جامعه می‌باشد، البته با در نظر گرفتن این امر که ارتباطات فرهنگی و تبادل اطلاعات تنها در صورت «سازنده بودن» آنها، حق محسوب می‌شود.

بنابراین چنانچه این روابط دارای اثر مخرب بر اخلاق اجتماع یا بر ارکان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور باشند و یا موجب تضعیف نظام اسلامی در مجامع بین‌المللی یا تخدیش دین مبین اسلام و یا افزایش سلطه فرهنگی بیگانگان بر کشور یا تحقیر فرهنگ خودی شود نه تنها حق نیست، بلکه ممنوع نیز می‌باشد.

از جمله ارتباطات فرهنگی غیرسازنده می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:  
- نمایش فیلمهای ایرانی که مشکلات و معضلات داخلی کشور را با بزرگنمایی و توأم با سوءنیت به تصویر می‌کشد در سطح بین‌المللی.  
- افشای اسرار امنیتی، سیاسی کشور ایران در قالب فیلم، کتاب یا مقاله  
- ترجمه رمان‌ها، اشعار و آثار خارجی که با قصد اضرار به فرهنگ و

عقیده مسلمانان

بند ۶۸ - حق و مسئولیت زنان در ترویج معارف و فرهنگ اسلام و ارائه الگوی زن مسلمان در سطح ملی و بین‌المللی.

توضیح:

زنان به دلیل وجود امر به معروف و نهی از منکر وظیفه دارند تا فرهنگ و معارف اسلامی را متناسب با توان خویش گسترش دهند و کسی نیز نمی‌تواند مانع آنان در انجام این واجب شرعی گردد. رفتار و گفتار آنان نیز می‌بایست چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی نشان دهنده شخصیت زن مسلمان باشد.

بند ۶۹ - حق و مسئولیت زنان در ایجاد همگرایی با رویکرد اخلاقی، دینی در مسائل زنان در سطح بین‌المللی.

توضیح:

امروزه به منظور برقراری ارتباط فعال، موثر و سازنده با کشورها و ملت‌های دیگر جهان و نیز تحکیم پیوند مودت و تقویت همبستگی با مسلمانان، بسط پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جهان و حفظ تداوم و استحکام آن در مسائل زنان به عنوان یک ضرورت، هم حق، هم مسئولیت بانوان می‌باشد.

ایجاد همگرایی با «رویکرد اخلاقی» در سطح بین‌المللی با ارائه ارزش‌های محکم و ثابت عقلی و فطری برای حل معضلات و مشکلات خاص زنان حاصل می‌شود و هر وجدان بیداری با هر تابعیت و از هر

نژادی آن را تأیید می‌نماید و می‌پذیرد بدون اینکه حتی مقید به عقاید مذهبی باشد بطور مثال همجنس‌بازی و رواج آن توسط بسیاری از افراد در جوامع غربی و از جمله اندیشمندان و صاحب‌نظران به عنوان یک عمل ضد انسانی و غیراخلاقی مذمّت و تقبیح شده است.

ایجاد همگرایی با «رویکرد دینی» در مسائل زنان در سطح بین‌المللی در دو حوزه مورد نظر می‌باشد:

اول، با پیروان ادیان خصوصاً ادیان توحیدی که همه دارای مفاهیم مشترک فراوانی در اعتقادات می‌باشند و توجه و تأمل بر این اشتراکات موجب انتخاب راهکارهای یکسان و موثر و در نتیجه اصلاح وضعیت زنان در برخی موقعیت‌ها خواهد شد.

دوم، با پیروان دین اسلام در جهان است که ثمره آن وحدت و همبستگی مسلمانان، تقویت بنیه اندیشه اسلامی و گسترش آن در جهان می‌باشد و در سایه این همگرایی بین ملت‌های مسلمان است که استقلال فرهنگی «امت واحده» در همه امور و از جمله مسائل زنان حفظ و در حل مشکلات آنها به کار خواهد آمد.

بند ۷۰- حق مشارکت در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، اجراء و نظارت در امور فرهنگی به ویژه در خصوص مسائل زنان؛

توضیح:

از آنجائی که وضع قوانین و مقررات مقتضی و متناسب با نیازهای



فرهنگی زنان و تسهیل زمینه به منظور اغنا و شکوفایی هر چه بیشتر استعداد‌های زنان در ابعاد فرهنگی مستلزم توجه به اوضاع، شرایط و نیازهای فرهنگی زنان مطابق با واقع می‌باشد، قطعاً حضور و مشارکت فعال زنان- که آشناتر به مسایل مربوط به خود می‌باشند- در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، اجرا و نظارت در امور فرهنگی می‌تواند به ایجاد یافته‌هایی مطابق با واقعیت‌های موجود در جامعه بیانجامد و در نتیجه به تأمین حقوق زنان در ابعاد مختلف فرهنگی کمک نماید. همچنین حق مشارکت زنان در امور مذکور ایجاب می‌کند که برنامه‌های لازم جهت پرورش زنان پویا و کارآمد و توسعه فعالیت‌های فرهنگی آنان فراهم شود تا بدین ترتیب، آنان بتوانند در اعتلاء فرهنگ عمومی جامعه و ارائه توانمندی‌های فرهنگی سازنده خود به منظور بهبود وضعیت فرهنگی موجود خصوصاً وضعیت زنان گام بردارند.

بند ۷۱- حق و مسئولیت آگاهی و کسب مهارت‌های لازم در مدیریت خانه و خانواده، تربیت و پرورش فرزند و مقابله با آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی.

توضیح:

اهمیت نقش زنان در خانواده بعنوان همسر و مادر ایجاب می‌کند که دختران قبل از ازدواج، حین ازدواج و پس از آن، آمادگی‌های لازم را در مدیریت خانه و اداره خانواده کسب نمایند که از جمله آنها عبارتند از:

- چگونگی بهبود روابط زن و شوهر و توجه به نیازها و خواسته‌های هر یک و کاستن از اختلافات خانوادگی و ناهنجاری‌های ناشی از آن.  
- برقراری ارتباط صحیح با فرزندان و تأمین نیازهای عاطفی و روانی آنها در محیط خانواده و تربیت اخلاقی و دینی فرزندان.  
- اداره صحیح امور خانه با توجه به امکانات موجود و ویژگی‌های روحی و جسمی هریک از اعضا.

- تنظیم روابط خانوادگی سالم با اقوام و خویشان خود و همسر.  
- انتخاب راه حل‌های منطقی و کارآمد در مواقع بحرانی و در صورت بروز مشکلات و اختلافات و راه‌های برقراری امنیت و آرامش در خانواده.  
و ...

همچنین زنان حق و مسئولیت دارند تا آگاهی و مهارت لازم را جهت مقابله با آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی که سلامت جسمانی و معنوی آنان و یا خانواده آنها را تهدید می‌کند بدست آورند و برای استیفای این حق، خانواده و دولت وظایف خاص خویش را دارد.

بند ۷۲- حق بهره‌مندی از نظارت مستمر بر فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با زنان به منظور حفظ شخصیت، حرمت و کرامت انسانی زن در محصولات فرهنگی.

توضیح:

یکی از حقوق فردی زنان برخورداری از حرمت و کرامت انسانی

است و بر مبنای همین حق دولت موظف به اعمال نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی می‌باشد تا فعالیت‌ها و محصولات فرهنگی به عنوان وسیله‌ای برای نقض حق مزبور بکار گرفته نشود، بدین جهت هرگونه استفاده ابزاری از جنس زن در محصولات فرهنگی اعم از فیلم‌ها، نمایش‌ها، عکس‌ها و ارائه چهره مبتذل از زن و تحقیر وی ممنوع است. از آنجائی که یکی از برنامه‌ها و اهداف اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، توجه به رعایت حقوق فردی و اجتماعی و ترویج و تحکیم فضائل اخلاقی و حفظ شخصیت و کرامت انسانها می‌باشد، این حق برای زنان وجود دارد که در صورت تخدیش شخصیت و موقعیت خود در جایگاه‌های مختلف و تعرّض به کرامت انسانی آنان خواهان احقاق حقوق فردی خود شوند.

همچنین در رسانه‌های دیداری و شنیداری، ارائه الگوهای مناسب برای زنان، تبیین نقش و جایگاه زن در موقعیت‌های مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی مطابق با شخصیت و کرامت انسانی وی و به دور از هرگونه توجه به جاذبه‌های جنسی زنانه او، یکی از اهداف مهم اعمال نظارت بر این گونه فعالیت‌ها می‌باشد.

بند ۷۳- حق بهره‌مندی از مراکز فرهنگی ویژه بانوان با رعایت ضوابط اسلامی و با توجه به خصوصیات روحی و جسمی آنان و با اولویت مناطق محروم.

#### توضیح:

دسترسی زنان به محیط‌های مناسب لازمه اعمال حق آنان برای انجام فعالیت‌های فرهنگی در جامعه است و برای تحقق آن باید دستگاه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط مکان‌هایی را که از هر لحاظ از جمله معماری و موقعیت جغرافیایی با ویژگی‌های جسمی و روانی بانوان مساعد است مهیا نمایند این مراکز فرهنگی از نظر رعایت ضوابط اسلامی باید به گونه‌ای باشد که از نظر حفظ حجاب و عدم اختلاط نامشروع با نامحرمان بنا به نوع فعالیت خود در آن جا آسوده باشند و به راحتی به فعالیت بپردازند. از آنجا که یکی از اهداف نظام اسلامی رفع محرومیت و حمایت از مستضعفان است. بنابراین در بهره‌مندی از امکانات مختلف از جمله مراکز فرهنگی ویژه بانوان، مناطق محروم در اولویت می‌باشند.

بند ۷۴- حق برخورداری زنان آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر اجتماعی از حمایت‌های مناسب به منظور بهبود وضعیت فرهنگی خود و جامعه.

#### توضیح:

حمایت‌های موثر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از زنان آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر از جهت تأثیر این قشر بر فرهنگ عمومی جامعه دارای اهمیت

فراوانی است.

برخی از مصادیق زنان آسیب‌دیده یا آسیب‌پذیر اجتماعی عبارتند از:  
- زنان مجرمی که پس از تحمّل مجازات از جمله حبس و... به جامعه بازگشته‌اند.

- زنان معتاد به مواد مخدر.

- زنان بی‌سرپرست به علت فوت همسر یا طلاق که فاقد منبع درآمد کافی هستند.

- دختران بی‌سرپرست.

- زنان و دختران بدسرپرست به طور مثال هنگامی که سرپرست مبتلا به اعتیاد یا فساد اخلاقی است یا سرپرست به علت ارتکاب جرم در زندان و دور از خانواده می‌باشد.

- زنان و دختران در معرض فساد اخلاقی.

حمایت‌های قانونی مناسب از زنان آسیب‌دیده یا آسیب‌پذیر اجتماعی به این منظور انجام می‌شود که:

اولاً، سلامت جسمی و روانی این زنان نیز به عنوان افرادی از جامعه دارای اهمیت فراوانی است و این از وظایف دولت است که زمینه برخورداری از یک زندگی خوب و سازنده را برای همه حتی مجرمین پس از تحمل کیفر و ... فراهم نماید.

ثانیاً، حیات و سعادت جامعه در گرو سالم بودن تک تک اعضای

آن است و در مورد زنان آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر اجتماعی اگر از سوی دستگاهها و سازمانهای دولتی توجه کافی مبذول نگردد و این عدم حمایت منجر به انحراف و خروج آنها از جاده سلامت و یا عمیق شدن انحراف در آنان گردد، قطعاً جامعه از آسیبهای فرهنگی و اجتماعی معضلات مربوط به آنان مصون نخواهد ماند.

بنابراین لازم است حمایت از زنان آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر اجتماعی به عنوان یک ضرورت برای بهبود اوضاع و احوال فرهنگی جامعه همواره مدنظر قرار گیرد تا از آلوده‌شدن افراد در معرض خطر جلوگیری و نیز از بازگشت افراد آسیب‌دیده از جمله بیماران تحت درمان یا مجرمین پس از اتمام مجازات به وضعیت قبلی ممانعت شود.

بند ۷۵- مسئولیت زنان در محافظت از استقلال فرهنگی، هویت اسلامی- ایرانی و همبستگی ملی در فعالیتهای فرهنگی- آموزشی.

توضیح:

### الف) حفظ استقلال فرهنگی

فعالیتهای فرهنگی- آموزشی زنان در جامعه باید در جهت تبیین و تقویت فرهنگ خودی و نفی هرگونه وابستگی و از خودباختگی در مقابل بیگانگان باشد و این محقق نخواهد شد مگر با تلاش برای دستیابی به شناخت مبنائی و همه جانبه از فرهنگ خودی و نیز بیگانه و آگاهی از مواضع نفوذ فرهنگ غیرخودی توسط سازمانها و مؤسسات دولتی و

غیردولتی. و مرحله بعد تبلیغ و معرفی فرهنگ اصیل اسلامی و ملی و نمایاندن قابلیت‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی کشور است که اگر به نحو مستدل و توأم با نوآوری و ابتکار عرضه شود در ایجاد گرایش مردم به خصوص نسل جوان به فرهنگ ایرانی بسیار موثر خواهد بود.

### ب) حفظ هویت اسلامی - ایرانی

به منظور تحقق و دوام استقلال فرهنگی کشور، تثبیت هویت اصیل دینی و ملی در افراد جامعه امری اجتناب‌ناپذیر است و برای تحصیل آن در سایه فعالیت‌های فرهنگی زنان توجه به امور زیر ضروری به نظر می‌رسد.

- شناخت و معرفی ارکان هویت اصیل اسلام و ایران.

- معرفی شخصیت‌های والا و جلوه‌های شکوه و عظمت در تاریخ اسلام و تاریخ ایران.

- بکارگیری شیوه‌های پرجاذبه با بکارگیری تکنولوژی مدرن به منظور معرفی ارزش‌های دینی و ملی از جمله تبلیغ در خصوص نوع رفتار و عملکرد ائمه معصومین علیهم‌السلام بعنوان اسوه اخلاق و فضیلت در همه ابعاد زندگی.

- تأسیس و فعالیت در مراکز تحقیقات دینی جهت تقویت و تولید بینش دینی مطابق با نیازهای فکری و اعتقادی جوانان و سایر اقشار جامعه.

### ج) تقویت همبستگی ملی

جریانهای فرهنگی در کشور زمانی سازنده است که در جهت تحکیم

همبستگی و وحدت دینی و ملی مردم ایران از اقوام و مذاهب مختلف مؤثر افتد و لازمه انجام چنین فعالیت‌هایی شناخت ریشه‌های اختلافات فرقه‌ای میان مسلمانان و اقوام ایرانی و اجتناب از آنها می‌باشد که رعایت جوانب مذکور برعهده کسانی است که به نوعی در فعالیت‌های فرهنگی - آموزشی شرکت و در فرهنگ عمومی جامعه نقش دارند.



## ب: آموزش

بند ۷۶- حق سوادآموزی عمومی، ارتقای آموزشی و برخورداری از امکانات آموزش و پرورش برای زنان.

### توضیح:

یکی از اصول سیاست فرهنگی تلاش مستمر در جهت رشد علمی و فرهنگی جامعه و فراگیر کردن امر سواد و تعلیم و تربیت است و در این خصوص از آنجایی که اعتلای مقام زن نقش اساسی او در خانواده و جامعه از امور مهم محسوب می‌شود، سوادآموزی عمومی زنان و ارتقای تحصیلات آنان نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نکته قابل توجه آن است که امر سوادآموزی به افراد جامعه خصوصاً زنان می‌بایست همراه با انتقال ارزش‌های اخلاقی صورت بگیرد و در این صورت به نظر می‌رسد افزایش سطح علم و دانش زنان - با توجه به نقش حساس و مهم زنان در خانواده و اجتماع - می‌تواند در توسعه و تکامل مادی و معنوی جامعه و رشد شخصیت خود زنان مؤثر باشد و نیز آنان را برای ایفای هر چه بهتر نقش خود در امر انسان‌سازی و تربیت فرزندان مطابق با نیازها و مقتضیات جامعه یاری نماید.

بهره‌مندی از سواد و شرکت در دوره‌های تحصیلی تعیین شده از سوی وزارت آموزش و پرورش حق زنان محسوب می‌شود. بنابراین از یک سو، هیچ فردی حتی نزدیکترین بستگان زن اعم از والدین یا همسر نمی‌توانند

او را از این حق منع کنند و از سوی دیگر دولت موظف است که امکانات لازم جهت آموزش و پرورش زنان را در هر حال حتی در دور افتاده‌ترین نقاط کشور تأمین نماید. حق زنان در برخورداری از عدالت اجتماعی ایجاد می‌کند که زمینه به صورت عادلانه برای ارتقای تحصیلات تمامی زنان فراهم باشد.

برخی از اقدامات مناسب به منظور کمک به زنان در بهره‌مندی از حق سوادآموزی، ارتقای تحصیلات و تأمین امکانات برای آنان در ذیل آمده است:

- استفاده از وسایل ارتباط جمعی برای جلب مشارکت عمومی خصوصاً زنان به یادگیری سواد و تأکید بر ضرورت آموختن سواد و تأثیر منفی فقدان آن در نقش‌های مخالف زنان در خانواده و تربیت فرزندان و نیز حضور آنان در اجتماع.

- تلاش در جهت آسان نمودن امر سواد و تعلیم و تربیت.

- کاربردی نمودن سواد و تعلیم و تربیت متناسب با نیازهای زنان در کلیه سطوح اجتماعی.

- تلاش به منظور یافتن راههای جدید و متنوع در دستیابی به امر آموزش مطابق با ویژگی‌های زنان.

- ایجاد فرهنگ‌سازی با هدف آگاه کردن زنان نسبت به اهمیت و تأثیرات مفید آموزش و ارتقاء تحصیلات بر ایفای نقشهای خانوادگی،

فرهنگی و ... .

بند ۷۷- حق تحصیل در آموزش عالی تا بالاترین سطح علمی

توضیح:

زنان حق دارند مطابق استعدادها و تلاش خویش در علوم مختلف تا بالاترین سطح علمی پیشرفت کنند.

بند ۷۸- حق کسب مهارت‌ها و آموزش‌های تخصصی به صورت کمی و کیفی تا بالاترین سطوح.

توضیح:

زنان در انتخاب و کسب مهارت‌های کاربردی نیز شرکت در دوره‌های آموزشی تخصصی کوتاه‌مدت و بلندمدت از آزادی برخوردارند، همچنین دولت باید تسهیلات ویژه‌ای را برای بانوان در رشته‌هایی که متناسب با وضعیت روحی و فیزیکی زنان می‌باشد یا رشته‌هایی که مورد نیاز جامعه است فراهم نماید. به طور مثال، وجود زنان متخصص در همه رشته‌های پزشکی در جامعه اسلامی ضروری است، زیرا وجود پزشک زن در هر یک از رشته‌های تخصصی، بانوان را از مراجعه به پزشکان مرد بی‌نیاز می‌کند که این از اهمیت بالایی برخوردار است.

به منظور تعمیم حق زنان برای شرکت در آموزش‌های تخصصی - با توجه به نقش زنان در خانواده و وظایف خاص آنان - ایجاد دوره‌های کاردانی و کارشناسی غیرحضوری در مراکز آموزش عالی برای مادران و

خانم‌های خانه‌دار خواهد بود.

بند ۷۹- حق برخورداری زنان و دختران مناطق محروم از حمایت‌های خاص در امر آموزش.

#### توضیح:

تحقق عدالت اجتماعی در آموزش- که یکی از اهداف مهم در نظام جمهوری اسلامی می‌باشد- ایجاب می‌کند که همه زنان و دختران صرف‌نظر از موقعیت خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و منطقه جغرافیایی محل سکونت (روستا و ایلات و عشایر) حق برخورداری از امکانات آموزشی، فرهنگی و حمایت‌های اقتصادی در برخورداری از تحصیلات رایگان و کمک هزینه‌های تحصیلی را جهت ارتقای کمی و کیفی خود در امر آموزش دارا باشند. بدین منظور دولت موظف است اقدامات لازم را در توزیع عادلانه اعتبارات و امکانات بین شهرها و روستاها و تمرکززدایی از مراکز و شهرهای بزرگ به عمل آورد. از جمله اینکه برای تحقق این امر مهم و ارزشمند در وهله اول باید موانع موجود برای ارتقای فرهنگی، آموزشی، پرورشی و بروز خلاقیت‌های زنان در مناطق محروم شناخته شود، همچنین لزوم بازنگری در متون آموزشی روستایی و عشایری متناسب با حل نیازمندیهای آنان نیز از اولویت‌های ضروری به نظر می‌رسد. زیرا نادیده گرفتن مظاهر فرهنگ روستایی و عشایری کشور می‌تواند به فرهنگ کشور و قشر عظیمی از مردم میهن لطمه وارد آورد، همچنین توسعه شبکه

آموزشی در روستاها و سایر مناطق دورافتاده و عاری از امکانات به صورت حضوری و غیرحضوری با تأکید بر لزوم حفظ کیفی آموزش، مفید و مؤثر می‌باشد. علاوه بر آنچه بیان شد دولت می‌بایست برای جبران کاستی‌های کمی و کیفی آموزش و پرورش در مناطق محروم، تسهیلاتی قانونمند برای حمایت از زنان و دختران در ورود به مقاطع تحصیلی بالاتر در نظر بگیرد. مسأله دیگر که شاید بتوان آن را مقدمه سایر اقدامات تلقی نمود، مسأله فرهنگ‌سازی در مناطق محروم با تأکید بر لزوم برخورداری دختران و زنان از امر آموزش و پرورش و آگاه کردن مردم نسبت به اثرات مثبت ارتقای تحصیلات زنان بر رشد شخصیت خود آنان و ایفای بهینه نقش در خانواده و عرصه‌های مختلف اجتماع می‌باشد.

بند ۸۰ - حق و مسئولیت در تدوین برنامه‌های درسی و متون آموزشی.

#### توضیح:

زنان حق دارند در برنامه‌ریزی آموزشی و نیز تألیف متون آموزشی مشارکت داشته باشند و جامعه از دانش و تجربه آنان بهره‌مند گردد. خصوصاً که در مواردی به دلیل آشنایی بیشتر با نیازهای جمع کثیری از آموزش گیرندگان که زن هستند منطبق با آن نیازها برنامه‌ریزی نموده و یا نکاتی را یادآور می‌شوند.

بند ۸۱ - حق و مسئولیت در برخورداری از جایگاه شایسته و متناسب با نقش، شأن و منزلت زنان در متون دینی و آموزشی.

#### توضیح:

از آنجایی که اساس تعلیم و تربیت و شکل‌گیری بینش و عقاید افراد در دوران کودکی و نوجوانی است. توجه به متون آموزشی و محتوای کتب درسی در دوره‌های دبستان، راهنمایی و متوسطه ضروری می‌باشد. از جمله مسائل مهم که لازم است برای دانش‌آموزان به عنوان مردان و زنان آینده تبیین گردد، مسأله شناخت جایگاه و نقش زن در عرصه‌های مختلف زندگی است که برای تحصیل آن ابتدا باید مطالعاتی در زمینه موانع سنتی، فرهنگی و تاریخی پیشرفت زنان و اعتقادات و بینش‌های نادرست رایج در خصوص جایگاه زن - از جمله ضعیف و ناکارآمد دانستن زنان - انجام گیرد، سپس با توجه به پشتوانه غنی دینی و ملی به معرفی منزلت و نقش واقعی زن پرداخته شود.

معرفی زنان برجسته و نمونه در تاریخ اسلام و ایران و الگوسازی از زنان موفق در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری در متون آموزشی و کتب درسی با هدف پیدایش روحیه اعتماد به نفس و دستیابی به آگاهی از تأثیر مثبت زنان در رشد جوامع در شناخت جایگاه زن از اهمیت زیادی برخوردار است و لازم می‌باشد، زنان در راستای نیل به آن به تحقیق و تألیف بپردازند.

بند ۸۲ - حق مشارکت بانوان در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و مدیریت‌های آموزشی، علمی و حضور فعال در مجامع فرهنگی - علمی داخلی و بین‌المللی.

#### توضیح:

از آنجایی که نیروهای متخصص و تحصیل‌کرده در هر جامعه‌ای ارزشمندترین سرمایه‌های آن محسوب می‌شوند و برای ارتقای علمی و آموزش تخصص‌های لازم به آنان هزینه، وقت و نیروی انسانی هنگفتی صرف می‌شود و تلاش و کوشش علمی فراوانی از سوی خود افراد صورت می‌گیرد، لزوم توجه به به‌کارگیری آنان در عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و مدیریتی به منظور بهره‌گیری از علم و دانش و نظرات کارشناسانه آنان به منظور بهبود وضعیت جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رعایت اصل تساوی بین زن و مرد در فعالیت‌های علمی ایجاب می‌کند که زنان تحصیل‌کرده و متخصص نیز از حق مزبور مستثنی نباشند، بنابراین دولت موظف است، تسهیلات لازم برای استفاده از توانایی‌های زنان کارشناس، متخصص و تحصیل‌کرده را فراهم نماید.

مشارکت و حضور فعال زنان در عرصه‌های سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در امور آموزشی و علمی می‌تواند تا حد زیادی زمینه انطباق برنامه‌های علمی و آموزشی زنان با شرایط و نیازهای آنان را فراهم نماید. زیرا به نظر می‌رسد که زنان آشناتر به مسائل و نیازهای خاص خود می‌باشند،

بنابراین حضور و مشارکت زنان در این بخش، زمینه را برای توجه بیشتر به حقوق فرهنگی زنان فراهم می‌نماید و همچنین احراز سمت‌های مدیریتی توسط زنان می‌تواند اقدام مؤثری در جهت به‌کارگیری زنان متخصص و تحصیل‌کرده و استفاده از علوم و تجربیات و تخصص‌های آنان به‌شمار آید. از آنجایی که مشارکت و حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف علمی و آموزشی مستلزم آگاهی از آخرین نتایج تحقیقات و تجربیات آموزشی و علمی می‌باشد، ارتباط با سایر مجامع فرهنگی و علمی داخلی و بین‌المللی نیز از حقوق زنان تحصیل‌کرده، متخصص می‌باشد و دولت موظف است تسهیلات لازم را جهت حضور فعال زنان در این مجامع فراهم نماید، بدیهی است که این حضور با رعایت موازین قانونی و شرعی صورت خواهد گرفت.

**بند ۸۳ - حق شناسایی، حمایت و بهره‌مندی از توانمندی‌های بانوان دارای استعدادهای درخشان و مسئولیت آنها در تأمین نیازهای کشور.**  
**توضیح:**

دختران دارای استعدادهای درخشان در زمینه‌های علمی، ادبی، هنری، فنی و... حق دارند به منظور شکوفایی و رشد هرچه بیشتر خود از برنامه‌های حمایتی و هدایتی ویژه‌ای برخوردار باشند و بر مبنای همین حق دختران است که دولت اولاً موظف به شناسایی و کشف استعدادهای برجسته در سنین و دوره‌های مختلف تحصیلی می‌باشد و ثانیاً ملزم به



تنظیم برنامه‌های آموزشی و تربیتی با نیازهای آنان و ایجاد تسهیلات و امکانات قانونمند به منظور رشد و ارتقای علمی سریع‌تر آنان می‌باشد. برخورداری از زمینه‌های مناسب برای شناسایی، هدایت استعدادها و حمایت از خلاقیت‌ها و نوآوری‌های آنان و کوشش برای شکوفاشدن روحیه ابداع و نوآوری در حوزه‌های مختلف یکی از حقوق مسلم بانوان دارای استعدادهای درخشان در امر آموزش به حساب می‌آید و نکته قابل توجه در استیفاء این حق آن است که اعمال هرگونه تبعیض میان دختران و پسران دارای استعدادهای درخشان در کشف استعدادها و برخورداری از امکانات لازم، ناروا و غیرقانونی محسوب می‌شود، همچنین برقراری عدالت اجتماعی در آموزش ایجاب می‌کند که زمینه شناسایی استعدادهای برجسته در کلیه سطوح اجتماعی اعم از طبقات بالا، متوسط و پایین به لحاظ اقتصادی فراهم شود تا بدین ترتیب صاحبان استعدادهای درخشان در اقشار آسیب‌پذیر جامعه نیز حق برخورداری از امکانات و حمایت‌های ویژه را دارا باشند.

دختران دارای استعدادهای درخشان که از حقوق و حمایت‌های قانونی خود بهره‌مند می‌شوند و از اموال و سرمایه‌های عمومی برای رشد و شکوفایی آنان هزینه می‌شود در قبال جامعه خود مسئول هستند. بدین معنی که آنان مکلف هستند در حد توانایی خود و با در نظر گرفتن امکانات و تسهیلات موجود در رشته‌های تخصصی، در تأمین نیازها و رفع

مشکلات کشور گام‌های مؤثری بردارند و دولت نیز موظف است به منظور بهره‌مندی مناسب از این افراد امکانات و اعتبارات لازم را برای آنان فراهم نماید و آنان را در انجام رسالت خود یاری نماید.

بند ۸۴ - حق بانوان معلول جسمی و ذهنی نسبت به برخورداری از حمایت‌های لازم در زمینه آموزش و پرورش و دست‌یابی به آموزش عالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با استعداد و میزان معلولیت آنان.

#### توضیح:

در این بند دو نوع معلولیت مورد توجه قرار گرفته است. معلولیت جسمی و معلولیت ذهنی. در معلولیت جسمی یک یا چند عضو از اعضای بدن از انجام عملکرد طبیعی و صحیح خود ناتوان است. به عنوان مثال نابینایی، ناشنوایی و عدم کارآیی دست‌ها و پاها، معلولیت جسمی محسوب می‌شود. در معلولیت ذهنی، قوه تفکر و تعقل فرد بنا به هر دلیلی به طور کامل یا جزئی از کار افتاده است و مغز قادر به کنترل مناسب اعمال و رفتار صادره از فرد نمی‌باشد، بنابراین معلولیت ذهنی در افراد با بروز اعمال و رفتار غیرطبیعی همراه است. آنچه در این میان حائز اهمیت است اینکه معلولیت دختران از جهت جسمی یا ذهنی نه تنها مانع حق برخورداری آنان از آموزش و پرورش نمی‌باشد، بلکه بدلیل محرومیت‌های خویش حقوق دیگری از جمله برخورداری از حمایت‌های لازم به منظور آموزش

و پرورش متناسب با استعداد و میزان معلولیت را برای آنان به وجود می‌آورد، بنابراین دولت موظف است تمهیدات لازم را برای دستیابی دختران معلول جسمی یا ذهنی به آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با ویژگی‌های آنان فراهم نماید. برای تحقق این امر، ایجاد فضاهای آموزشی مختص به دختران معلول، تدوین برنامه‌های آموزشی و منابع درسی متناسب با استعداد و توان آنان، بهره‌گیری از نظرات کارشناسان امور معلولین و تجربیات افراد خبره و به‌کارگیری افراد متخصص در زمینه آموزش به افراد معلول ضروری به نظر می‌رسد.

به طور کلی سیستم آموزش و پرورش صحیح به دختران می‌بایست آنان را به سوی بازیابی شخصیت، توان و استعدادهای خویش هدایت کند و تا سرحد امکان آنان را در ادامه زندگی عادی در کنار سایر افراد خانواده و جامعه یاری رساند. البته دولت نیز برای نیل به این مهم می‌بایست برنامه‌ریزی‌های لازم و حمایت‌های مالی و اعتباری از این افراد و خانواده‌های آنان به عمل آورد.



### ج: پژوهش

بند ۸۵ - حق پژوهش، تألیف، ترجمه و انتشار کتب، مقالات در نشریات عمومی و تخصصی با رعایت صداقت، امانت و مصلحت جامعه.

#### توضیح:

شرکت در فعالیتهای پژوهشی - تحقیقاتی و اقدام به تألیف، ترجمه و انتشار کتاب، مقالات یکی از حقوق فرهنگی زنان محقق و متخصص در رشته‌های مختلف مورد نیاز جامعه می‌باشد.

نکته قابل توجه آن است که زنان در استیفای حقوق مزبور ملزم به رعایت امانت، صداقت و مصلحت جامعه می‌باشند. به طور نمونه، استفاده از تمام یا بخشی از مطالب دیگران بدون ذکر منابع قطعاً با رعایت امانت و صداقت منافات خواهد داشت و این گونه اقدامات که منجر به تضییع حقوق دیگران می‌شود، ممنوع است. انتشار هرگونه مطلب کذب و خلاف واقع و یا درج هر خبر یا نوشته‌ای که امنیت داخلی یا خارجی و یا مصالح کشور را به مخاطره اندازد، غیرقانونی تلقی می‌شود و نویسنده یا هر فرد دیگری را که به نوعی مسئولیت درج مطلب را برعهده دارد، تحت پیگرد قانونی قرار می‌دهد.

به طور کلی هر فردی که به پدید آوردن یک اثر علمی، هنری، ادبی اعم از کتاب، مقاله یا نشریه نماید. نسبت به اثر خود دارای حقوق خاصی تحت عنوان حقوق مالکیت‌های معنوی می‌باشد و بر مبنای همین حقوق است که

هیچ فردی حق تعرض، سوءاستفاده، چاپ یا تجدید چاپ، ترجمه و انتشار آثار دیگری را بدون رضایت او ندارد.

بند ۸۶ - حق برخورداری از حمایت‌های لازم نسبت به منابع و امکانات درخصوص تحقیق در مسائل زنان و تربیت نیروی انسانی محقق و حق آگاهی از اطلاعات و نتایج تحقیقات در زمینه‌های مختلف.

#### توضیح:

انجام تحقیقات به منظور بررسی مشکلات، نیازها و ارائه راه‌حل درخصوص مسائل زنان، یکی از حقوق زنان به‌شمار می‌رود و بر همین مبنا، آنان حق دست‌یابی به امکانات و منابع درخصوص انجام این تحقیقات را دارا هستند، همچنین دستگاه‌های دولتی ذیربط از جمله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌بایست زمینه را برای تربیت نیروی متخصص از جمله از میان زنان فراهم نمایند. اعطای بورس تحصیلی و امکانات تحقیقی به دانش‌پژوهان و محققان ممتاز در مؤسسات علمی و فرهنگی و غنی‌سازی کتابخانه‌های محلی و مؤسسات آموزشی یا کتابخانه‌های علمی - پژوهشی مختص به زنان به عنوان برخی از امکانات در امور تحقیقاتی به‌شمار می‌رود.

رعایت اصل تساوی میان زن و مرد ایجاب می‌کند که اولاً زمینه برای ارتقای تحصیلات و کسب تخصص‌های لازم برای همه افراد جامعه فراهم شود. (با تأکید بر مشارکت حضور فعال‌تر زنان در مسائل مربوط به زنان)

ثانیاً امکان بهره‌گیری از نتایج تحقیقات و برنامه‌های آنان از طریق تأمین منابع و امکانات مورد نیاز آنان میسر شود.

با توجه به حقوق فرهنگی زنان در زمینه تربیت نیروی انسانی، از جمله حقوق آنان عبارت است از اینکه با دسترسی به اطلاعات و نتایج تحقیقات مفید و روزآمد در زمینه‌های مختلف، استعداد آنان در موضوعات متنوع شکوفا شود و محققان فعال و مؤثری در زمینه‌های مورد نیاز جامعه از جمله در زمینه مسائل زنان پرورش یابد.

**بند ۸۷ - حق بهره‌مندی از حمایت در آثار علمی - پژوهشی زنان و گسترش مراکز تحقیقاتی با مدیریت آنان.**

#### **توضیح:**

زنان محقق و پژوهشگر که موفق به خلق آثار پژوهشی - علمی می‌شوند، حق برخورداری از حمایت‌های قانونی لازم نسبت به آثار خود را دارا هستند. حقوق پدیدآورنده آثار علمی - پژوهشی، شامل حق انحصاری نشر، پخش، عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر خود می‌باشد و زنان نیز چون مردان از تمامی حقوق معنوی اثر علمی و پژوهشی خود بهره‌مند می‌باشند. علاوه بر آن ایجاد و گسترش مراکز تحقیقاتی با مشارکت و مدیریت زنان می‌تواند عامل مؤثری در جهت ارتقا و رشد علمی - تجربی زنان تحصیل کرده و متخصص شود. همچنین حضور فعال زنان در مراکز تحقیقاتی می‌تواند به بررسی مشکلات و مسائل

زنان و تطبیق برنامه‌های موجود با نیازهای آنان کمک نماید و منجر به بهبود وضعیت زنان جامعه شود.

بند ۸۸ - مسئولیت زنان پژوهشگر در ارائه دیدگاه و تبیین دستاوردهای مثبت دینی و ملی در زمینه مسائل زنان به جهانیان.

#### توضیح:

زنان حق برخورداری از امکانات لازم و زمینه‌های مساعد به منظور رشد و ارتقای علمی، پژوهشی و تحقیقاتی در زمینه‌های مختلف را دارا هستند. آنان علاوه بر برخورداری از حقوق در عرصه‌های فرهنگی در قبال جامعه خود موظف به ایفای برخی از تکالیف نیز می‌باشند.

زنان پژوهشگر و محقق بر حسب توانایی علمی خود، امکانات و منابعی که از سوی دولت در اختیار آنان نهاده شده است و همچنین وسعت دامنه تحقیقات و پژوهش‌هایی که در خصوص مسائل مربوط به زنان در عرصه‌های ملی و دینی توسط آنان صورت گرفته است، ملزم به تبیین جایگاه، حقوق و امتیازات زنان در آیین آسمانی اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران - که سعی در پیاده نمودن قوانین این دین مقدس را دارد - می‌باشند. قطعاً ایفای هر چه بهتر این وظیفه اولاً مستلزم ایجاد زمینه به منظور تربیت نیروهای متخصص و متدین و ثانیاً تسهیل شرایط و رفع موانع برای حضور فعال و مؤثر زنان در مجامع فرهنگی - علمی بین‌المللی می‌باشد. یکی از آثار مثبت این امر، آشنایی هر چه بیشتر جهانیان با چهره



واقعی اسلام و جایگاه زن در آن و خنثی نمودن تبلیغات دروغین دشمنان  
اسلام می‌باشد.



# فصل سوم

## حقوق و مسؤلیت‌های اقتصادی



## الف: خانوادگی

بند ۸۹- حق بهره‌مندی از نفقه در ازدواج دائم مطابق با شأن زن، توسط شوهر یا توسط پدر و فرزند در صورت نیاز زن و توانمندی آنان توضیح:

الف) حق بهره‌مندی زن از نفقه در ازدواج دائم توسط شوهر

« نفقه» عبارت است از تمام وسایلی که زن با توجه به شأن خانوادگی و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود بدان نیازمند می‌باشد و تشخیص اینکه کدام وسیله را بایستی از ارکان نفقه زوجه شمرد با عرف است و ملاک ثابتی ندارد اگرچه برخی از مصادیق آن مسکن، البسه، اثاث منزل و هزینه‌های درمان و داروی زن می‌باشد.

در نکاح دائم و وظیفه مرد در پرداخت نفقه ناشی از حکم قانون است که ریشه در فقه اسلامی و احکام شرع دارد ولی در نکاح موقت شوهر تنها در صورتی مکلف به تأمین مایحتاج زن است که یا به صراحت در عقد شرط شده، یا عقد مبنی بر آن جاری شده باشد. در خصوص حق زن در بهره‌مندی از نفقه توسط شوهر ذکر چند نکته ضروری است:

- طبق قانون ملاک تعیین میزان نفقه تنها وضع زن و شأن خانوادگی و اجتماعی وی می‌باشد.

- تکلیف شوهر برای پرداخت نفقه زن، متقابل نیست یعنی در روابط زوجین، انفاق، وظیفه مرد است و زن هیچ وظیفه‌ای در تأمین معاش شوهر

ندارد.

- تکلیف مرد نسبت به پرداخت نفقه زن منوط به این نیست که شوهر تمکین پرداختن آن را زاید بر مخارج خود داشته باشد و یا زن لزوماً نیازمند به گرفتن آن باشد، به این ترتیب در صورت عدم نیاز هم می‌تواند از شوهر خود مطالبه نفقه کند.

- نفقه زن به عنوان یک دین بر عهده شوهر است، بنابراین زوجه حق دارد نفقه گذشته خود را نیز مطالبه کند.

- نفقه زن بر نفقه خویشان و اقارب مقدم است و در حال ورشکستگی و اعسار مرد نیز جزء دیون ممتاز می‌باشد.

### ب) حق بهره‌مندی زن از نفقه توسط پدر یا فرزند :

حق زن در بهره‌مندی از نفقه توسط پدر یا فرزند، ناشی از تعهدی است قانونی بر مبنای احکام اسلامی، که خویشان نزدیک در برابر هم دارند.

بنابراین اگر پدر یا پسر از تمکن مالی مناسبی برخوردار باشند باید حداقلی از زندگی متعارف را برای دختر یا مادر نیازمند خود فراهم سازند.

در مورد نفقه زن به عنوان یکی از اقارب توجه به نکات زیر لازم می‌باشد :

- تکلیف مربوط به انفاق خویشان متقابل است یعنی همان‌طور که پدر

یا پسر ملزم هستند نفقه دختر یا مادر نیازمند خود را بپردازند، فرزند یا

مادر نیز همین تکلیف را در برابر پدر و یا فرزند خود در صورت نیازمندی

دارند. هر چند وظیفه مادر در انفاق فرزند در صورت فقدان پدر و جدّ

پدری یا عدم استطاعت آنها، محقق می‌شود.

- انفاق به خویشان در صورتی به عنوان یک تکلیف قانونی بر عهده افراد است که اولاً، انفاق کننده توان مالی برای پرداخت آن را زاید بر مخارج خود داشته باشد و ثانیاً، گیرنده نفقه نیازمند و محتاج به گرفتن آن باشد.

- انفاق بین خویشان تنها به منظور تأمین گذران آنهاست و به همین دلیل مطالبه نفقه همیشه ناظر به آینده است و از بابت گذشته نمی‌توان پولی درخواست کرد.

بند ۹۰- حق برخورداری از ما ترک متوفی و وصایای مالی او طبق قوانین اسلامی .

#### توضیح:

زنان چه به عنوان همسر چه به عنوان خویشان نسبی طبق قانون از اموال متوفی ارث می‌برند همچنین از وصایای وی در چارچوب قوانین بهره‌مند خواهند شد .

خویشاوندان نسبی از حیث ارث بردن، دارای سه طبقه می‌باشند و وجود هر خویشاوند نسبی در هر طبقه مانع ارث بردن خویشاوندان طبقه بعدی است.

وضعیت زنان در طبقات ارث به شرح زیر می‌باشد:

۱- مادر و فرزند و نوه دختر در طبقه اول

۲- جده (مادر بزرگ) و خواهر و خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌های دختر در طبقه دوم.

۳- خاله و عمه در طبقه سوم.

### \* سهم الارث زوجه:

زوجه با هر یک از خویشاوندان هر یک از سه طبقه ارث و نیز بدون وجود ایشان از متوفی ارث می‌برد. در صورتی که متوفی زوج و دارای اولاد یا اولاد اولاد باشد، زوجه<sup>۱</sup> او  $\frac{1}{8}$  از ترکه ارث می‌برد و اگر دارای اولاد و خویشاوند نسبی نباشد زوجه<sup>۲</sup> متوفی  $\frac{1}{4}$  از ترکه را به ارث خواهد برد. زوجه از عین زمین، قیمت آن و عین ابنیه و اشجار ارث نمی‌برد بلکه از قیمت ابنیه و اشجار و سایر اموال زوج ارث می‌برد.

### \* سهم الارث مادر:

اگر متوفی فقط مادر داشته باشد، او تمام ترکه را می‌برد (  $\frac{1}{3}$  به فرض و باقیمانده به رد)

و اگر وارثان فقط پدر و مادر متوفی باشند  $\frac{1}{3}$  از ترکه به مادر می‌رسد، (مگر اینکه مادر حاجب داشته باشد که در این صورت  $\frac{1}{6}$  ترکه به فرض به او می‌رسد.) و در صورت وجود اولاد سهم مادر از ترکه  $\frac{1}{6}$  خواهد بود.

### \* سهم الارث دختر:

اگر وارث منحصر به یک یا چند دختر باشند، تمام ترکه به ایشان می‌رسد که باید به تساوی میان آنها تقسیم شود و اگر وارث منحصر به



اولاد ذکور و اناث باشند تمام ترکه به قرابت به آنان داده می‌شود که به قاعده ذکور دو برابر اناث تقسیم خواهد شد.

#### \* سهم الارث خواهر :

اگر متوفی یک یا چند خواهر ابوینی یا ابی داشته باشد تمام ترکه به آنان می‌رسد که به طور تساوی تقسیم خواهد شد. قابل ذکر است که در صورت وجود خواهران ابوینی و ابی با هم، فقط ترکه به خواهران ابوینی می‌رسد و خواهران ابی از ارث محروم می‌شوند.

اگر وارث منحصر به برادر و خواهر ابوینی یا ابی باشند تمام ترکه به قاعده ذکور دو برابر اناث بین ایشان تقسیم می‌شود و این زمانی است که اخوه همگی ابی یا همگی ابوینی هستند زیرا در صورتی که هم اخوه ابی و هم اخوه ابوینی باشند اخوه ابی از ارث محروم خواهند بود.

#### \* سهم الارث جد (مادر بزرگ) :

اگر متوفی فقط جد یا جد و جدّه امی داشته باشند،  $\frac{1}{3}$  ترکه به فرض و بقیه به رد به ایشان داده می‌شود که در صورت دوم به تساوی میان آنان تقسیم خواهد شد.

اگر وارث متوفی منحصر باشد در جد یا جد و جدّه ابی، تمام ترکه به قرابت متعلق به آنهاست و در صورت تعدد، سهم ذکور دو برابر اناث است.

#### \* سهم الارث خاله یا عمه :

اگر متوفی فقط یک خاله یا یک عمه داشته باشد تمام ترکه به وی

می‌رسد.

در صورتی که یک خاله و یک دایی یا چند خاله و چند دایی داشته باشد که همه ابی یا امی یا ابوینی هستند تمام ترکه به تساوی میان ایشان تقسیم می‌شود.

اگر وارث منحصر به یک عمو و یک عمه یا چند عمو و عمه همگی مادری یا پدری یا ابوینی باشد، تمام ترکه به ایشان داده می‌شود (اگر همه امی باشند سهم ذکور مساوی سهم اناث و اگر همه ابوینی یا پدری باشند، سهم ذکور دو برابر اناث خواهد بود).

همانطور آورده شد در موضوع ارث، طبق موازین شرع و احکام اسلامی قواعد ویژه‌ای حاکم است. به عنوان نمونه در مواردی ارث زن و مرد مساوی مقرر گردیده مانند تساوی سهم الارث پدر و مادر از ماترک فرزند و در مواردی سهم الارث دو برابر زن تعیین شده است مثلاً در تقسیم ارث میان خواهران و برادران و یا فرزندان دختر و پسر که این عدم تساوی، میان زن و مرد با توجه به اینکه مصلحت فردی و اجتماعی انسانها در اسلام رعایت شده است و نیز با در نظر گرفتن برخی بهره‌مندی‌های مالی خاص زنان نظیر نفقه، مهریه، عدم مسئولیت زن به عنوان عاقله هنگام وقوع قتل غیر عمد توسط خویشان و ... پذیرفته شده است.

مواردی که در توضیح سهم الارث زنان ذکر گردیده، مختصری از محتوای احکام راجع به ارث آنان بود، زیرا در موارد متعدد دیگری نیز که

برخی پیچیده‌تر می‌باشد، سهم الارث زنان و مردان پیش‌بینی و طبق قوانین محاسبه شده است که از آوردن آنها صرف‌نظر شد.

**بند ۹۱- حق وقف، پذیرش وقف و رسیدگی به آن:**

**توضیح:**

همه افراد از زن و مرد حق وقف کردن اموال خود و پذیرش وقف همچنین رسیدگی به امور موقوفه را با رعایت شرایط مقرر در قانون دارا می‌باشند.

**الف- حق وقف:**

وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود. مقصود از «حبس عین» جدا ساختن ملک (فک ملک) از دارایی مالک و مصون داشتن آن از نقل و انتقال است. یکی از شرایط اساسی در وقف آن است که با انتفاع از مال موقوفه، عین آن باقی بماند بنابر این وقف منفعت، دین و حق امکان ندارد. یکی دیگر از شرایط صحت وقف، وقوع قبض است به گونه‌ای که هر وقت قبض صورت بگیرد، وقف تمام می‌شود. در صورت وقوع وقف به نحو صحیح و در صورت حصول قبض، عقد لازم است و واقف نمی‌تواند از آن رجوع کند یا در آن تغییری بدهد.

در تحقیق عقد وقف نیز مانند عقود دیگر، ایجاب وقف کننده - به هر لفظی که صراحتاً دلالت بر معنی آن کند - و قبول موقوف علیهم یا قائم مقام آنها از شرایط اساسی در عقد می‌باشد.

هر زنی حق دارد با رعایت شرایط قانونی، اموال خود را وقف نماید و هیچ کس نمی‌تواند فرد را از اعمال این حق مالی خود منع نماید.

#### ب- حق پذیرش وقف:

یکی از حقوق مالی زنان، حق پذیرش وقف و انتفاع از مال موقوفه است. همان‌طور که در قبل بیان شد یکی از شرایط صحت وقف، قبول موقوف علیهم است، و هر فردی که دارای اهلیت قانونی برای انجام معاملات باشد، حق قبول وقف را دارد.

#### ج- حق رسیدگی به مال موقوفه:

شخص دیگری واگذار نماید. کسی که واقف او را متولی قرار داده می‌تواند در بدو امر، تولیت را قبول یا واقف می‌تواند تولیت یعنی اداره کردن امور موقوفه را مادام‌الحیاء یا در مدت معینی به رد کند و اگر قبول کرد دیگر نمی‌تواند رد کند مانند حالتی است که از اول متولی قرار داده نشده است.

بنابر آنچه بیان شد، هر زنی که حائز شرایط قانونی باشد این حق را دارد که رسیدگی به امور مال موقوفه را قبول نماید و در صورت قبول موظف به ایفای تکالیف مربوطه می‌باشد.

بند ۹۲ - حق پذیرش وکالت یا وصایت در امور اقتصادی.

توضیح :

### الف) وکالت:

«وکالت» عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید.

زنان به عنوان وکیل می‌توانند در انجام فعالیت‌های اقتصادی - طبق مفاد قرارداد - به نام و حساب موکل خود تصرفاتی انجام دهند و به اموری مانند فروش یا خرید کالا، اداره اموال، اجاره ملک و ... به نمایندگی از دیگری مبادرت نمایند.

### ب) وصایت :

«وصیت» بر دو نوع است : عهدی و تملیکی

«وصیت تملیکی» عبارت از اینکه کسی عین یا منفعتی را از اموال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجاناً تملیک کند.

«وصیت عهدی» عبارت از اینکه شخصی یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری یا تصرفات دیگری مأمور می‌نماید.

زنان حق وصیت دارند علاوه بر آن زنان هم به عنوان موصی‌له و هم به عنوان وصی حق پذیرش وصیت را نیز دارا می‌باشند. «موصی‌له» کسی است که مالی به او تملیک شده و طبق قانون شرایط لازم برای وی این است که: اولاً حین وصیت موجود باشد و ثانیاً، مالک چیزی بشود که

برای او وصیت شده است. بنابراین زنان در صورت احراز دو شرط فوق، می‌توانند وصیت را قبول کنند.

در حقوق، کسی که وصیت را می‌پذیرد «وصی» نامیده می‌شود. وصی شخصی است که از طرف موصی برای اجرای وصایای او معین می‌شود، خواه مرد باشد یا زن.

قلمرو وصیت مشخص نیست و ممکن است اختیار و وظیفه‌های گوناگونی برای زنان به عنوان وصی مقرر شود که از آن جمله است:

سرپرستی کودکان موصی و اداره اموال آنان: وصایت به عنوان سرپرستی کودکان و اداره اموال آنان شایع‌ترین نوع وصایت است. ماده ۱۱۸۸ قانون مدنی می‌گوید: «هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او می‌باشد وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگهداری و تربیت آنها مواظبت کرده و اموال آنها را اداره کند.»

۱- اداره ثلث: این وصایت نیز شایع است و کسانی که ثلث خود را اختصاص به مصرف‌های ویژه می‌دهند، به طور معمول مدیری هم برای اجرای هدف‌های خود معین می‌کنند، که این مدیر ممکن است زن باشد.

۲- تصفیه ترکه: ....

و ...

بند ۹۳ - حق تعیین مهریه و دریافت آن از همسر و هر گونه دخل و تصرف در آن.

#### توضیح :

«مهریه» عبارت از هدیه‌ای است که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود. الزام مربوط به تملیک مهر ناشی از حکم قانون و مبتنی بر احکام اسلام است و بهمین دلیل سکوت زوجین در عقد و حتی توافق بر این که زن مستحق مهر نباشد، نمی‌تواند تکلیف مرد را در این زمینه از بین ببرد.

مهری را که ضمن عقد یا پس از نکاح به تراضی طرفین معین می‌شود، در اصطلاح حقوقی «مهرالمسمی» می‌نامند که می‌تواند شامل هر چیزی شود که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد.

«مهر المسمی» به مهری گفته می‌شود که مقدار آن با رعایت حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امانل و اقارن و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته می‌شود.

مواردی را که به موجب قانون مدنی زن باید مهرالمثل بگیرد عبارتند از :

۱- اگر ضمن عقد سخنی از مهر گفته نشود یا عدم استحقاق زن در گرفتن مهر شرط شده باشد، پس از وقوع نزدیکی زن استحقاق مهر المثل را دارد.

۲- در صورتی که تراضی طرفین در باب مهر المسمی به جهتی باطل باشد و برای مهر نتوان مثل یا قیمتی معین کرد.

۳- در موردی که نکاح باطل است ولی زن از فساد آن اطلاع ندارد و در اثر جهل به حکم یا موضوع عقد، آن را درست می‌پنداشته و نزدیکی نیز واقع شده است.

«مهرالتمعه» هنگامی به زن تعلق می‌گیرد که در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر، زن خود را طلاق دهد.

برای تعیین مهرالتمعه توان مالی مرد در نظر گرفته می‌شود. بنا بر آنچه گفته شد، تعیین مهریه حق ابتدائی زنان می‌باشد، اگر چه در مواردی در صورت عدم تعیین یا باطل بودن آن، قانون‌گذار معیارهایی برای تعیین میزان مهر جهت رسیدن زن به این حق ارائه داده است.

همچنین از آنجائی که مهر، از اموال زن می‌باشد حق دریافت و هرگونه دخل و تصرف در آن فقط به زن اختصاصی دارد و کسی نمی‌تواند در امور مذکور دخالت یا زن را وادار به انجام امری در این رابطه نماید.

بند ۹۴- حق برخوردارگی از مستمری در صورت فوت پدر، همسر و فرزند طبق قانون یا قرارداد.

#### توضیح:

یکی از حقوق مالی زنان، حق بهره‌مندی از نفقه (تأمین معیشت مورد نیاز) به میزان کفایت و مطابق با شأن زن، توسط شوهر و نیز توسط پدر یا



فرزند در صورت نیاز می‌باشد.

با وجود این حق، به طور مسلّم در صورت فوت یا بازنشستگی این افراد، دختران و زنان به منظور اداره زندگی و تأمین نیازهای اساسی خود، حق برخورداری از مستمری این افراد را نیز دارند.

**بند ۹۵ - حق برخورداری وراث قانونی از حقوق بازنشستگی زن کارمند متوفی.**

#### **توضیح:**

همان‌طور که زنان کارمند در زمان حیات، از مستمری متناسب با کار و سابقه خود بهره‌مند هستند، این حق مالی آنان در مواردی که قانون معین کرده است. به برخی وراث آنان (شوهر، فرزندان و والدین) با وجود شرایطی خاص منتقل می‌شود و بدین ترتیب خانواده زن کارمند متوفی از حاصل دسترنج او پس از مرگش نیز بهره‌مند خواهند شد.

**بند ۹۶ - حق پذیرش قیمومت مالی فرزندان و مسئولیت رعایت حقوق اقتصادی فرزند.**

#### **توضیح:**

مطابق با قانون امور حسبی ایران، پدر یا مادر - در صورت فقدان ولی - با داشتن صلاحیت‌های لازم برای قیمومت فرزندان بر دیگران مقدم هستند.

صلاحیت قیم مربوط به نمایندگی قانونی محجور در اداره دارایی

و اموال او می‌باشد. البته لازم به توضیح است که حق زنان در پذیرش قیمومت مالی فرزندان در صورتی محقق می‌شود که فرزندان، ولی قهری اعم از پدر یا جد پدری نداشته باشند و یا اینکه پدر و جد پدری از ولایت عزل شده باشند.

هر کس که عهده دار سمت قیمومت می‌شود، ملزم به رعایت مصلحت مولی‌علیه می‌باشد، بنابراین زنان نیز در اعمال حق قیمومت خود نسبت به فرزندان، مکلف به رعایت حقوق اقتصادی آنان به منظور حفظ مصلحت ایشان می‌باشند که برخی از این وظایف عبارتند از اینکه:

مادر در سمت قیمومت فرزندان نمی‌تواند اموال آنان را به دیگری ببخشد یا وقف یا وصیت کند زیرا این نوع تصرفات به زیان فرزندان است و باعث می‌شود محجور بدون گرفتن عوض اموال خود را از دست بدهد. مادر، در سمت قیم نمی‌تواند در تقسیم ترکه‌ای که به فرزندان به ارث رسیده است با سایر ورثه تراضی کند بلکه این امر می‌بایست با نظارت مقامات قضایی ذی‌صلاح صورت پذیرد. آنچه با عنوان مسئولیت رعایت حقوق اقتصادی فرزندان ذکر شد اختصاص به مورد قیمومت نداشته و همواره مادران وظیفه دارند تا نسبت به حقوق مالی فرزندان رعایت مصلحت آنان را بنمایند. بنابراین از آنجا که مادران چه در زمان حیات شوهر و چه در زمان مرگ یا غیبت او مراودات تنگاتنگ با فرزند و دارایی او دارند مسئول رعایت حقوق مالی او می‌باشند.

بند ۹۷ - حق برخورداری زنان و دختران از حمایت‌های لازم در صورت فقر، طلاق، معلولیت، بی‌سرپرستی، بدسرپرستی و ایجاد امکانات جهت توانبخشی و خود کفائی آنها.

#### توضیح :

زنان و دختران در شرایط خاص، بسیار ضروری است که مورد توجه دولت قرار می‌گیرند. زیرا عواملی همچون فقر، طلاق، بی‌سرپرستی و بدسرپرستی آنان را از هر جهت از جمله در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی آسیب‌پذیر می‌نماید.

بنابراین حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای زنان در شرایط فوق‌الذکر، قطعاً از وظایف دولت می‌باشد که توجه به آنها در تأمین سلامت جامعه و تحقق عدالت اجتماعی بسیار مؤثر خواهد بود.

در خصوص زنان و دختران معلول نیز باید آموزش مهارت‌های لازم برای زندگی و نحوه معاشرت با دیگران جهت فراهم نمودن زمینه برای داشتن تجربه زندگی مستقل برای معلولین تحت نظر مددکاران و روانشناسان در دستگاه‌های ذی ربط مورد نظر قرار گیرد که برای تحقق آن تعیین مستمری و بهره‌مندی از خدمات بهداشت و درمان رایگان و مسکن مناسب و فراهم بودن وسیله ایاب و ذهاب متناسب با نوع معلولیت آنان و... از نیازهای اولیه آنها محسوب می‌گردد و لازم است برای تأمین آنها برنامه‌ریزی‌های دقیق انجام شود.

بند ۹۸ - حق دریافت دستمزد از همسر در برابر انجام امور خانه‌داری در صورت تقاضا و حق حمایت از تأثیر کار زن در منزل بر اقتصاد خانواده و درآمد ملی.

#### توضیح:

از آنجائی که کار در منزل طبق احکام شرع و فتاوی معتبر فقهی از وظایف زن نمی‌باشد، لذا زن می‌تواند در قبال کارهایی که در خانه انجام داده است از همسر مطالبه دستمزد نماید و در صورت تقاضای زن شوهر مکلف به پرداخت اجرت‌المثل اعمالی است که زن به عنوان امور خانه‌داری انجام داده است. علاوه بر آن لازم است ارزش اقتصادی و معنوی کار زن نیز در جامعه توسط دستگاه‌های ذی‌ربط محاسبه گردد تا تأثیر آن بر رشد اقتصاد خانواده و درآمد ملی معلوم گردد.

به عنوان مثال، اگر به جای طبخ غذا در منزل، هر روز و برای هر وعده خانواده‌ها مجبور به تهیه غذا از بیرون بودند، مستلزم هزینه فراوانی بود، یا اگر برای نگهداری بچه‌ها، شخصی به عنوان پرستار از خارج منزل مأمور می‌شد، علاوه بر هزینه بالائی که ماهیانه برای پرستار اختصاص داده می‌شد، قطعاً امنیت و آرامش روانی و رشد عاطفی کودکان به طور کامل تحصیل نمی‌گردید.

به همان نسبت که فعالیت زنان در خانه بر اقتصاد خانواده مؤثر است در افزایش درآمد ملی کشور نیز نقش بسزایی دارد که باید در برنامه‌ریزی‌های

کلان اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مورد توجه و حمایت سیاست‌گذاران در دستگاه‌های دولتی قرار گیرد.



## ب: اشتغال

بند ۹۹ - حق مالکیت بر اموال و دارایی شخصی و بهره‌برداری از آنها با رعایت حدود شرعی و قانونی.

### توضیح:

زنان بر اموال و دارایی‌های خویش اعم از منقول و غیر منقول (با هر عنوانی که باشد مانند مهریه، جهیزیه، نفقه، ارث، هدیه، حقوق ماهیانه و...) دارای حق مالکیت می‌باشند.

«مالکیت» عبارت از رابطه‌ای است که بین شخص و چیز مادی تصور شده و قانون آن را معتبر شناخته و به مالک حق می‌دهد که انتفاعات ممکنه را از آن ببرد و کسی نتواند از او جلوگیری کند.

البته لازم به توضیح است مالکیتی که در قانون و دین اسلام محترم شناخته شده مالکیتی است که طبق موازین قانونی و شرعی تحصیل شده باشد و باید مطابق این موازین نیز مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بنابراین اگر مثلاً زنی با استناد به حق مالکیت، منزل شخصی‌اش را مرکز اعمال منافعی عفت و خلاف اخلاق عمومی قرار دهد ممکن است به موجب قانون مورد تعرض قرار گیرد، همین طور است هنگامی که کسی با اعمال مالکیت خود موجب ورود ضرر و خسارت به دیگری یا به منافع عمومی شود.

علاوه بر لزوم کسب و بهره‌برداری مشروع از اموال لازم است که افراد برخی احکام اسلامی را در خصوص اموال خود رعایت نمایند که از آن

جمله می‌توان به لزوم پرداخت خمس و زکات اشاره نمود و امور مذکور در واقع حدود مالکیت فرد بر اموالش را معین می‌کند.  
بند ۱۰۰- حق زنان در انعقاد قراردادها و ایقاعات.

### توضیح:

اعمال حقوقی را می‌توان به دو گروه ممتاز تقسیم کرد: (۱) عقود

(۲) ایقاعات

عقد که «قرارداد» و در امور مالی «معامله» نیز نامیده می‌شود، عمل حقوقی است که برای ایجاد آن نیاز به دو اراده است. دو یا چند شخص باید توافق کنند تا از برخورد اراده‌های ایشان عقد به وجود آید: مانند عقد بیع که از توافق خریدار و فروشنده حاصل می‌شود یا اجاره ملک.  
ایقاع دسته‌ای از اعمال حقوقی است که با یک اراده انجام می‌شود. در ایقاع نیازی به توافق نیست یک شخص تصمیم می‌گیرد و اثر حقوقی بر آن بار می‌شود: مانند فسخ قرارداد و ابراء.

بنابراین، در قرارداد اراده کسانی که آن را واقع ساخته‌اند مهمترین عامل ایجاد حق است به همین جهت در قراردادها اراده افراد حاکمیت دارد. اصل حاکمیت اراده، در حقوق کنونی به «آزادی قراردادی» تعبیر می‌شود.

بنابر، محترم شناختن اصل مذکور نسبت به همه افراد جامعه، زنان در انعقاد قراردادها و ایقاعات دارای حق می‌باشند پس می‌توانند قرارداد را به هر صورتی که مایلند - با این شرط که مخالف نظم عمومی و اخلاق



حسنة و مغایر با صریح قانون نباشد - منعقد سازند و نتایج و آثار آن را آزادانه معین کنند.

بند ۱۰۱- حق اشتغال بعد از رسیدن به سن قانونی کار و آزادی انتخاب شغل و بکارگیری سرمایه‌های فردی و مسئولیت رعایت قوانین اسلامی در کسب درآمد و نحوه مصرف آن.

#### توضیح:

هر فرد اعم از زن و مرد حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف موازین اسلامی، مصالح مملکت و حقوق دیگران نمی‌باشد، برگزیند، ممکن است دولت به منظور رعایت مصالح عمومی و جلوگیری از تضییع حقوق فردی ضوابط و محدودیت‌هایی را برای اشتغال افراد در نظر بگیرد، یکی از این موارد تعیین سن قانونی کار می‌باشد. این امر می‌تواند از به کار گماردن کودکان کم سن و سال و بیگاری کشیدن از آنان جلوگیری نماید.

حق زنان در بکارگیری سرمایه‌های فردی ایجاب می‌کند که زمینه برای تلاش و فعالیت آنها و استفاده بهینه از توانایی آنان بر اساس استعدادها و توانایی‌هایشان فراهم آید، تا از این طریق هم منافع مادی و معنوی برای زنان حاصل شود و هم سرمایه‌های ملی که برای تربیت زنان متخصص، و صاحب نظر در رشته‌ها و گرایش‌های مختلف صرف شده است، به هدر نرود.

لازم به توضیح است که حقوق و آزادی زنان در کسب درآمد و نحوه

مصرف آن محدود به رعایت موازین اسلامی، مصالح و حقوق عمومی و حقوق خصوصی دیگر افراد جامعه می‌باشد، بنابراین زنان با استناد به آزادی خود در انتخاب شغل نمی‌توانند به راه‌های نامشروع یا غیر قانونی کسب درآمد از جمله فحشاء، غناء، تهیه و توزیع سی‌دی‌های مستهجن و یا مشارکت در تولید آن فروش مشروبات الکلی، مواد مخدر، دایر کردن اماکن فساد، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات و مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی و ربا پردازند. زنان در نحوه مصرف درآمد خود نیز ملزم به رعایت شرایط قانونی و موازین اسلامی، می‌باشند، تکلیف به پرداخت مالیات، خمس و زکات از مصادیق این امر محسوب می‌شود.

**بند ۱۰۲- حق بهره‌مندی زنان از اطلاعات، آموزش‌ها و کسب مهارت‌ها و امکانات کار جهت اشتغال مناسب و حق برخوردارگی از حمایت در این امور برای زنان خود سرپرست و سرپرست خانوار.**

#### **توضیح:**

همه افراد جامعه از جمله زنان حق دارند تا از اطلاعات و آموزش‌های لازم جهت اشتغال مناسب بهره‌مند گردند، آنان حق دارند تا از مهارت‌های لازم جهت اشتغال همچون خدمات حرفه‌آموزی و امکانات کار مناسب برخوردار شوند، دولت نیز موظف است تا برای آن گروه از بانوان که نیازمند درآمد حاصل از شغل می‌باشند همچون زنان خود سرپرست و یا سرپرست خانوار امکانات لازم جهت اشتغال مناسب و متناسب با توانایی‌ها

و نیاز آنان را فراهم نماید.

**بند ۱۰۳-** حق برخورداری زنان از مشاوره شغلی و کاریابی توسط بانوان.

**توضیح:**

مشاوره شغلی به منظور شناسایی و معرفی فرصت‌های شغلی متناسب با شرایط جسمی - روحی بانوان از حقوق مربوط به اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان می‌باشد.

وجود کارشناسان زن در ارائه خدمات مشاوره‌ای مذکور اولویت دارد زیرا آنان به نیازها و شرایط خاص و امکانات و تسهیلات لازم برای بانوان توجه بیشتری مبذول می‌نمایند.

**بند ۱۰۴-** حق برخورداری از مزد و مزایای برابر، در شرایط کار مساوی با مردان و سایر زنان.

**توضیح:**

در مشاغل گوناگون، زنان باید در شرایط کاری همچون ساعات کار، بهداشت محیط و... با مردان، مساوی باشند و نیز از دستمزد برابر و سایر مزایا (به تناسب نوع شغل) مانند پاداش، اضافه کار، عیدی، کارانه، حق مسکن، حق خواربار، کمک عائله‌مندی و بن‌های خرید کالا و... به طور یکسان بهره‌مند گردند.

همچنین در بین زنان نیز نباید برقراری برخی روابط فامیلی و یا

دوستی‌ها و جناح‌بندی‌های سیاسی و نیز استفاده از جاذبیت‌های خاص زنانه، موجب بهره‌مندی عده‌ای از امکانات و تسهیلات برتر شغلی باشد.

بند ۱۰۵- حق بهره‌مندی از امنیت شغلی، اخلاقی و ایمنی و مسئولیت رعایت عفاف در محیط کار.

### توضیح:

به منظور جلوگیری از تضييع حقوق مادی و معنوی زنان، لازم است آنها از امنیت شغلی، امنیت اخلاق و ایمنی کافی بهره‌مند باشند.

تأمین امنیت شغلی سبب خواهد شد تا به علل واهی نتوان زنان را از کار بیکار کرد و یا تمام یا بخشی از حقوق آنان را نادیده گرفت.

تأمین امنیت اخلاقی، به منظور رعایت شأن و شخصیت زنان در محیط کار برای آنان لازم است.

رعایت ایمنی کافی، بنابر ویژگی جسمی و روانی زنان و آسیب‌پذیری بیشتر آنان ضروری می‌باشد به این ترتیب انجام کارهای زیان‌آور و یا اشتغال در برخی فضاهای خطرناک از جمله محیط‌های آلوده به مواد رادیو اکتیو و... باید برای زنان ممنوع و یا طوری محدود گردد که منجر به بروز آسیب‌های جسمی و بیماری‌های مختلف برای آنان یا فرزندانشان نشود.

به منظور حفظ حرمت زن و فراهم شدن زمینه برای رشد و تکامل معنوی آنان در محیط کار، زنان ملزم به رعایت عفاف می‌باشند و توجه به این امر قطعاً در تأمین ایمنی فکری و اخلاقی همه افراد و افزایش کارایی

آنان در محیط‌های کار مؤثر خواهد بود.

بند ۱۰۶- حق معافیت از کار اجباری، خطرناک، سخت و زیان‌آور در محیط کار.

توضیح:

اشتغال در زمره فعالیت‌های اقتصادی زنان در جامعه است که معمولاً با هدف تأمین اجتماعی فردی و خانوادگی آنها انجام می‌شود و باید فعالیتی آزاد و داوطلبانه باشد که با اراده خود به آن بپردازند.

بنابراین اعمال هر گونه اجبار و اقدام به بهره‌کشی از بانوان توسط هر کس یا هر مؤسسه یا نهاد دولتی و غیر دولتی، مخالف با شئون انسانیت ممنوع می‌باشد و متخلف را تحت پیگرد قانونی قرار می‌دهد.

همچنین حق معافیت از کار خطرناک، سخت و زیان‌آور به منظور حمایت بیشتر از زنان مقرر شده است تا جسم و روان آنها در ضمن کار از ورود لطمات احتمالی در امان بماند.

بند ۱۰۷- حق برخورداری از تسهیلات و ضوابط و قوانین متناسب با مسئولیت‌های خانوادگی (همسری - مادری) زنان در جذب، بکارگیری، ارتقاء و بازنشستگی آنان در زمان اشتغال.

توضیح:

بانوان متناسب با نقش پر اهمیت « مادری - همسری » که در خانواده دارا می‌باشند از برخی تسهیلات و امکانات حمایتی در امر اشتغال برخوردار

هستند که عبارتند از:

امکان تغییر نوع کار از سنگین‌تر به سبک‌تر در دوره بارداری با تشخیص خطرناک بودن یا سختی کار قبلی توسط پزشک.

اعطای مرخصی زایمان به مدت (۴) ماه به مادران و لزوم تأمین امنیت شغلی آنها پس از پایان مرخصی.

دادن فرصت شیردهی به مادران شیرده تا پایان دو سالگی در بین ساعات کار و احتساب آن زمان جزء ساعات کار.

ایجاد مراکز نگهداری کودکان (شیرخوارگاه، مهدکودک و آمادگی) در جوار محل کار کارکنان زن.

امکان اشتغال بانوان به صورت نیمه وقت و بهره‌مندی از حقوق، فوق‌العاده و مزایای شغلی متناسب با ساعات کار و احتساب سنوات خدمت نیمه وقت بانوان از لحاظ سابقه خدمت لازم برای بازنشستگی و استفاده از حقوق وظیفه یا مستمری به طور کامل و ممنوعیت استخدام جدید به هر شکل به جای کارمند زن نیمه وقت.

بهره‌مندی از مزایای بازنشستگی با سنوات کمتر خدمت.

و...

بند ۱۰۸- حق برخورداری از تأمین اجتماعی و تسهیلات اقتصادی.

توضیح:

بهره‌مندی از تأمین اجتماعی در مراحل مختلف زندگی و در مواقع

مختلف زندگی و در مواقع بروز مشکلات از حقوق ضروری زنان است، تا در هنگام پیری، بیکاری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، حوادث و بیماری و... به دور از تشویش خاطر، در آرامش و با رعایت کرامت انسانی، نیازهایشان به نحوه شایسته تأمین گردد.

**بند ۱۰۹- حق مشارکت زنان در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و ایجاد و اداره تشکل‌های اقتصادی و عضویت در آن.**

#### **توضیح:**

زنان حق دارند تا علاوه بر اشتغال مناسب، در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نیز مشارکت داشته باشند حق زنان در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به ۲ بخش خرد و کلان قابل تقسیم است:

سطح خرد، تنظیم آیین‌نامه‌های اجرائی و دستورالعمل‌های اقتصادی در سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و غیر دولتی را شامل می‌شود که زنان به عنوان مدیر، معاون و یا سایر اعضای فعال می‌توانند در این تصمیم‌گیری‌ها نقش فعالی ایفا نمایند.

سطح کلان، به شرکت در تصمیمات هیأت دولت و مصوبات مجلس شورای اسلامی در امور اقتصادی مربوط می‌شود که قوانین و مقررات، این حق را برای زنان معتبر شناخته‌اند.

ایجاد و اداره تشکل‌های اقتصادی و عضویت در آنها نیز از حقوق زنان است که به موجب آن می‌توانند با تکیه بر اندوخته‌های علمی و تجربیات

عملی خویش در عرصه اقتصاد، از خلاقیت، ابتکار و افزایش کارایی نیروی انسانی و استفاده بهینه از سرمایه‌های بخش دولتی و بخش خصوصی در جهت رشد اقتصاد کشور استفاده نمایند.

«تعاونی‌ها» به عنوان یکی از مهمترین تشکلهای اقتصادی، شرکت‌ها و مؤسسات تولید و توزیع می‌باشند که در شهر و روستا طبق ضوابط اسلامی تشکیل شده‌اند و توسط افراد جامعه اداره می‌شوند.

بند ۱۱۰- حق و مسئولیت دریافت و پرداخت دیه و خسارات بر اساس قوانین و مقررات.

#### توضیح:

دیه مالی است که علت پرداخت آن وقوع جنایت بر علیه جان و اعضای بدن انسان و مرجع تعیین آن شارع می‌باشد. دیه به مجنی علیه یا اولیاءدم تعلق می‌گیرد. در اصطلاح عرفی، دیه به معنی خونبها است. در خصوص ماهیت دیه چند دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول ناظر به «مجازات بودن دیه» می‌باشد. دلایلی که برای تأیید این نظر مطرح می‌شود این است که میزان دیه در شرع و قانون مشخص شده است و هیچ عوضی نمی‌تواند در مقابل نفس یا عضو قرار گیرد عامل تعیین در قانون، جرم است و از آنجائی که مجازات، ضمانت ارتکاب جرم است دیه نیز نوعی از مجازات محسوب می‌شود.

دیدگاه دیگر، مبنی بر «خسارت بودن دیه» است. دلایل این نظر، آن



است که در مواردی پرداخت دیه بر عهده مجرم نیست بلکه بستگان وی در قبال پرداخت دیه مسئولیت دارند درحالی که بنابر اصل شخصی بودن مجازات‌ها، شخص ثالث را نمی‌توان مجازات کرد، بنابر این تعیین دیه در شرع به عنوان جبران خسارت است. در پرداخت دیه اصل بر قابل مصالحه و عفو بودن است و پرداخت دیه در صورت درخواست مجنی‌علیه یا قائم‌مقام او الزامی است.

دیدگاه سوم در مورد ماهیت دیه این است که دیه را تلفیقی از مجازات و جبران خسارت بدانیم زیرا بنابر دلایل مذکور نمی‌توان دیه را بطور مطلق مجازات یا وسیله جبران خسارت تلقی نمود.

البته در خصوص تعریف و ماهیت دیه نظرات مختلفی وجود دارد که در بالا اجمالاً به آن پرداخته شده است در موارد ذیل مطابق با قانون، مجنی‌علیه یا اولیاءدم وی حق مطالبه دیه را دارند و مجرم نیز موظف به پرداخت آن می‌باشد:

قتل، جرح یا نقص عضو که به طور خطاء محض واقع شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به منجی‌علیه و نه قصد فعل واقع شده بر او را داشته باشد مانند آن که تیری را به قصد شکار رها کند، اتفاقاً این تیر به شخصی برخورد نماید. همچنین جنایاتی که توسط دیوانه و نابالغ ارتکاب می‌یابد نیز به منزله خطاء محض است و عاقله جانی ملزم به پرداخت دیه هستند.

قتل، جرح یا نقص عضو که به طور خطا شبیه عمد انجام شود و آن در صورتی است که جانی قصد فعل را که نوعاً سبب جنایت نمی‌شود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد مانند آن که کسی را به قصد تأدیب به نحوی که نوعاً سبب جنایت نمی‌شود بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد یا طبیعی مباشرتاً بیماری را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود، همچنین هر گاه بر اثر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری، قتل، ضرب یا جرح واقع شود به نحوی که اگر آن مقررات رعایت می‌شد حادثه‌ای اتفاق نمی‌افتاد، قتل یا ضرب یا جرح در حکم شبه عمد خواهد بود و جانی ملزم به پرداخت دیه می‌باشد.

همچنین در مواردی از جنایت عمدی که قصاص در آنها جایز نیست. مطابق با قانون جانی ملزم به پرداخت دیه خواهد بود.

در مورد قتل عمد نیز لازم به ذکر است که اگر چه مجازات آن قصاص است ولیکن ممکن است با رضایت و توافق طرفین، ولی دم و قاتل به مقدار دیه کامل یا کمتر یا زیادتر از آن تبدیل شود.

آنچه در خصوص حق و تکلیف افراد در دریافت و پرداخت دیه مطرح شد، در مورد مرد و زن قابل اجرا می‌باشد بنابراین اگر جنایتی نسبت به زن واقع شد او حق دریافت دیه دارد و نیز اگر خود جنایتی بر فردی وارد کرد مسئول پرداخت دیه به آن فرد می‌باشد. همچنین اگر جنایتی نسبت

به خویشاوند سببی و نسبی زن وارد شود که منجر به فوت شود زن از وراثت متوفی باشد از دیه متوفی، ارث می برد. در قانون تفاوت‌هایی در اجرای این حق و تکلیف در خصوص زنان وجود دارد که مبنای آن احکام اسلامی است.

علاوه بر دیه که مقدار آن دقیقاً در شرع تعیین شده است در مواردی ممکن است خسارتی بر فرد وارد شود که جبران آن دقیقاً در شرع مشخص نشده باشد. ارش نیز یکی دیگر از راه‌های جبران خسارت وارده به افراد خصوصاً زنان می‌باشد. مطابق با قانون، هر جنایتی که به عضو کسی وارد می‌شود و شرعاً مقدار خاصی به عنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد، جانی باید ارش بپردازد. ارش هم مانند دیه برای جبران خسارت‌های جسمانی است. مطابق با قانون به طور کلی هر خسارتی قابل جبران است و اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده، در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگی او بشود. وارد کننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است. اگر چه در موردی خصوصاً آسیب‌ها و لطمات جسمانی و معنوی، خسارت‌های وارده از طریق پرداخت دیه یا ارش قطعاً جبران نمی‌شود لکن شاید بتواند تا حدی در تسکین آلام مجنی علیه یا اولیاءدم موثر باشد.

بند ۱۱۱- حق برخورداری از حمایت‌های قانونی مناسب و کارآمد برای ممانعت از بهره‌کشی و تجارت و جلوگیری از بکارگیری زنان و دختران در مشاغل غیر قانونی و غیر مشروع.

#### توضیح:

هر نوع رفتار کالاگونه با زنان و نادیده گرفتن حیثیت و شخصیت آنان از نظر دین اسلام کاملاً مذموم و مردود می‌باشد.

بنابراین قاچاق زنان و دختران و فرستادن آنها به صورت کالا به جوامع دیگر به منظور بهره‌برداری جنسی و سایر سوءاستفاده‌ها، همچنین فعالیت باندهای تجارت زنان با هدایت و سرمایه‌گذاری کشورهای ثروتمند استعماری در قوانین ما، به عنوان یک عمل ضد انسانی ممنوع اعلام شده است و به طور کلی هر نوع تجاوز جنسی به زنان و دختران توسط هر کس و در هر جا، دارای مجازات‌های سنگینی است که در مواردی حتی مرگ متجاوز را بدنبال دارد و این اهمیت حیثیت و رعایت حریم زن را نشان می‌دهد.

اعمال فوق‌الذکر حتی اگر تحت پوشش یک عنوان معتبر مانند ازدواج البته از نوع اجباری آن و بدون رضایت دختر واقع شود. تفاوتی در ماهیت امر ندارد و باز هم غیر مشروع و غیر قانونی است زیرا ازدواج بدون رضایت دختر، حرام و غیر صحیح می‌باشد و آثاری بر آن بار نخواهد شد.

نکته دیگر اینکه، برای حفظ سلامت جامعه و زنان آسیب‌پذیر از آفات

هرزگی و فساد اخلاقی افراد، فعالیت زنان بالاستقلال یا به امر دیگری زنان در اموری مانند روسپی‌گری، کار در رقصه‌خانه‌ها و کلوب‌های تفریحی غیرمجاز، حضور در فیلم‌های مستهجن و آوازخوانی و حمل و توزیع مواد مخدر، تکدی‌گری، مشارکت در سرقت و کلاهبرداری و غیره به عنوان شغل، غیر قانونی و غیر مشروع و دارای پیگرد قانونی می‌باشد.



## فصل چهارم

### حقوق و مسئولیت‌های سیاسی





## الف: سیاست داخلی

بند ۱۱۲- حق و مسئولیت کسب آگاهی و مشارکت و نقش آفرینی در تعیین مقدرات اساسی کشور جهت حفظ و تحکیم نظام اسلامی.

### توضیح :

حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش حقی نشأت گرفته از حاکمیت مطلق خدا بر جهان و انسان است و آثار حقوقی آن بصورت سه اصل زیر می‌باشد :

حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش حقی است الهی و قابل سلب از او نمی‌باشد. این اصل دارای دو مضمون است :

اول: اینکه کسی نمی‌تواند این حق الهی را از انسان به قهر و غلبه سلب کند و او را از حاکمیت بر سرنوشت خویش محروم نماید و اصولاً اعمالی که از روی اجبار و تحمیل انجام پذیرد فاقد ارزش و اثر حقوقی است (رفع عن امتی تسعه... و ما استکر هوا علیه).

دوم: این حق الهی (حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش) با انتقال اختیاری هم قابل سلب نیست به این معنی که خود انسان نیز نمی‌تواند زمام اختیار و حاکمیت بر خود را به دیگری تفویض کند و مسلوب الاختیار تابع دیگری باشد اصولاً از دیدگاه اسلام اطاعت از غیر خدا به عنوان بندگی و سلب اختیار نامشروع از انسان، شرک به شمار می‌رود (وان اطعموهم انکم لمشركون) و بزرگترین جرم طاغوتها و مستکبرین را در به اطاعت کشیدن

مردم می‌داند (فاستخفّ قومه فاطعه)

حق الهی حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش را نمی‌توان در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار داد. زیرا هدف از آزادی و اختیار انسان بهره‌گیری او در دو بعد زندگی مشترک اجتماعی در جهت منافع اختصاصی خود یا جامعه خویش است و به استخدام کشیدن این موهبت الهی برای منافع فرد یا گروه خاص انحراف از سنت خلقت و تعدی از حدود الهی و تجاوز به حقوق مرد ماست و این همان استضعافی است که قرآن آن را محکوم می‌کند.

افراد ملت این حق الهی را مشترکاً در سازماندهی کشور و ایجاد تشکیلات سیاسی بکار می‌گیرند و بطور دسته جمعی این حق خدای را از طریق نهادهای سیاسی و قوای حاکم اعمال می‌نمایند.

نکته قابل توجه آن است که همواره حق مشارکت زنان در تعیین سرنوشت و مقدرات اساسی خود با مسئولیت و تکلیف آمیخته است به این معنی که آنان نمی‌توانند با استناد به حق بودن این امر، از ایفای وظایف نسبت به مشارکت در تعیین مقدرات اساسی کشور استنکاف ورزند. زیرا آنان در قبال حاکمیت بر سرنوشت خود دارای حق و تکلیف می‌باشند و می‌بایست حق خود را در جهت تحکیم هر چه بیشتر نظام اسلامی بکار گیرند زیرا حفظ و تحکیم نظام جمهوری اسلامی قطعاً یکی از وظایف آحاد جامعه اسلامی خصوصاً زنان می‌باشد.

زنان جهت مشارکت در تعیین مقدرات اساسی کشور (شرکت در انتخابات، راهپیمایی، عضویت در احزاب یا...) و نقش آفرینی در این امر (نمایندگی مجلس شورای اسلامی و یا...) نیازمند کسب آگاهی‌های لازم می‌باشند که حکومت وظیفه دارد جهت حفظ و تحکیم نظام اسلامی اطلاعات مورد نیاز را در اختیار آنان قرار دهد و زنان نیز مسئولند به میزان ضرورت اطلاعات لازم را کسب نمایند.

بند ۱۱۳- حق و مسئولیت مشارکت در امور جامعه و نظارت بر آن جهت هدایت جامعه به سوی معنویت و فضائل اخلاقی و پیراستن آن از ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری.

#### توضیح:

نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت خود و جامعه‌اش و بازتابی که اعمال دیگران در سرنوشت او دارد و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که وی ناظر و مراقب اموری باشد که در اطراف او در جامعه‌اش اتفاق می‌افتد. این اصل را قرآن تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر، جزئی از فرائض اجتماعی قرارداده و یکی از مبانی اندیشه سیاسی و ارکان حیات سیاسی مسلمان تلقی کرده است. این اصل قرآنی موجب شده است که فعالیت سیاسی، جزئی غیر قابل تفکیک از مجموعه تلاشهای زندگی اجتماعی هر مسلمان باشد و او را در تعیین سرنوشت جامعه شریک سازد. البته قبل از آن کسب

آگاهی‌های لازم در خصوص شناخت فضائل اخلاقی به عنوان عوامل تکامل و تعالی جامعه مانند عدالت، تقوا، صداقت، پرهیز از اسراف، احترام به حقوق دیگران و شناخت رذایل اخلاقی به عنوان عوامل رکود و سقوط جامعه مانند ظلم، حرص و آز، دروغگوئی و جاه‌طلبی ضروری به نظر می‌رسد.

امر به معروف و نهی از منکر به معنای کنترل عمومی نسبت به اولویت‌ها، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. در اجراء این بند، به عنوان مثال: چنانچه دستگاه‌های دولتی در انجام وظایف خود به هر نحو خلاف اصول رفتار کنند و یا حقوق مردم را تضییع نمایند یا در ترویج ناهنجاری‌های عملی و اخلاقی در جامعه مؤثر باشند، هر کس حق و تکلیف خواهد داشت، به عنوان مشارکت در نظارت همگانی بر اساس اصل مذکور از طرز کار دستگاه‌های متخلف به مجلس شکایت برد و مجلس موظف به رسیدگی خواهد بود.

**بند ۱۱۴- حق آزادی قلم، بیان، اجتماعات با رعایت موازین.**

**توضیح:**

آزادی قلم، بیان و اجتماعات یکی از حقوق اساسی مردم به شمار می‌رود. آزادی با در نظر گرفتن شرایطی که ذیلاً بیان می‌شود. می‌تواند از با عظمت‌ترین وسایل شکوفایی مغز و روان انسانی باشد. شرط اول، آنکه

باید در بهره‌برداری از آزادی بطور جدی مراعات شود تا مانع حرکت تکاملی انسان بوسیله اندیشه و تأمل نشود، بدین معنا که بکارگیری این آزادی، نباید مضرّ به ابعاد روحی و معنوی خود انسان شود. شرط دوم آنکه این آزادی در هیچ مرحله نباید مخلّ آزادی‌های قانونی دیگران شود. بنابراین اگر آزادی انسان - در هر عرصه‌ای که باشد - مخلّ حیات، کرامت و آزادی معقول دیگران و مخالف حیات شایسته و کرامت «خود انسان باشد» حقی برای چنین آزادی وجود نخواهد داشت.

از دیدگاه اسلام - که قوانین ما منبعث از آن است و سعی در انطباق هر چه بیشتر با آن دارد - علاوه بر آنکه افراد در بیان حقایق آزاد هستند در قبال کتمان حقیقت‌های مفید به حال جامعه نیز مسئول خواهند بود و اگر مخفی داشتن حقایق و امتناع از بیان آنها منجر به وارد آمدن آسیب‌ها و اختلالاتی در ابعاد و شئون ضروری انسان‌ها شود، از نظر حقوقی با مخفی کننده مانند عامل وارده کننده اختلال‌ها و آسیب رفتار خواهد شد. بنابراین بکارگیری بیان، قلم و برقراری و شرکت در اجتماعات به منظور انتقال آنچه برای ابعاد مادی و معنوی حیات بشر مفید است یکی از حقوق افراد جامعه تلقی می‌شود و چه بسا پویایی و حرکت جامعه به سمت تکامل در گرو این حقوق و آزادی‌ها باشد و دولت می‌بایست در محیطی بدور از هر گونه اختناق زمینه را برای اعمال هر چه بیشتر این حقوق فراهم نماید.

از آنجائی که حق آزادی قلم، بیان و اجتماعات افراد در ارتباط نزدیک

با حقوق دیگر افراد جامعه و حقوق عمومی می‌باشد، این ضرورت بیشتر احساس می‌شود که ضوابط و چارچوب‌هایی برای اعمال این حق در نظر گرفته شود. بدین معنا که هیچ کس حق ندارد با استناد به آزادی بیان، قلم و اجتماعات به تضعیف ارزش‌های اسلامی، فضای اخلاقی و تضييع حقوق مادی و معنوی دیگران پردازد.

برخی از محدودیت‌های قانونی که برای اعمال حق آزادی بیان، قلم و اجتماعات در نظر گرفته شده، عبارتند از:

افراد حق آزادی بیان و قلم را دارند، مگر آنکه موجب اخلال در مبانی اسلام یا اهانت به ارزش‌های مقدس آن باشد.

بیان هر مطلب به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی ممنوع است.

اشاعه فحشا و منکرات و انتشار هر امری بر خلاف عفت عمومی از طریق گفتن یا نوشتن غیر قانونی است.

هر گونه اقدام اعم از سخنرانی، نویسندگی و تشکیل اجتماعات که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند ممنوع است.

تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج به بهانه حق آزادی قلم، بیان و اجتماعات بر خلاف قانون و قابل پیگیری قانونی است.

به کارگیری قلم و بیان به منظور تحقیر و توهین به جنس زن و استفاده

ابزاری از افراد جایز نیست.

بند ۱۱۵- حق تأسیس احزاب و سایر تشکل‌های سیاسی و فعالیت در آنها با رعایت حفظ استقلال کشور، وحدت ملی و مصالح نظام اسلامی. توضیح:

تشکل‌های سیاسی شامل کلیه گروه‌هایی هستند که فعالیت سیاسی می‌کنند، احزاب مهمترین آنها هستند از مصادیق دیگر آن: تشکل‌های دانشجویی و انجمن‌های سیاسی را می‌توان نام برد. تأسیس و فعالیت در آنها از حقوق زنان می‌باشد، منوط بر اینکه فعالیت‌های مزبور با استقلال کشور، وحدت ملی و مصالح نظام اسلامی منافات نداشته باشد.

### الف - استقلال کشور

حفظ استقلال همه جانبه کشور، در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از اهداف متعالی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بنابراین هر فعالیت سیاسی که به نوعی علیه تمامیت ارضی یا استقلال کشور انجام شود، به عنوان نمونه منجر به جدا شدن بخشی از خاک کشور یا ارائه اطلاعات مربوط به امور کشور به دشمن شود و یا سبب وابستگی فرهنگی یا اقتصادی به کشوری گردد، ممنوع است.

### ب - وحدت ملی

حفظ همبستگی بین مردم کشور از اقوام و احزاب و جنسیت و مذاهب

مختلف، برای تحکیم نظام اسلامی و افزایش عزّت و اقتدار ملی ضروری می‌باشد و فعالیت تشکلی‌ها و احزاب سیاسی علیرغم تنوع در دیدگاه‌ها و سلیقه خود در صورتی که به حفظ همبستگی میان افراد جامعه خللی وارد نماید، غیر مجاز خواهد بود.

**ج - فعالیت تشکلی‌های سیاسی نباید موجب تضعیف بنیان نظام و تأمین مصالح آن گردد.**

بنابراین نباید حزبی در جهت بی‌اعتمادی مردم نسبت به کارگزاران حکومتی و یا ایجاد بی‌رغبتی در افراد جهت حضور در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اقدام نماید.

**بند ۱۱۶- حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن در مجلس یا شوراهای مختلف، مشارکت در برنامه‌ریزی‌های دولتی و تصدی مدیریت‌های عالی با رعایت موازین.**

**توضیح:**

**الف - حق شرکت در انتخابات**

حق زنان برای شرکت در انتخابات مختلف از جمله انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، مجلس خبرگان و شوراهای، نشأت گرفته از یک حق سیاسی و مبنائی می‌باشد به نام حق «حاکمیت ملی».

معنای «حاکمیت ملی» این است: ملّتی که اسلام را می‌خواهد و انتخاب می‌کند، مسلمان بودنش به این نیست که چشم و گوش بسته، به طور مطلق



حق هیچ اظهار نظری نداشته باشد. زیرا در احکام و کلیات شرعی است که نمی‌توان تخلف کرد و اعمال حاکمیت نمود ولی در دایره مباحات و مصادیق و کیفیت اجرای قواعد کلی شرعی می‌توان از طریق شوراها، انجمن‌ها و نظائر آن اظهار نظر نمود و مقرراتی را وضع کرد و با توافق به مرحله اجرا گذارد، حق « حاکمیت ملی » در واقع همان حق تعیین سرنوشت عمومی است که خدا بر اساس اختیار فطری انسان برای رفاه همگان به او داده است تا بیاییم کشور را چگونه بسازیم. بدست مردم چگونه به آن شکل بدهیم و در سازماندهی و اداره کشور به دست مردم چه سان بدان جامعه عمل بپوشانیم و این امر هیچ منافاتی با حاکمیت خدا ندارد بلکه حاکمیت ملی و اراده و انتخاب ملت. مظهر حاکمیت خدا مطرح گردیده است، به این صورت که حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش حقی نشأت گرفته از حاکمیت مطلق خدا بر جهان و انسان معرفی شده است.

### ب - حق انتخاب شدن

فعالیت در عرصه‌های سیاسی جامعه از حقوق مسلم زنان است. بنابراین زنان علاوه بر حق شرکت در انتخابات، حق انتخاب شدن را نیز دارا می‌باشند و می‌توانند به عنوان کاندیدای نمایندگی در مجلس شورای اسلامی یا عضویت در شوراهای اسلامی معرفی و پس از انتخاب به کار مشغول شوند.

البته در خصوص حق زنان برای انتخاب شدن در سمت «ریاست جمهوری» بین صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد و این اختلاف ناشی از تفاسیر متفاوتی است که از عبارت «رجال سیاسی» در قانون اساسی به عنوان یکی از شرایط اصلی داوطلبان برای احراز این سمت، ارائه شده است.

کلمه «رجال» از نظر معنای لغوی مبین آن است که واجدین شرایط ریاست جمهوری از میان مردان انتخاب می‌شود و بر اساس این استنباط زنان حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری بعنوان انتخاب شونده را ندارند.

ولی اگر «رجال» به مفهوم عرفی آن منظور باشد، از این کلمه به معنی شخصیت استنباط می‌شود، بنابراین مانعی برای شرکت زنان به عنوان داوطلب احراز این مقام وجود ندارد.

گرچه در قانون اساسی در مورد بکارگیری کلمه رجال صراحتی ندارد ولی تفسیر شورای نگهبان در این مورد معنی اول را تأیید نموده است.

### ج - حق تصدی مدیریت‌های عالی

بهره‌مندی از توان علمی و تجربیات عملی بانوان متخصص و کارآمد با جلب مشارکت آنها در برنامه‌ریزی‌های دولتی در عرصه‌های سیاست داخلی و بین‌المللی محقق می‌شود و این در صورتی قابل تحصیل است که مانعی جهت احراز سمت‌های مدیریتی در سطوح مختلف برای زنان لحاظ

نگردد و معیار گزینش در انتخاب، میزان توانائی و کارائی افراد صرفنظر از جنسیت آنان باشد، به این ترتیب زمینه برای اعمال حق زنان جهت مشارکت و مدیریت در عرصه سیاست کشور فراهم و جامعه از دانش و تجربه این نیروها بهره‌مند خواهد شد.

البته این حق زنان در مواردی خاص که در قوانین و مبانی شرع مقدس استثناء شده است و زنان از پذیرفتن مسئولیت معاف شده‌اند، قابل اعمال نخواهد بود، از آن جمله می‌توان به عدم نصب زنان در مقام رهبری اشاره نمود.

#### د - رعایت موازین

در تحقق سه حق شرکت در انتخابات، انتخاب شدن و تصدی مدیریت‌های عالی برای زنان و مردان موازین خاصی حاکم است از جمله لزوم تبعیت ایران برای شرکت در انتخابات یا داشتن صلاحیت‌هایی برای انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی و یا داشتن توانایی علمی لازم جهت تصدی مدیریت‌های عالی همچون اجتهاد برای عضویت در شورای نگهبان.



## ب: سیاست بین‌المللی

بند ۱۱۷- حق و مسئولیت آگاهی از رویدادها و مسائل سیاسی جهان،  
به ویژه جهان اسلام.

### توضیح:

«مسائل سیاسی جهان» شامل موضوعاتی است که در صحنه بین‌المللی مطرح و بر سر آن بحث و نظر وجود دارد همچون مسئله طرح خاورمیانه بزرگ.

«رویدادهای سیاسی جهان» شامل وقایعی است که در روابط میان دولت‌ها یا دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در جهان محقق می‌شود به گونه‌ای که حقوق افرادی از جامعه بشری را به نوعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله قتل عام مسلمانان در بوسنی، کشتار فلسطینیان، حمله به افغانستان و عراق، از رویدادهای سیاسی جهان هستند.

امروزه با توسعه ارتباطات میان کشورهای جهان و پیوستگی روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنها، مشارکت و تعاون بین‌المللی بر سر معضلات و مشکلات جهانی امری ضروری به نظر می‌رسد و لازمه انجام اقدامات مفید و مؤثر در این زمینه از سوی مسلمانان، داشتن «آگاهی» است، بنابراین کسب آگاهی حق زنان می‌باشد تا با این آگاهی از مسائل و رویدادهای سیاسی جهان و با استمداد از منابع غنی مذهبی و ملی خود بتوانند به تحلیل صحیحی از وضعیت حاکم دست یابند و سپس به اظهار

نظرات کارشناسانه و ارائه راه‌حل‌های مناسب در موضوعات سیاسی جهان بویژه در مسائل خانواده، زنان و کودکان پردازند.

بند ۱۱۸- حق توسعه ارتباط و تبادل اطلاعات سیاسی سازنده بین بانوان ایران و جهان با رعایت مصالح ملی و ضوابط قانونی.

#### توضیح:

یکی از اصول سیاست فرهنگی نظام ما در شرایط کنونی، برقراری ارتباط فعال و تحکیم و تقویت همبستگی با سایر ملل خصوصاً کشورهای اسلامی می‌باشد البته این حضور زمانی مصالح ملی و بین‌المللی کشور ما را تأمین خواهد کرد که ما در عرصه‌های بین‌المللی، ابتکار عمل را در اختیار داشته باشیم و هیچگاه در ورطهٔ انفعالی نلغزیم.

امروزه، در زمینه‌های سیاسی فرصت‌های ارزنده‌ای برای توسعه حضور ما در جهان وجود دارد و این فرصت‌ها منحصرراً برای دولت ما مطرح نیست بلکه برای مردم خصوصاً زنان نیز در قالب تشکلهای غیر دولتی (NGO) یا سمن (سازمان‌های مردم نهاد) این فرصت بیش از پیش فراهم آمده است.

زنان حق توسعه ارتباط و تبادل اطلاعات سیاسی با زنان سایر ملل خصوصاً کشورهای اسلامی را دارا می‌باشد منظور از توسعه، افزایش تعداد و تنوع موضوعات با حفظ انسجام بین آنها است بدین معنی که موضوعات و مسائلی که زاییدهٔ شرایط و اوضاع سیاسی جدید است مورد تبادل

قرار گیرد. حق زنان در توسعه تعاملات سیاسی در عرصه‌های بین‌المللی می‌بایست در چارچوب مصالح ملی و ضوابط قانونی صورت پذیرد. در هر نقطه از جهان که مسائل نوع بشر و جوامع بشری خصوصاً زنان مطرح می‌گردد، برای زنان ما ضرورت حضور جدی است چون ما بنابر باورهای اعتقادی مان نمی‌توانیم نسبت به سرنوشت سایر انسان‌هایی تفاوت باشیم. آنچه مسلم است اینکه ایجاد زمینه به منظور رشد و شکوفایی و ارتقاء سطح آگاهی‌های زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و برقراری ارتباط میان آنان با زنان سایر ملل خصوصاً دول اسلامی در بیداری و نفوذناپذیری زنان جهان در مقابل سیاست‌ها و تصمیمات استعمارگرانه ابرقدرت‌ها می‌تواند مؤثر باشد و آنچه حائز اهمیت است اینکه حضور ما نباید صرفاً جنبه انفعالی و تأثیرپذیری داشته باشد بلکه توسعه ارتباط و تعامل سیاسی زنان در عرصه‌های بین‌المللی می‌بایست به معرفی ارزش‌های ناب و اصیل اسلام و نیز طرح دیدگاه‌ها و رویکردهای نظام جمهوری اسلامی ایران پیرامون حقوق سیاسی زنان منتج شود. در این صورت تداوم این ارتباطات در حفظ همبستگی و انسجام جهان اسلام، همچنین تعدیل و تقویت جایگاه نظام جمهوری اسلامی ایران در جهان و نقض ادعاهای برخلاف واقع کشورهای ابرقدرت علیه ایران و شناسایی چهره حقیقی اسلام مؤثر خواهد بود و برای تحقق اهداف مذکور، مسلماً حضور زنان ما در گستره ارتباطات و تعاملات سیاسی در جهان امروز می‌بایست با توجه به اصول

سه گانه «عزت»، «حکمت»، «مصلحت» صورت پذیرد.

بند ۱۱۹- حق و مسئولیت حضور فعال و مؤثر در مجامع اسلامی، منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه در زمینه مسائل مربوط به زنان با رعایت ضوابط قانونی.

#### توضیح:

زنان متخصص و کارآمد که شرایط لازم برای برقراری تعاملات سازنده در عرصه‌های بین‌المللی را احراز نموده‌اند، حق و وظیفه حضور الهام‌بخش، فعال و مؤثر در مجامع بین‌المللی، منطقه‌ای و اسلامی را دارا می‌باشند بنابراین، هیچ کس نمی‌تواند آنان را از این حق محروم نماید، همچنین آنان نیز موظف به ایفای مسئولیت‌های خود در این رابطه می‌باشند. آنچه مسلم است اینکه این حق می‌بایست در چارچوب اصول سیاست خارجی نظام و رعایت مصالح ملی و بر اساس اصول سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت اعمال شود، بنابراین هر گونه فعالیت بین‌المللی که منجر به تسلط و تغلب کشورهای سلطه‌جو بر مسلمانان گردد، جایز و قابل توجیه نمی‌باشد.

این امر مستلزم آن است که دولت زمینه لازم را برای رشد و ارتقاء آگاهی‌های علمی و عملی زنان به منظور برقراری تعاملات مطلوب در عرصه‌های بین‌المللی فراهم نماید. حضور فعال و مؤثر زنان در مجامع بین‌المللی بدین معنا است که آنان با به دست گرفتن ابتکار عمل در تصمیم‌گیری‌ها و رایزنی‌ها، موفق به تبیین دیدگاه‌های واقعی دین اسلام



و رویکرد نظام جمهوری اسلامی نسبت به زن و جایگاه او در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و سیاسی شوند.

اعزام زنان توانمند و متخصص به اجلاسهای بین‌المللی، سمینارها و همایش‌های مختلف در مجامع بین‌المللی، منطقه‌ای و اسلامی با رعایت مصالح امت اسلامی و منافع ملی جمهوری اسلامی می‌تواند در تقویت انسجام و تحکیم مودت زنان مسلمان و نیز معرفی دین مبین اسلام به زنان غیر مسلمان و تلطیف قلوب آنان نسبت به اسلام مؤثر باشد.

نقش زنان در مجامع بین‌المللی نسبت به مسائل زنان و خانواده و کودکان از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است.

جایگاه زنان و خانواده در مسائل سیاسی جهان آنجاست که امروزه غرب با هدف استیلای همه‌جانبه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مفهوم جدیدی از خانواده را در عرصه بین‌المللی به دولت‌ها تحمیل می‌کند به گونه‌ای که دولت‌ها باید مجبور شوند این دیدگاه‌ها را به رسمیت بشناسند و به آن پای‌بند بمانند.

به طور مثال غرب می‌کوشد تا زندگی مشترک همجنس‌بازها و یا زندگی مشترک بدون ازدواج با عنوان خانواده به رسمیت شناخته شود. حال آنکه این امر، مورد پذیرش برخی از دولت‌ها بخصوص دولت‌های اسلامی نمی‌باشد.

علاوه بر آن غرب استیلاگر الگوی استقلال فردی اعضای خانواده را در

جهان به گونه‌ای تحمیل می‌کند که منجر به سستی روابط زن و شوهر و فرزندان شده کودکان در مهمترین نهاد تربیتی و شکل‌گیری شخصیت از تربیت اولیاء بدون بهره می‌مانند و در عوض توسط رسانه‌های غربی هویتی غرب‌گرا و منفعل می‌یابند.

**بند ۱۲۰- مسئولیت تلاش جهت تقویت همبستگی در میان زنان مسلمان و حمایت از حقوق زنان و کودکان محروم و مستضعف جهان.**

#### **توضیح:**

مسلمانان، مجتمعی مرکب از افراد مختلف از نظر «نژاد» و «خاک» و «خون» می‌باشند که اگر واجد وحدت فکر و عقیده و هدف باشند خواهند توانست بر اساس آن برنامه‌ای واحد بر اساس مصالح متحدی تنظیم و با هماهنگی خاص آن را اجرا و همگی در ابقای آن تشریک مساعی کنند:

اهمیت تقویت همبستگی میان زنان مسلمان آن است که هر زن مسلمان می‌تواند در ابقاء و استحکام بنای عظیم امت اسلامی در مقابل هجوم تبلیغات فرهنگی و توطئه‌های سیاسی دولت‌های مستکبر، مؤثر و دخیل باشد.

بنابراین لازم است با برگزاری سمینارهای مختلف و تأسیس شبکه‌های مشترک اطلاع‌رسانی و مطالعه و تحقیق برای یافتن مسائل مشترک زنان مسلمان در کشورهای جهان و طرح آنها در مجامع مهم اسلامی و انجام فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی دیگر برای تحکیم رابطه میان زنان مسلمان

برنامه ریزی شود.

از دیگر مسئولیت‌های سیاسی زنان مسلمان می‌توان به وظیفه حمایت از حقوق زنان و کودکان مستضعف جهان اعم از مسلمان و غیر مسلمان اشاره کرد.

مستضعفین کسانی هستند که توسط حکومت‌های مستکبر و قدرتمند در محرومیت‌های فکری، معنوی و مالی به سر می‌برند و از حرکت آنها به سوی رشد و کمال ممانعت شده است.

تلاش برای رهایی این قشر و حمایت از کلیه حقوق آنها در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی از وظایف مهم زنان مسلمان است تا زمینه برای تکامل و تعالی آنان چه از نظر فردی و چه از نظر اجتماعی فراهم گردد.

**بند ۱۲۱- حق برخورداری زنان پناهنده به جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت و سلامت و امکان بازگشت آنها به وطن خود.**

**توضیح:**

زنان و دخترانی که به جمهوری اسلامی ایران پناهنده شده‌اند، حق برخورداری از کلیه حقوق انسانی اعم از سلامت جسمانی و امنیت روانی را دارا می‌باشند و همه افراد جامعه موظف به رعایت اخلاق حسنه در قبال آنها می‌باشد. همچنین آنان حق دارند که در چارچوب رعایت قوانین و مقررات، به زندگی خود در ایران ادامه بدهند و دولت موظف است در

صورت تمایل دختران و زنان پناهنده تسهیلات لازم جهت بازگشت آنان به موطن اصلی خود را فراهم نماید.

جان، مال و ناموس زنان و دختران پناهنده در ایران، همانند اتباع ایرانی محترم است و می‌بایست از هرگونه تعرضی مصون باشد و در صورت نقض حقوق مزبور، آنان حق دادخواهی و دفاع از حقوق خود را خواهند داشت و دولت نیز موظف به حمایت از حقوق آنان است.

به طور کلی پناهنده به فردی اطلاق می‌گردد که بنا به دلایلی نظیر نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی خاصی در کشور متبوع خود مورد شکنجه قرار می‌گیرد و یا امکان تجاوز و تعدی به جان، مال و آبروی او وجود دارد بنابراین نمی‌توانند یا نمی‌خواهند خود را تحت حمایت کشور متبوع خویش قرار دهند، و به کشور دیگری پناه برده و خود را تحت لوای حمایت‌های آن کشور قرار می‌دهند.

**بند ۱۲۲- حق برخورداری اتباع زن ایرانی از حمایت‌های دولت در برابر اتباع سایر کشورها در حدود مقررات و معاهدات.**

**توضیح :**

زنان ایرانی حق دارند در داخل و به ویژه خارج از کشور نسبت به هر گونه تعرض مادی و معنوی که توسط اتباع سایر کشورها نسبت به آنان انجام شود از حمایت دولت جمهوری اسلامی ایران برخوردار باشند و

حمایت‌های دولت کلیه حقوق خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و قضائی زنان را در حدود قوانین شامل می‌شود.

از آنجائی که مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دولت‌ها منعقد شده باشد در حکم قانون است، بنابراین در کیفیت و کمیت این حمایت‌های دولت از زنان و نحوه برخورد با تبعه یا اتباع کشور دیگر مفاد عهدنامه‌هایی نیز که میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت متبوع فرد مرتکب منعقد شده است باید توسط محاکم یا سایر مراجع ذی‌صلاح رعایت شود.

**بند ۱۲۳- حق بهره‌مندی زنان ایرانی از حمایت‌های قانونی در خصوص ازدواج و تشکیل خانواده با مردان غیر ایرانی با رعایت ضوابط. توضیح :**

ازدواج زن مسلمان با غیر مسلمان جایز نمی‌باشد ولی ازدواج زن مسلمان با مرد مسلمان اعم از آنکه ایرانی یا غیر ایرانی باشد صحیح است البته در صورت اخیر (ازدواج با اتباع بیگانه) قانون‌گذار شرایط و ضوابطی را به منظور حفظ مصالح ملی و جلوگیری از تزییع حقوق فردی زنان، در نظر گرفته است که زوجین ملزم به رعایت آن می‌باشند. یکی از مهمترین حمایت‌های قانونی از زنان ایرانی در خصوص ازدواج آن است که هر زن ایرانی که با تبعه خارجی ازدواج نماید به تابعیت ایرانی خود باقی می‌ماند مگر اینکه مطابق قانون کشور متبوع زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع

عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود که در این صورت هم قانون‌گذار به منظور حمایت بیشتر از زنان تمهیداتی را برای بازگشت به تابعیت ایرانی مقرر کرده است.

بدین ترتیب زنان ایرانی که با تبعه خارجی ازدواج می‌کنند حق دارند تا در خصوص ثبت ازدواج، حقوق مالی زندگی مشترک، حضانت فرزندان، اختلافات خانوادگی و... از حمایت‌های قانونی بهره‌مند باشند.

### ج: امور دفاعی و نظامی

بند ۱۲۴- حق و مسئولیت زنان در دفاع مشروع از دین و کشور و نیز جان، مال و ناموس خود و دیگران.

توضیح:

#### الف - حق و مسئولیت دفاع از دین و کشور

دفاع از دین و کشور در صورت حمله دشمنان، تکلیف همه مسلمانان از زن و مرد می‌باشد علاوه بر این تکلیف، زنان در حفظ دین و کشور از هر تهدیدی دارای حق نیز هستند. بنابراین دولت موظف است زمینه را برای زنان در خصوص ارائه آموزش‌های لازم نظامی و عقیدتی فراهم آورد تا آنها از اعمال این حق در دفاع از سرزمین و آئین خود برآیند.

#### ب - حق و مسئولیت دفاع از جان، مال و ناموس خود و دیگری

دفاع مشروع ناظر بر حق هر انسان از جمله زنان به حفظ جان، مال و ناموس خود یا دیگری در موارد ضروری است همچنین اسلام، دفاع در مقابل تجاوز به موارد مذکور را برای هر مسلمانی با وجود توان و استطاعت یک فریضه می‌داند.

#### ج - دفاع مشروع

قانون‌گذار اسلامی حق دفاع را برای کسی که مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته، محترم شمرده است، اما اعمال این حق را بدون قید و شرط نپذیرفته بلکه شرایطی را برای آن لازم دانسته است که عبارتند از:

۱- تجاوز فعلی یا خطر قریب الوقوع: قصد تجاوز به جان، مال، عرض، ناموس و آزادی تن خود یا دیگری باید به مرحله فعلیت و واقعیت درآمده باشد بنابراین ظن تعرض یا خطری که وقوع آن نزدیک نیست مانند تهدید لفظی، این حق را به شخص نمی‌دهد.

۲- تجاوز غیر قانونی: تجاوز باید غیر قانونی باشد. دفاع وقتی مصداق پیدا می‌کند که در مقابل تعرض غیر قانونی یا غیر عادلانه باشد، چنانچه اعمال به ظاهر تعرض آمیزی انجام شود که مبنای آن دستور مقام صلاحیتدار و یا حکم قانون است مانند جلب و دستگیری بزهکار یا تحمیل کیفر به محکوم علیه از شمول دفاع مشروع خارج است.

۳- ضرورت دفاع: دفاع باید ضرورت داشته باشد. مهم‌ترین دلیل، اجازه قانونگذار به دفاع در برابر تجاوز ناحق و نامشروع، ضرورت آن در اوضاع و احوالی است که مدافع راه دیگری برای انتخاب ندارد و تنها راه نجات وی اقدام خودش می‌باشد.

۴- تناسب دفاع با تجاوز: تناسب به این معنی است که بین صدمه احتمالی ناشی از تعرض و صدمه‌ای که برای پرهیز از آن ضروری است، ارتباط منطقی وجود داشته باشد و عمل مدافع بیش از حد لازم نباشد.

موضوع تعرض در دفاع مشروع عبارت است از: نفس، عرض، ناموس، مال و آزادی تن

تعرض به «نفس» هر فعلی مانند قتل، جرح و ضرب را شامل می‌شود.



تعرض به «عرض» هر گونه عملی است که حیثیت اجتماعی و عفت خانوادگی و شرافت اخلاقی شخص را جریحه‌دار نماید.

تعرض به «ناموس» یعنی لکه دار کردن دامن عفت و هتک عصمت انسان است و هر نوع فعل اعم از ملامسه و برقرار کردن رابطه نامشروع جنسی، تعرض به ناموس محسوب می‌شود.

تعرض به «مال» اعم است از بین بردن یا تخریب عمدی مال و یا استفاده از آن بدون رضایت مالک.

تعرض به «آزادی» سلب آزادی یا محدود کردن آن نظیر بازداشت، حبس و یا هر فعلی که مانع تحرک انسان شود، تلقی می‌گردد.

۱- عدم امکان توسل به قوای دولتی برای دفع حمله متجاوز.

بند ۱۲۵- حق و مسئولیت زنان در مشارکت و تلاش برای تأمین و

### تحکیم صلح عادلانه جهانی

توضیح:

انجام فعالیت‌های صلح جویانه توسط زنان آگاه در سطح ملی و بین‌المللی (در قالب سازمانهای دولتی و غیر دولتی) از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا بانوان فعال در این زمینه علاوه بر تخصص و آگاهی، از احساسات پر مهر و محبت خدادادی نیز بهره‌مندند و حضورشان در مجامع داخلی و جهانی و در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های پیرامون صلح می‌تواند مؤثر واقع شود.

لازم به یادآوری است که در حق و مسئولیت زنان برای برقراری صلح، صلحی مورد نظر می‌باشد که «عادلانه» و مطابق با موازین انسانی باشد بنابراین اگر به مردم کشوری که مورد تجاوز دولت دیگری قرار گرفته و سرزمینشان توسط بیگانه اشغال شده است، صلحی پیشنهاد شود، این صلح، عادلانه نمی‌باشد زیرا منجر به تثبیت وضعیت متجاوز می‌شود. همان‌طور که برای کشور فلسطین اشغالی در حال حاضر این امر مطرح و از سوی مسلمانان مورد اعتراض قرار گرفته و غیر قابل پذیرش اعلام شده است.

**بند ۱۲۶- حق برخورداری زنان از حمایت‌های لازم به منظور حفظ تمامیت جسمانی و جلوگیری از هتک حیثیت و ناموس زنان در دوران جنگ، اسارت و اشغال نظامی.**

#### **توضیح:**

برخورداری زنان از حق حیات شایسته و مصونیت جان، مال و حیثیت آنان از تعرضات غیر قانونی بعنوان یک حق ضروری اختصاص به زمان و مکان معینی ندارد و در هر شرایطی حتی دوران جنگ میان کشورها هر اقدامی که سبب شود به جسم و جان زنان صدمه‌ای وارد آید و یا موجب هتک حرمت و حیثیت آنان شود توسط افراد اعم از نظامیان و غیر نظامیان ممنوع می‌باشد و باید فرد یا افراد متجاوز تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

بنابراین حمایت‌های لازم از زنان باید در دوران اسارت و در زمان اشغال نظامی یک سرزمین توسط دولتی دیگر نیز به عمل آید تا جسم،

جان و حیثیت آنان از تعرضات احتمالی نیروهای دولت مقابل در امان بماند. سازمانهای بین‌المللی ذی‌صلاح و دولت متبوع زنان در این مواقع نقش مؤثری می‌توانند ایفا نمایند. بازدیدهای مستمر قوای نظارت‌کننده برای فراهم نمودن امکانات بهداشتی - درمانی مورد نیاز و ممنوعیت هر اقدام متجاوزانه و منافی عفت که موجب هتک حیثیت بانوان می‌شود و امکان دسترسی زنان به خوراک و پوشاک مناسب و لزوم برخورداری آنها از رفتار محترمانه مأموران نظامی از جمله امور مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

**بند ۱۲۷- حق برخورداری از مصونیت خانه و خانواده از تهاجمات نظامی.**

#### **توضیح:**

خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماع، به لحاظ اینکه مهمترین کانون عواطف انسان‌ها و نخستین پایگاه تعلیم و تربیت آنهاست، از ارزش و احترام ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. لذا در هنگام وقوع جنگ که معمولاً صحنه اقدام نظامیان است، خانه و خانواده افراد باید از تهاجمات نظامی در امان باشد.

بند ۱۲۸- حق برخورداری خانواده‌شهدا، جانبازان، رزمندگان و آزادگان از حمایت‌های ویژه نظام اسلامی.

#### توضیح:

افرادی که در حفظ استقلال و امنیت کشور با ایثار و از خود گذشتگی نقش مؤثری ایفاء نموده‌اند مانند جانبازان، رزمندگان و آزادگان و نیز خانواده‌های آنها لازم است به پاس این خدمت ملی که ارائه نموده‌اند از حمایت‌های ویژه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دولت بهره‌مند گردند که از جمله این حمایت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

بهبود سطح زندگی و اشتغال با اولویت استخدام در ادارات دولتی و غیر دولتی.

فراهم نمودن امکان ادامه تحصیل در مراکز آموزش عالی اولویت استفاده از خدمات درمانی بیمه‌های اجتماعی و مراقبت‌های پزشکی.

بهره‌مندی از تسهیلات بانکی مورد نیاز از جمله وام‌های مسکن و ازدواج.

اختصاص آسایشگاه‌هایی برای بستری نمودن جانبازان با مصدومیت بالا مانند جانبازان هفتاد درصد (۷۰٪) به بالا، قطع نخاع، اعصاب و روان و شیمیایی به صورت رایگان.

و...

**بند ۱۲۹- حق و مسئولیت مادران در نگهداری، تربیت و اولویت در**  
**قیمومت فرزندان در صورت شهادت، اسارت و مفقود الاثر شدن همسر.**

**توضیح:**

در صورتی که پدر به مقام والای شهادت نایل شود یا بر اثر اسارت یا مفقود الاثر شدن نتواند به ایفای حقوق و تکالیف خود در قبال فرزندان بپردازد. از آنجائی که حضانت و نگاهداری اطفال حق و تکلیف والدین است در صورت فقدان پدر، مادران حق و مسئولیت نگهداری و تربیت فرزندان را دارا می‌باشند و نیز، آنان در به عهده گرفتن قیمومت فرزندان خود دارای اولویت می‌شوند. و دولت نیز در صورت لزوم موظف به حمایت از مادران در انجام این امر خطیر می‌باشد.

**بند ۱۳۰- حق بهره‌مندی از آموزش و تصدی مشاغل انتظامی**

**توضیح:**

ارائه دوره‌های آموزشی تخصصی در علوم انتظامی از سطوح مقدماتی تا تکمیلی برای زنان، ضروری است زیرا، آنها در تصدی مشاغل انتظامی در ارتباط با زنان مانند امور مربوط به آزمون‌های راهنمایی و رانندگی، بازرسی زنان، صدور گذرنامه برای زنان، مبارزه با مفاسد اجتماعی در خصوص جرائم زنان و اداره زندان‌های زنان از اولویت برخوردار هستند و ایفای مسئولیت‌های مذکور به نحو احسن، مرهون کسب دانش و مهارت‌های انتظامی لازم توسط زنان می‌باشد که باید زمینه آن توسط دستگاه‌های دولتی ذی‌ربط فراهم گردد.



## فصل پنجم

# حقوق و مسؤلیت‌های قضایی

### بند ۱۳۱- حق برخورداری زنان از آموزش‌های حقوقی؛

#### توضیح:

یکی از زمینه‌های لازم به منظور تأمین حقوق مادی و معنوی زنان در جامعه، بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی و ایجاد شناخت در آحاد جامعه نسبت به این حقوق قانونی می‌باشد. بدین منظور می‌بایست برنامه‌ریزی‌های لازم به منظور آموزش حقوق و مسئولیت‌های قانونی به زنان داده شود. هر چند مردان نیز باید در خصوص آشنایی هر چه بیشتر با حقوق مادی و معنوی زنان از آموزش‌های لازم برخوردار شوند. بدین ترتیب زمینه برای استیفای حقوق زنان در جامعه بیش از پیش فراهم می‌شود.

### بند ۱۳۲- حق برخورداری از تدابیر قانونی و حمایت قضایی به منظور

#### پیشگیری از جرم و ستم به زنان در خانواده و جامعه و رفع آن؛

#### توضیح:

برای حفظ و تأمین حقوق زنان در محیط خانواده و اجتماع از هر تضييع و تعدی، لازم است قانونگذار در قوانین و مقررات حقوقی و کیفری، حقوق زنان در امور مالی و غیر مالی را دقیقاً احصاء و ضمانت اجراهای مؤثری برای آنها مقرر نماید. افراد خانواده (والدین، شوهر و فرزندان) و سایرین در عرصه‌های مختلف مانند محیط کار، تحصیل و... به حقوق زنان آگاه و ملزم به رعایت آنها گردند و به این ترتیب جان، مال، حیثیت و آبروی زنان از هر تعرضی مصون بماند و در سایه این مهم، امنیت



روانی و جسمی زنان در خانواده و جامعه به طور کامل تأمین و در واقع از وقوع جرم علیه آنان پیشگیری شود.

همچنین علاوه بر تدابیر قانونی، باید حمایت‌های قضایی مناسبی توسط ضابطان دادگستری، بازپرسان، قضات صادرکننده رأی، قضات اجرای احکام و... در مواقع لزوم اعمال گردد، تا علاوه بر تسریع در مراحل تعقیب، محاکمه و مجازات متجاوزان به حقوق زنان در خانواده و سایر مجامع، همه خسارات مادی و معنوی نیز که در اثر ارتکاب جرم به آنها وارد شده است جبران شود.

**بند ۱۳۳- حق برخورداری از محاکم خاص خانواده در جهت حفظ اسرار، ایجاد صلح و سازش در خانواده و تسهیل در حل و فصل اختلافات**

#### **توضیح:**

مشکلات و اختلافات خانوادگی، از جهت تأثیری که بر سرنوشت افراد و تأمین سلامت روحی و جسمی افراد دارند، از اهمیت خاصی برخوردارند. لذا باید تدابیری اندیشیده شود، به این امور به طور سریع، با حفظ اسرار و با رعایت مصلحت فردی و خانوادگی اشخاص رسیدگی شود تا میزان آسیب‌دیدگی روانی و اجتماعی افراد هنگام بروز چنین اختلافاتی به حداقل برسد.

به همین منظور برای دعاوی خانوادگی مانند دعاوی مربوط به نکاح،

طلاق، فسخ نکاح، مهریه، نفقه، حضانت، نسب و... محاکم خاصی معین شده است، همچنین قضات رسیدگی‌کننده به این موضوعات نیز باید واجد شرایطی از جمله تأهل و داشتن سابقه کار قضایی باشند.

در کنار محاکم خاص خانوادگی وجود واحدهای ارشاد و امداد و ارائه خدمات مشاوره‌ای برای برقراری صلح و آشتی و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بسیار مفید به نظر می‌رسد که مستلزم بهره‌مندی از نظرات افراد کارشناس و صاحب‌نظر در علوم روانشناسی، جامعه‌شناسی، حقوق و... است. بند ۱۳۴- حق دسترسی زنان به نیروی انتظامی و ضابطین دادگستری زن در صورت تعرض، بزه‌دیدگی، اتهام و ارتکاب جرم

#### توضیح:

حضور زنان در میان نیروهای انتظامی و ضابطین دادگستری، امکان رعایت موازین اسلامی، حقوق انسانی و حفظ کرامت و شأن زنان را در صورت تعرض، بزه‌دیدگی، اتهام و ارتکاب جرم فراهم می‌نماید و به نظر می‌رسد زنان در مواجهه با مأموران زن در بازگرددن وقایع مربوط به جرایمی که علیه یا توسط آنان ارتکاب یافته از آزادی عمل و امنیت بیشتری برخوردار می‌باشند. همچنین این امکان از مجرمان و متهمان زن سلب می‌شود که با استمداد از جذابیت‌های زنانه مأموران مرد را اغوا نموده و اقدام به فرار نمایند و نیز امکان دسترسی زنان به مأموران زن در مراحل کشف جرم، تحقیق، تعقیب و مجازات، اهداف دستگاه قضایی را که اجرای

عدالت و انصاف است، بهتر تأمین خواهد کرد.

«زندان» به عنوان مکانی برای تنبیه و تربیت مجرمان جهت بازگرداندن مجدد آنها به جامعه باید محیطی باشد که از هر نوع ناهنجاری‌های اخلاقی و خشونت‌های غیرقانونی عاری است تا برای مجرمان در سایه امنیت و آرامش حاکم بر آن، امکان اصلاح و بازپروری فراهم آید. بنابراین برای زنان زندانی بهره‌مندی از یک زندگی سالم در سایه سلامت جسمانی و روانی حقی مسلم است و هر اقدام یا مزاحمتی که به نوعی موجب لطمه به تمامیت جسمی و آسایش روانی و هتک حرمت، حیثیت و آبروی آنان شود، ممنوع و دارای پیگرد قانونی خواهد بود.

### بند ۱۳۵- حق زنان در تصدی مشاغل حقوقی و قضایی مطابق قانون

#### توضیح:

مطابق با قانون اساسی، هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. بنابراین یکی از حقوق اساسی افراد از جمله زنان، حق تصدی مشاغل مورد علاقه با رعایت شرایط مذکور می‌باشد و این حق، عام است. بنابراین شامل تصدی مشاغل حقوقی و قضایی نیز می‌باشد. بدین ترتیب زنان متعهد، متخصص و تحصیل کرده در امور قضایی و حقوقی، حق جذب در قوه قضاییه و سایر مراکز و نهادهای مربوطه و تصدی مشاغل حقوقی و قضایی را در محدوده قانون دارا می‌باشند. برای نیل به این مهم، تحقق چند امر

ضروری به نظر می‌رسد، اول آنکه زمینه جهت تحصیل، آموزش، کسب مدارج علمی و تربیت نیروهای متخصص و متعهد در زمینه‌های قضایی و حقوقی برای زنان نیز همانند مردان، البته با لحاظ کردن ویژگی‌ها و شرایط خاص آنان فراهم باشد. دوم آنکه در زمینه‌های شغلی که هیچ ممانعت قانونی در خصوص پذیرش زنان وجود ندارد، سطح علم و دانش و میزان تخصص و تجربه افراد صرف‌نظر از جنسیت آنان مبنای عمل در جذب افراد قرار گیرد. سوم آنکه عدم پذیرش زنان در برخی از مشاغل حقوقی و قضایی باید در چارچوب قانون صورت پذیرد، بدین ترتیب تا حد امکان از اعمال سلیقه‌های شخصی در خصوص تصدی مشاغل مزبور توسط زنان کاسته شود.

**بند ۱۳۶ - حق اقامه دعوا و دفاع در نزد محاکم دادگستری و سایر**

**مراجع قانونی**

**توضیح:**

«اقامه دعوا» راجع به امور حقوقی و کیفری در مراجع ذیصلاح حق همه افراد جامعه و از جمله زنان است تا به این ترتیب در جهت استیفای حقوق مالی و غیر مالی خود، مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و جبران خسارات مادی و معنوی که از سایر تعهدات و الزامات قانونی افراد به نوعی به آنها وارد شده است، اقدام نمایند. از سوی دیگر دادگاه‌ها، دادرها و سایر مراجع واجد صلاحیت ملزم به رسیدگی به دعاوی مطروحه و

انجام مقدمات مقتضی هستند و در صورت استنکاف مسئول و در مواردی مستحق کیفر می‌باشند.

رعایت حق «دفاع» و حقوق متهم در ارائه ادله قانونی متناسب با نوع و موضوع دعوا در داسرا یا دادگاه نیز، در مرحله تحقیقات و صدور حکم برای تحقق عدالت و جلب اعتماد عمومی به نظام قضایی بسیار مؤثر می‌باشد. بنابراین مأموران انتظامی و قضایی برای رعایت حق مذکور ضروری خواهد بود.

از آنجایی که اتهام در امور جزایی ارتباط مؤثری با هتک حیثیت و آبروی افراد دارد، به مواردی از حقوق دفاعی متهم در آیین دادرسی کیفری اشاره می‌نماییم:

- الزام متهم به اتیان سوگند و اعمال خشونت برای افراد یا کسب اطلاعات بیشتر ممنوع است.

- اقدام در جهت «تفهیم اتهام» از سوی مسئولان و مأموران ذیربط ضروری می‌باشد زیرا از یک سو امکان رد اتهام یا اتهامات متناسب را برای متهم فراهم می‌آورد و از سوی دیگر قاضی تحقیق را مجاز می‌کند که به اقدامات ضروری و از جمله اصدار قرارهای تأمینی متوسل شود.

«تفهیم اتهام» عبارت است از اعلام رسمی علل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و شیوه‌ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک باشد.

با تفهیم اتهام مشتکی عنه تبدیل به متهم شده و استفاده از سایر حقوق دفاع مانند حق سکوت و استفاده از معاضدت وکیل مدافع آغاز می‌شود.

- با توجه به ممنوعیت اجبار اشخاص به اقرار به شرح مندرج در قانون اساسی، لزوم رعایت حق «سکوت» متهم هنگام بازپرسی و ... مورد تردید نیست. بنابراین الزام شخص، هر چند متهم، به اقرار و به طریق اولی ایذا و آزار بدنی و روانی او ممنوع و قطعاً دارای پیگرد قانونی می‌باشد.

- حق متهم در استفاده از معاضدت وکیل، در جلسه رسیدگی دادگاه، امکان رعایت عدالت و انصاف را برای متهم افزایش می‌دهد، همچنین در جریان تحقیقات مقدماتی میز حضور وکیل و پیگیری وی طبق قانون برای متهم مجاز است.

- پس از پایان تحقیقات مقدماتی، اخذ «آخرین دفاع» یعنی استعلام دیدگاه و نقطه نظر متهم نسبت به دلایل و قراینی که در پرونده علیه او تحصیل شده را نیز باید از حقوق دفاعی متهم به حساب آورد که مراجع ذیربط ملزم به رعایت آن هستند.

علاوه بر محاکم دادگستری برای طرح دعوی حقوقی و کیفری، قانون‌گذار نهاد دیگری را نیز به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم پیش‌بینی نموده است. این نهاد که ملزم به رسیدگی به شکایات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها می‌باشد، «دیوان عدالت اداری» نام دارد که زیر نظر رئیس قوه

قضایه تأسیس شده است.

بند ۱۳۷ - حق استفاده از وکیل و مشاور حقوقی در دادگاه و سایر مراجع قانونی:

توضیح:

حق استفاده از وکیل یا مشاور حقوقی در دادگاه، گام مهمی در جهت تأمین حقوق زنان در جایگاه شاکی یا متهم می‌باشد. علاوه بر دادگاه، در سایر مراجع قانونی نیز وکیل یا مشاور حقوقی که دارای پروانه وکالت باشد حق انجام اعمال حقوقی را از جانب موکل خود را دارد. به طور نمونه، وکیل حق دارد در صورت عدم وجود موانع قانونی در مراحل تحقیقات مقدماتی که در دادسرا و سایر مراجع قانونی صورت می‌پذیرد، حضور بهم رساند.

اساساً حق زنان در استفاده از وکیل یا مشاور حقوقی در دادگاه و سایر مراجع قانونی، چه در مقام طرح دعوا و به عنوان شاکی یا خواهان و چه در مقام دفاع به عنوان مشتکی عنه یا خوانده کمک می‌کند که در جهت احقاق حقوق خود اقدامات مؤثرتری را انجام دهند، زیرا یک وکیل یا مشاور حقوقی با تسلطی که نسبت به حقوق و تکالیف قانونی افراد دارد می‌تواند در صورت تضییع حقوق زنان و امتناع طرف مقابل از استیفای حقوق آنان با استمداد از راه‌های قانونی به دفاع از حقوق زنان در عرصه‌های مختلف بپردازد.

بند ۱۳۸- حق برخورداری از حمایت‌های همه جانبه دستگاه قضایی در مبارزه با عوامل زمینه‌ساز جرایم علیه زنان و ارتکاب جرایم توسط زنان  
توضیح:

پیشگیری از وقوع جرم علیه زنان مبارزه با عوامل زمینه‌ساز آن، از جمله وظایف مهم دستگاه قضایی است که برای حفظ سلامت و امنیت جامعه باید در ایفای آن تلاش نماید.

لازمه اتخاذ تصمیمات مؤثر در این خصوص، انجام تحقیقات وسیع و همه جانبه در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای شناختن ریشه‌ها و علل ارتکاب جرم علیه زنان و یا توسط آنهاست که بر مبنای همین پژوهش‌ها باید سطح آگاهی زنان و دختران در مورد آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و پیامدهای هر یک، افزایش داده شود تا در مواجهه با افراد خلافکار و گروه‌های فاسد از بصیرت بیشتری برخوردار و از صدمات احتمالی در امان باشند.

همچنین شناسایی توزیع کنندگان کالاهای صوتی و تصویری مبتذل خشونت‌زا علیه زنان یا عوامل ترویج مدهای نامناسب و محرک و اعمال سرعت و قطعیت در مجازات آنها و پلمپ مراکز و تولیدی‌های مربوطه یکی دیگر از وظایف قوه قضاییه می‌باشد که لازم است برای تحقق آن نیروهای خود را در کلاتری‌ها، دادسراها و دادگاه‌ها پشتیبانی نماید.

تعیین مجازات‌های سنگین برای افرادی که زنان را مورد تجاوز



قرار داده یا آنها را اغفال کرده‌اند و انعکاس عمومی این اخبار از طریق رسانه‌های جمعی نیز در ارباب و ممانعت افراد برای ارتکاب جرم علیه زنان و دختران مؤثر خواهد بود.

اعمال مجازات زنانی که مرتکب جرایم مختلف از جمله روسپیگری، دایر نمودن مراکز فحشا، ضرب و جرح کودکان، مشروب‌خواری، تولید و توزیع مشروبات الکلی، قتل، سرقت یا... می‌شوند نیز وظیفه دستگاه قضایی می‌باشد. بدین وسیله با مجازات زنان مجرم، آنان از ارتکاب مجدد این جرم باز داشته و سایر زنانی که قصد عمل مجرمانه می‌کنند نیز از تخلف روگردان می‌شوند.

در حقیقت این مجازات سبب تطهیر خود مجرم و جامعه زنان می‌گردد و نیز آحاد جامعه نیز بدلیل پایین آمدن میزان جرایم از سلامت و امنیت بیشتری بهره‌مند خواهند شد.

**بند ۱۳۹- حق مصونیت زنان متهم از هتک حرمت، اهانت و محرومیت‌های فردی و اجتماعی فراتر از مجازات قانونی؛**

**توضیح:**

حق زنان در برخورداری از «کرامت انسانی» ایجاب می‌کند که آنان در صورت اتهام از اعمال هر نوع رفتار غیر انسانی و غیر اخلاقی مصون باشند. بنابراین در مراحل تعقیب، دستگیری، محاکمه فقط باید طبق قوانین نسبت به آنان اقدام شود و از هر عملی که خارج از حیطه قانون موجب

هتک حرمت، حیثیت و آبروی آنان گردد و یا به سبب محرومیت‌های فراتر از محدوده قانونی شود، اجتناب گردد. علاوه بر آن زنانی هم که جرم آنان در دادگاه ثابت شده فقط در محدوده قانون می‌بایست مجازات گردند.

**بند ۱۶۰- حق زنان در معافیت از مجازات در صورت وجود عوامل رافع مسئولیت کیفری؛**

### **توضیح:**

در قلمرو حقوق کیفری به صرف ارتکاب جرم نمی‌توان بار مسئولیت را یکباره بر دوش مرتکب گذاشت، بلکه پیش از آن باید او را سزاوار تحمل این بار سنگین دانست یعنی بتوان تقصیری که مرتکب شده است نخست به حساب او گذاشت، سپس از او حساب خواست.

بنابراین اگر زن مجرم مدرک یا مختار نباشد، مسئول اعمال خود نیست یعنی در قبال امر و نهی قانون‌گذار تکلیفی ندارد، زیرا خطاب یا امر و نهی قانون‌گذار متوجه کسانی است که دستورهای او را می‌فهمند و قدرت بر اجابت دارند. به همین دلیل زنان و دختران مجنون و یا نابالغ چون نیک و بد افعال خود را درک نمی‌کنند و یا تمییز این دو برایشان دشوار است مسئولیت کیفری نیز نخواهند داشت. همچنین زنی که جرمی را بدون اراده مرتکب می‌شود مانند مجبور و مکروه از مسئولیت معاف است. زیرا قدرت بر ایفای تکلیف را فاقد است.

اثر رفع مسئولیت کیفری، معافیت از مجازات است زیرا مجازات کسی

که قابل سرزنش نیست اثر اصلاحی ندارد. با این همه فقدان مسئولیت کسانی که با ارتکاب جرم به هر جهت خطری متوجه اجتماع کرده‌اند دلیل آن نیست که باید همواره تسلیم آنان شد. جامعه حق دارد و می‌تواند در قبال تهدید بزه‌کاران غیر مسئول به یک رشته تدابیر پیش‌گیرنده دست بزند. این تدابیر اقدامات تأمینی و تربیتی خواهد بود. خواه طردکننده باشد مانند نگهداری بزه‌کاران دیوانه در تیمارستان و خواه تربیتی مانند نگهداری بزه‌کاران خردسال در کانون‌های اصلاح و تربیت فقط با هدف حفظ و صیانت جامعه از خطر بزهکاری.

برخی از عوامل رافع مسئولیت کیفری طبق قانون عبارتند از: جنون، اجبار و اکراه، اشتباه و صغر سن.

بند ۱۴۱ - حق اعاده حیثیت زنان در اثر تقصیر، اشتباه قاضی در موضوع حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص و جبران خسارت مادی و معنوی از آنها؛

توضیح:

در موردی ممکن است بدلیل اشتباه یا تقصیر قاضی در موضوع، حکم یا تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه زنان شود، در این‌گونه مواقع رعایت حقوق مادی و معنوی زنان ایجاب می‌کند که از راهکارهای قانونی نظیر اعاده حیثیت و جبران خسارات وارده به منظور کمک به زنان زیان‌دیده استفاده شود.

خسارت مادی، ضرر و زیانی است که به اموال و دارایی افراد وارد می‌شود و به دو صورت کاهش دارایی مثبت (از بین رفتن عین اموال یا کاهش ارزش آنها) یا افزایش دارایی منفی (اشتغال ذمه به امور مالی) متجلی می‌گردد، همچنین فوت منافع ممکن‌الحصول نیز در زمره خسارات مادی به حساب می‌آید.

خسارت معنوی به ضرر و زیان وارد شده به شهرت، حیثیت و آبرو، آزادی، معتقدات مذهبی، حیات و زیبایی، احساسات و عواطف و علائق خانوادگی اطلاق می‌شود.

برای جبران خسارات مذکور علاوه بر جبران مادی، راه‌های دیگری نیز برای جبران خسارات معنوی مورد توجه قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به الزام مرتکب فعل زیانبار به ارائه مراتب اعتذار خود و یا درج حکم در مطبوعات به منظور اعاده حیثیت زیان‌دیده اشاره کرد. در همه موارد میزان خسارت توسط قاضی ذی‌صلاح و در صورت لزوم با استعلام نظر کارشناس و در هر حال با لحاظ اوضاع و احوال و شخصیت زیان‌دیده از یک سو و میزان مسئولیت و تقصیر مرتکب از سوی دیگر تعیین خواهد شد.

مطابق با قانون، هرگاه در اثر تقصیر قاضی، ضرر مادی بر زنان وارد شود، قاضی مقصر ضامن خواهد بود. در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود. در مورد خسارت معنوی نیز در صورت تقصیر یا

اشتباه قاضی، باید نسبت به زیان‌دیده، اعاده حیثیت صورت پذیرد.  
بند ۱۴۲ - حق برخورداری از تخفیف قانونی از نظر میزان مجازات و  
یا معافیت از آن و یا نحوه اجرا در صورت ندامت و اثبات توبه زنان  
بزه‌کار و در زمان بارداری، شیردهی و بیماری

#### توضیح:

مطابق با قانون در صورت احراز ندامت و پشیمانی در زنان بزه‌کار،  
در تعیین میزان مجازات یا اجرای آن تخفیفاتی اعمال می‌شود. در ذیل به  
برخی از کیفیات مخففه مجازات اشاره شده است:

- اظهارات و راهنمایی‌های متهم: اظهارات و راهنمایی‌های متهم در  
مراجع تعقیب و یا کشف جرم و یا در دادگاه چنانچه در شناختن شرکاء  
و معاونان جرمی که خود او به ارتکاب آن متهم است مؤثر و یا در کشف  
اشیایی که از این جرم تحصیل شده راه‌گشا باشد، از آنجایی که دلالت بر  
ندامت فرد بزه‌کار می‌کند، از جهات تخفیف به شمار می‌رود.

- اعلام و اقرار متهم: اعلام متهم قبل از تعقیب یعنی آگاه کردن مأموران  
به وقوع جرم و یا اقرار او در مرحله تحقیق نزد مقام تحقیق (بازپرس و  
قاضی تحقیق) و یا دادرس که مؤثر در کشف جرم باشد سبب تخفیف  
مجازات می‌گردد. این اعلام و اقرار را در مراحل مختلف باید تا حدودی  
دالّ بر احساس ندامت و قبول مسئولیت متهم در قبال عمل انجام یافته تلقی  
نمود و از این رو او را مستحق تخفیف دانست.

- اقدام یا کوشش متهم پس از جرم: هرگونه اقدام یا کوشش متهم به قصد تخفیف یا تقلیل آثار جرم چه در اثنای جرم یا پس از آن و نیز جبران زیان مادی و معنوی ناشی از جرم پیش از صدور حکم محکومیت کیفری که نشانه ندامت و توبه بزهکار است، موجب تخفیف مجازات می‌شود.

- وضع خاص متهم: وضع خاص متهم ممکن است به وضع جسمانی و روانی اعم از کهولت، بیماری و یا دوران خاصی نظیر بارداری یا شیردهی منصرف باشد.

مطابق با قانون، کیفیات مخففه مذکور در مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده به قاضی اختیار تخفیف در مجازات را می‌دهد و در مورد سایر مجازاتها نظیر حدود و قصاص، در شرع مقدس تخفیفاتی معین شده که در قانون مجازات نیز آمده است. به طور نمونه در حد زنا یا سحوق، هرگاه زن بزهکار قبل از اقامه شهادت، اظهار ندامت و پشیمانی نماید و توبه کند، حد او ساقط می‌شود، همچنین در ایام بارداری و نفاس حد قتل یا رجم بر زن جاری نمی‌شود، پس از وضع حمل نیز در صورتی که نوزاد به جز مادر سرپرستی نداشته باشد، و بدین جهت بیم تلف شدن نوزاد برود، حد جاری نمی‌شود. درخصوص اجرای حکم اعدام نیز مطابق با قانون، تا چهل روز پس از وضع حمل به تعویق می‌افتد.

بند ۱۴۳ - حق زنان در ملاقات والدین، فرزندان و همسر در دوران

حبس طبق قانون

توضیح:

رعایت حقوق معنوی و نیازهای عاطفی و روانی زنان زندانی ایجاب می‌کند، مسئولان و مأموران ذی‌ربط، برای دیدار زندانیان با اعضای خانواده‌شان از جمله والدین، همسر و فرزند تسهیلاتی فراهم آورند تا به طور هفتگی یا ماهانه این ملاقات‌ها با بستگان و آشنایان به طور حضوری و ارتباط مکاتبه‌ای برقرار شود.

بند ۱۴۴ - حق زنان در برخورداری از امکانات مناسب بهداشتی،

فرهنگی، آموزشی و تربیتی در زندان‌ها جهت اصلاح و بازگشت به

زندگی سالم اجتماعی

توضیح:

امروزه مجازات حبس با هدف بازسازی شخصیت مجرمان رایج‌ترین مجازات‌ها به شمار می‌آید. البته این مقصود هنگامی حاصل خواهد شد که گذران عمر زندانی در دوران محکومیت با برنامه‌ای متناسب با وضع و حال او و در جهت اعاده و احیای توانایی‌های او سازمان یابد.

زندانیان داوطلب کار باید به حرفه‌هایی که مستلزم دیدن دوره‌های آموزشی برای کسب مهارت و تخصص باشد گمارده شوند تا در طول زمان بتوانند با طی مراحل مختلف آموزشی به اخذ گواهی‌نامه مهارت فنی

در رشته مخصوص نایل گردند. در قبال کار زندانیان مزد دریافت می‌کنند. همچنین برای کمک به بازسازی اجتماعی زندانیان، سازمان زندان‌ها مکلف است وسایل تحصیل ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و عالی و دوره‌های تخصصی، علمی و حرفه‌ای و فنی را برای علاقمندان به ادامه تحصیل فراهم کند.

از جمله وظایف مهم مددکاران اجتماعی زندان، آماده کردن زندانیان برای بازگشت به زندگی اجتماعی عادی پس از آزادی است.

تأمین سلامت جسمانی زندانیان نیز از اهمیت زیادی برخوردار است که با معاینات مستمر پزشکی، شناسایی و بستری کردن بیماران و دسترسی زندانیان به محصولات بهداشتی مورد نیاز محقق خواهد شد. در این خصوص جلوگیری از سرایت بیماریها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بند ۱۴۵ - حق دختران در برخورداری از کانون‌های اصلاح و تربیت با شرایط مناسب.

#### توضیح:

کانون اصلاح و تربیت به مرکزی اطلاق می‌شود که نگاهداری، اصلاح و تربیت اطفال بزهکار کمتر از هجده سال تمام را بر عهده دارد.

یکی از اقدامات مهم و ضروری در کانون اصلاح و تربیت توجه به نیازهای روانی و عاطفی دختران می‌باشد بدین منظور می‌بایست با ارائه خدماتی در زمینه ارتقای دانش و نیز کارآموزی دختران مجرم نظیر



مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی و آموزشهای فنی و حرفه‌ای متناسب و راهکارهای فرهنگی مناسب، زمینه‌های بازگشت دختران به زندگی سالم و برقراری پیوند مجدد ایشان با خانواده آموزش داده شود. همچنین نگاهداری دختران در این کانون‌ها باید به گونه‌ای باشد که امکان ارتباط ناسالم و تأثیرات سوء و مخرب ناشی از آشنایی دختران نوجوان و جوانی که دارای سوابق بزهکاری هستند با دختران کم تجربه تر فراهم نشود.

لازم است متصدیان امور کانون اصلاح و تربیت دختران در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات خود لزوماً نیازهای روحی و اقتضائات خاص دختران در دوره‌های سنی مختلف را مورد توجه قرار دهند، تا بدین ترتیب امکان ادامه زندگی سالم را برای آنان فراهم نمایند.

**بند ۱۴۶- حق زنان در رسیدگی به شکایات از آیین‌نامه‌های دولتی، مأمورین قضایی یا واحدهای دولتی جهت احقاق حقوق خود:**

#### **توضیح:**

زنان حق اعتراض نسبت به اقدامات غیر قانونی مأمورین یا واحدهای دولتی را دارا می‌باشند، همچنین آنان این حق را دارند که بر علیه مصوبات و آیین‌نامه‌های دولتی که حقوق آنان را در معرض تضییع قرار می‌دهد به مراجع ذیصلاح شکایت نمایند زیرا دادخواهی حق مسلم هر فرد اعم از زن و مرد است. بر مبنای همین حق می‌بایست امکان مراجعه به دادگاه‌های صالح و اقامه دعوا برای همه زنان فراهم باشد. همچنین قضات دادگاه‌ها نیز

مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف قوانین و مقررات اسلامی و مغایر با حقوق مسلم افراد جامعه است، خودداری کنند و هر فردی از افراد جامعه، از جمله زنان می‌توانند ابطال این گونه مقررات را از مراجع ذیصلاح درخواست نمایند.

بند ۱۴۷- حق و مسئولیت شهادت در دادگاه مطابق با موازین شرعی و قانونی.

#### توضیح:

حضور نزد مقامات قضایی و ادای شهادت یک وظیفه مهم اجتماعی تلقی می‌شود. چه در بسیاری از موارد کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه بدون کمک کسانی که خود در صحنه وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطالبی را شنیده‌اند میسر نیست.

زنان حق دارند تا در موارد بسیار بر له با علیه متهم در دادگاه حضور یابند و نیز در مواردی هم مشمول ادای شهادت در دادگاه می‌باشند. مطابق با موازین اسلامی در برخی موارد مسئولیت شهادت زنان در دادگاه تخفیف یافته و یا با معاضدت دیگران انجام می‌پذیرد.

بند ۱۴۸- حق برخورداری از حمایت‌های قضایی از سوی مدعی‌العموم علیه ولی و سرپرست قانونی فاقد صلاحیت و دیگر متجاوزان به حقوق آنان.

توضیح:

زنان و دختران حق برخورداری از سلامت جسمانی و امنیت روانی در خانواده و جامعه را دارا می‌باشند و هیچ کس نمی‌تواند در هیچ سمتی حقوق مادی و حقوق معنوی آنان را تضییع نماید و در صورت تعرض به حقوق مذکور، آنان یا اولیای قانونی یا مدعی‌العموم حق اقامه دعوا و طرح شکایت به منظور احقاق حقوق تضییع شده را دارا می‌باشند.

بر مبنای همین حق است که هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که دختر تحت حضانت اوست، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد دادگاه می‌تواند هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند. همچنین هرگاه ولی قهری طفل رعایت مصلحت دختران را نماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی‌علیه گردد و یا در صورتی که دلایل متقن مبنی بر عدم امانت ولی قهری موجود باشد، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور نالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می‌نماید.

همان طور که بیان شد، مدعی‌العموم یا رئیس حوزه قضایی در صورت

تضییع حقوق دختران، مسئول اقامه دعوا بر علیه اولیای قانونی فاقد صلاحیت و جلوگیری از تعرض به حقوق آنان می‌باشد.